فرشتهٔ موکل آب نیز از سایر فرشتگان برتر و ارجمند تر است و عجیب نیست که در اوستا بخشی بزرگ را بنام آبان یشت می یابیم و از ناهید فرشته موکل آب سخنها میشنویم.

«کلمه اردو یسوراناهیتا که نام کامل ناهید است مرکب از جزء «ارد» بمعنی برآمدن و فزودن و بالیدن است، سور بمعنی قادر و قوی و در سانسکریت بمعنی نام آور و دلیر است. اناهیتا مرکب از جز «ا» حرف نفی و «آهیت» که چرکین و پلید معنی میدهد و رویهم بمعنای پاک و بدون عیب و پلیدیست و کلمه آهو بمعنای عیب نیز مشتق از همین کلمه است.

«بنده بر این جمله میافزایم که کلمهٔ سور علاوه بر قدرت و نیرو در عربی بمعنای قلعه و دژ (که آن نیز تناسب با قدرت دارد) هست و از تناسبی که این کلمه با موضوع مقاله ما یافته نمیتوان چشم پوشید. باید اضافه کنیم که اردو یسورناهید اسم رودی نیز هست که در اوستا بصورت رودی جاودانی مشخص شده که از فراز کوهکر بدریای فراخکرت میریزد از این رود هزارها رود منشعب شده و در کنار هر یک از این رودها قصری هزار ستون با هزار دریچه درخشان برای ناهید برپاست. در هر قصری در بالای ایوانی بستر پاکیزه و معطری گسترده است.

«ناهید زنی است جوان خوش اندام بلند بالا، برومند، زیبا با چهرهٔ آزاده، نیکو سرشت، بازوان سفید وی به ستبری شانهٔ اسبی است، باسینه های برآمده و با کمربند تنگ که درمیان بسته و بر بالای گردونهٔ خویش مهار چهار اسب یکرنگ ویک قدرا در دست گرفته و میراند. اسبهای گردونهٔ وی عبارتست از باد و باران و ژاله و ابر. ناهید با جواهرات آراسته تاجی زرین بشکل چرخی که بر آن صد گوهر نور پاش نصب است، بر سردارد و از اطراف آن نوره های پرچین آویخته، طوقی زرین دور گردن و گو شواره های چهار گوشه در گوش دارد. کفشهای درخشان را در پای خود با بندهای

زرین محکم بسته، جبه ای از پوست سی ببر که مانند سیم و ز رمید رخشد در بر نموده، در بلند ترین طبقهٔ آسمانی جای آرام اوست. بفرمان ناهید، از فراز آسمان باران و تگرگ و ژاله و برف فروبارد. از اثر استغاثهٔ پارسایان و پرهیزگاران از فلک ستارگان یا از بلند ترین قلهٔ هکر بسوی نشیب میشتابد. نطفهٔ مردان و مشیمهٔ زنان را پاک کند و زایش زنان را آسان سازد، شیر را تصفیه نماید، بگله ورمه بیفزاید.

این توصیفی است از ناهید فرشتهٔ آب که بصورت دختری زیبا ترسیم شده و مورد پرستش ایرانیان بوده است. پرستش ناهید در کجا صورت میگرفته؟ مسلماً در آتشکده های و معابد بزرگ ایرانیان که اغلب بر بلندی ساخته میشده است. بگفته هرودوت، ایرانیان قدیم، جز معابد آراسته ای که در قلعه های کوههای بلند ساخته و با هورامز دا اهدا مینمورند، معابد دیگری نداشتند. در این معابد آتشگاها را میساختند. علاوه بر آن ستایش ایزدان نیز در همین معابد انجام میشده است.

البته کلیهٔ آتشکده ها و معابد ایزدان مورد احترام خاص بوده است. ولی آتشکدههائی که اختصاص بناهید داشته از همه مجلل تر و معظم تر بوده است و پادشاهان و امرا در تجلیل و تزئین معابد این فرشتهٔ ایرانی که آب و برکت را نصیب دشتهای وسیع ایران مینموده افراط مینموده اند. این فرشته تنها موکل آب نیست « نطفهٔ مردان و مشیمهٔ زنان را نیز پاک کند و زایش زنان را آسان سازد.» از این جهت خصوصاً ارتباطی با طائفهٔ نسوان دارد و بدین علت میتوان گفت که فرشتهٔ اختصاصی انوثت و زیبائیست.

معبد ناهید

اردیشر دوم (۴۰۴-۳۵۹ ق.م) در کتیبهٔ خود از بنای معبد ناهید نام میبرد. معبد دیگری از ناهید در پاسار گاد (استخر) وجود داشته که مورد

احترام پادشاهان هخامنشی بوده است. پادشاه چون میخواست تاجگذاری کند باین معبد که مورد احترام کورش کبیر بوده است میرفت و لباس خاص کوروش را میپوشید و مراسم خاص بجا میآورد.

قلعه پسر

نباید فراموش کرد که در ایران قدیم معابد تنها بنام ناهید نامگذاری نمیشده بلکه سایر فرشتگان و ایزدان نیز پرستشگاهای مجلل داشته اند که از آنجمله باید از معابد مهر (میتر) نام برد، که بدر مهر مشهور است.

«در جوار قلعه دختر خراسان جائی بنام قلعهٔ پسر نیز هست. بنده گمان میکنم این قلعه معبد بغ تیشتر (تیر، خدای باران) بوده. در اوستا (تیر یشت) فرشتهٔ باران (تیشتر) بدین صورت توصیف شده: «..... در ده شب اولی، ای سپیتمان زرتشت، تشتر را یو مند فرهمند، ترکیب جسمانی پذیر و بشکل یک پسر پانزده سالهٔ درخشان، با چشمهای روشن، بلند بالا و بسیار نیرومند و توانا و چست، در فروغ پرواز کند، بسن و سال مردی که باد نخستین باو کمر دهند، بسن یک چنین مردی که نخستین بار قوت گیرد، بسن یک چنین مردی که نخستین بار ببلوغ رسد ....»

«هیچ بعید نیست که در اغلب جاها معبد دختر (اناهید، خدای آب و زیبائی و معبد پسر (تیر، خدای باران) درکنار هم قرار گرفته و مورد پرستش ایرانیان قدیم بوده باشد. آن طور که گفتیم در کنار قلعه دختر خراسان (بازالحمراء) قلعه ای بنام قلعهٔ پسر نیز هست. باز میتوانیم در بارهٔ خدای باران خبری دیگر نیز ذکر کنیم. حمد الله مستوفی در ذکر بلاد فارس مینویسد «.... خبر، شهری وسط است، هوای معتدل دارد .... آبش گوارنده و زمینش غله بوم و میوه های سرد سیری و گرمسیری همه

در او باشد و نیکوپور و قلعهٔ محکم دارد و آنرا تیر خدا خوانند و در او نخجیر کوهی و دشتی فراوان بـود . » ابن بلخـی در باره همین قلعه گوید « قلعه ایست عظیم و کوهی بغایت بلندی و از بهـر آن این را تیر خدای خوانند . » اصطخری نیز نهر فیروزآباد (گور) را نهر تیرزه نامیده و همان است که ابن بلخی گوید « رودی است آنجا رود برازه گویند بر بلندیست چنانک از سر کوه میآید » در کتاب ترجمه سرزمینهای شرقی از شهری که موسوم به نهر تیر یا رود تیرا یا نهر تیرین بوده نام برده شده که در کنار رود خانه ایست بهمین نام و از شعبه های رود کرخه است.

« کمتر گمان و شک میتواند در این جمله راه یابد که این قلعهٔ تیر خدا جائی غیر از معبد تیشتر (خدای باران) باشد ، یعنی همان قلعهٔ پسر. بنظر میرسد که از زمان سلطنت اردشیر دوم اعتقاد بناهید اهمیت بیشتری یافته بوده و در زمان پارتیان (اشکانیان) نیز در درجه اول قرار داشته است در زمان پارتیان ، همه معابد ایـــرانی که در منابع تاریخی مذکور است بهمین ربة النوع تعلق دارند . تیر داد اول در شهر ارشک ، در یک معبد ناهید ، تاجگذاری کرد . در همـدان مقر تابستانی شاهان پارت ، معبدی از ناهید برپا بود که آنیتـو خوس سوم آنرا غارت کرد . معابد ناهید در ایران کم نبوده و ذکر عبادت شاهان در این معابد کم و بیش آمده است و مهمتر از همه معبد کنگاور است .

معبد اصطخر

در همه کتب تاریخ آمده است که جد اردشیر ریاست معبد اناهیتای استخر را دارا بود . ابن اثیر مینویسد « . . . . كان قيماً على بيت نار باصطخر يقال له بيت ناهيد . » بگفته بلعمی ساسان جد اردشیر ، مردی بود مبـارز با هفتاد هشتاد سوار حرب کردی تنها ، و بس آمدی و ملک نبود ، ولیکن

آنهمه دیه ها و روستارا مهتری و سروری کردی و آتش خانه اصطخر (نام وی ناهید) بدست وی بود. اردشیر در همین آتشکده عبادت میکرد و بدان احترام خاص میگذاشت و درکارها از او برکت و پیروزی میخواست.

«.... آتشکده ها و معابد ایرانیان قدیم محل پرستش بغان و ایزدان بوده است و یکی از مهمترین این بغ ها ناهید بوده که بچهرهٔ دختری زیبا نمایش داده میشده، باید قبول کرد که این معابد قاعدتاً بنام همین دختر معروف شده باشد و چون معابد ایرانیان بیشتر در کوهستانها و خصوصاً در قلعه های بلند و محفوظ بوده است، که از جهت حملات خارجی و قتل و غارت مصون بماند از این سبب است که این قلعه ها، گاهی از جهت اقتصاد و گاهی از جهت احترام، تنها بمعبد دختر یا قلعهٔ دختر شهرت یافته و دردهانها افتاده است.

«در طی مطالعه در احوال ایشتار- ناهید- و برخورد باابنیهٔ دختر و بعضی استنباطات شخصی حدس بنده این شد که باید ابنیهٔ دختر را در ایران همان معابد ناهید و ایشتار دانست. در این اندیشه بودم که در ضمن صحایف ایران باستان برخورد کردم که دیگران نیز براز این معنی پی برده اند ولی بفرس قاطع سخن نگفته اند.

«چرا معابد ناهید اغلب برفراز کوهها بوده است؟ ... مگر نه اینست که اناهیتا در بلند ترین طبقهٔ آسمان آرام دارد و از فلک ستارگان یا از بلند ترین قـلّه کوه هکر بسوی نشیب شتابد؟ اصولاً ایرانیان قدیم اغلب معابد خود را برفراز بلندیها بنا مینموده اند و در آنجا بنیایش مهر و ناهید میپر داخته اند. صرف نظر از جنبهٔ تقدس و پاکی این معابد که بایستی دور از دسترس آلودگی و همچنین حملهٔ دشمن باشد، باید گفت که معابد ناهید در از منهٔ قدیم از غنی ترین و پر کالا ترین معابد روی زمین بوده است و وقفیات منقول و غیر منقول آن آنقدر بوده که مسلماً میبایستی در

محل و قلعه ای که امن و امان باشد قرار داده شود . دربارهٔ معبد ناهید همدان نوشته اند که وقتی دوستان شاه اردیشر دوم و زن او آتس سا آنقدر هدایا فرستادند که فضای بین قصر و معبد که از حیث وسعت ۱۶ استاد میرسید پر از زر و سیم و اسب بوده است .

« پولین مورخ رومی (متوفی ۷۹ میلادی) مینویسد : در معبد ناهید شوش یک مجسمه بسیار سنگین طلا از ناهید وجود داشت که در زمان جنگهای آنتوان بافرهاد چهارم (۳۷-۲ م) بغـارت رفت . مسلم است که نگاهداری اینهمه اشیاء قیمتی جز باوجود قلاع مستحکم در جوار معبد ناهید ممکن نبوده است . نباید فراموش کنیم که اصولاً ابنیه و آثار و تپه ها و کتل های که بنام دختر موسوم است حتماً نباید معبد دختر و ناهید باشد ، بلکه اینها آثاریست که بعلت قرب جوار معبد محترم و مقدس دختر بدین نام معروف یافته (مثل کتل دختر یا پل دختر) بهرحال چیزی که باید قبول کرد اینست که انتساب قلاع دختر فعلاً نمیتواند جز صورتی از معبد و پرستش ناهید در این امکنه و بقاع باشد . فرشته ای که آئین او قرنهای متمادی در همهٔ خاور میانه ـ از رودارس تا بدریای گنگ ـ و از خاوران تا حدود ارمنستان و مدیترانه مورد احترام بوده و پادشاهان مقتدر بامید کرامت و بخشش او سر بسجود میسپرده اند .

« با این مقدمات میتوان قاطعاً گفت که جا ها و بنا های که بنام دختر شهرت یافته ، مربوطا به پرستش اناهیت و ایشتر است که صورت دیگر نام آن ، زهره یاد شده و طبعاً وقتی همه این قلعه و بنا بنام زهره در ایران و خاور میانه بیابیم ، آنوقت خوب درک میکنیم که چرا در کتب لغت فارسی « خاتون هفت قلعه کنایه از ستارهٔ زهره است » و آفتاب و زهره را خاتونان شبستان سپهر و زهره و ماه را خاتون فلک خوانده اند .

« بدین ترتیب، پس باید سایر جا هائی را که وجه ارتباطی با این نام و لقبها دارند نیز جزء ابنیه دختر در آورد، منتهی بعلت تفاوت ز بانها و کلمه ها و یا آداب و رسوم محلی، امروز بصورتی دیگر معروف مانده اند. وقتی قبول کنیم که در نواحی ایران و حتی خاورمیانه، کلمهٔ ایشتار، استار و ستاره برای اناهیتا بکار میرفته است و ستاره در عربی به نجم ترجمه شده، پس باید یک قلعه دختر دیگر هم بحساب آورد که بصورت قلعة النجم معرفی شده و آن بگفته صاحب معجم البلدان قلعهٔ محکمی است مشرف بر فرات برفراز کوهی، شارستانی آبادان دارد و مردان بوسیلهٔ پلی از فرات گذشته بقلعه میرسند، مستوفی نیز در نز هة القلوب از این قلعه نجم سخن میراند.

چل کنجه

« بر دامنه بالای کوه خواجه در سیستان چهار خرابه است که یکی از آنها امروزه محل نذر و نیاز مردم سیستان است. در وسط این قلعه، که حتماً روزی پناهگاه جنگی نیز بوده. بنائی هست که باید مرکز این قلعه بوده باشد. دومین بنای آن تخت رستم و سومین بنا که در قسمت پائین کوه، سمت جنوب است بنام « کوچک چل کنجه » نامیده میشود. و این کنجه مخفف کنیجک و کنجک پهلوی است که همان کنیزک (کنیچا) امروزی باشد. در لهجه مراغیان قزوین کینا و ظاهراً نون غنه آن در لهجه کردی و و گیلکی افتاده بصورت کیژو کیجا در آمده و بدین طریق آبادی « کجک قلعه » شیر دل خان سیستان نیز از این نمونه است و شاید لفظ معروف سرزمین « کیج » (کیز اصطخری) و احتمالاً کج کلا (قلعهٔ کج، قلعهٔ دختر) زنجان و کیز کانان طوران هم. باید دانست که کنجه در زبان سیستانی معنی دختر میدهد. کلمهٔ دختر در لهجهٔ کردی کیژ و لهجهٔ گیلکی کیج و کیجا و در لهجه ترکی کلمه کیژ بصورت قز با کسرقاف

تبدیل گردیده و معنی دختر میدهد. بنا بر این کلیه آثار و آباد یهائی که با این کلمات ربط دارد منسوب به ناهید دانست. مانند کیثرده از حومهٔ رشت، کلانه کیج (قلعه دختر) واقع بین استراباد و گرگان. کیثر بگفته صاحب حدودالعالم شهریست در فارس و اندروی حصاری استوار. قزقبری سنجابی (گور دختر) در چار محله کرمانشاهان و چقاقزان (تپه دختران) درکرمانشاه. قز قلعه درخوی، قز قلعهٔ مهاباد در حدود شهر ویران مهاباد و قز قلعهٔ در قزوین و قز درهٔ در مراغه و قزگه (دخترجای) درخلخال و قزقاپان و قزلر بلاغی (کوه دختران) در آذربایجان و قزکسک (بریدهٔ دختر از نمونه کوه بریده قلعه دختر کرمان) در دهستان پیران مهاباد وغیره. وهمنیطور است کلمه لاکو در لهجه گیلکی بمعنی دختر و کلمه خاتون و بی‌بی و دور در لهجه بختیاری بمعنی دختر وهم دده بلهجه لری بهمان معنی و ننه و بانو و مادر و خواهر و کر بلهجه کردی بمعنی پسر و پیرزن و آثار منسوب بانی نامها باحتمال قوی از آثار مربوط بناهید بوده است.

معبد ناهید اصطرخ بگفته بعضی فرهنگها (استخر) بعد از اسلام بعلت مقاومتی که قلعه های مهم آن در برابر عرب کردند ویران و بعداً تبدیل بمسجد گردید. مسعودی در توصیف این مسجد گوید «من این مسجد را دیده ام، تقریباً در یک فرسنگی شهر استخر واقع شده، بنائی زیبا و معبدی با شکوه است. در آنجا ستونهائی از سنگ یک پارچه با قطر و ارتفاع حیرت بخش دیدم که برفراز آن اشکال عجیب از اسب و سایر حیوانات غریبه نقش بود که هم ازجهت شکل و هم از لحاظ عظمت آدمی را بحیرت میافکند. در گرد بنا خندقی وسیع و حصاری از سنگهای عظیم کشیده بودند مستور از نقوش برجستهٔ بسیار ماهرانه. اهالی این ناحیه تصویرها را از پیغمبران قدیم میدانند.»

سخنان دانشمند محترم آقای باستانی پاریزی در اینجا خاتمه مییابد.

کثه ویزد

چنانکه از مندرجات استخری و سایر جغرافیون عرب و ایرانی برمیآید کثه در برابر یزد جنبه شهری داشته. استخری مینویسد «یکی از شهرهای مهم بین خراسان و استخر کثه میباشد و آن کوره مهم یزد و ابرقواست. کثه شهر مهم یزد در کنار بیابان‌واقعست. هوای آن بواسطه مجاورت با بیابان بسیار سالم و تمام وسایل استراحت شهرهای بزرگ را دارا میباشد. بلوکات آن حاصلخیز و زندگانی درآن نیزارزان است. خانه های آن باخشت خام وگلی است باسقفهای طاقی. قلعه محکمی دارد با دروازه آهنین که یکی را نام دروازه ایزد است و دیگری را بمناسبت مسجد بزرگی که بنزدیکی دروازه طرف ده قریب بآن واقع است دروازه مسجد میگویند شهر با آب قنات سیراب‌میشود و رودی نزدیک قلعةالمجوس یا قلعه زرد جاریست و آن قریب دهی است که معدن سرب دارد. دارای موقعیت بسیار خوبیست و دهات متعدد و حاصلخیز در اطراف آن فراوان است. شهر و دهات آن میوجات را بسیار دارد که باصفهان و سایر نقاط صادر میکردد. کوههای آن نیز مشجر و گیاهای زیاد دارد که بخارج فرستاده میشود. بیرون شهر دهی است باخانه های زیبا و بازار دلکش. غالب مردم شهر اهل فرهنگ و دانش میباشند.»

ابن حوقل قول بالا را تکرار و علاوه میکند «به نسبت کوره استخر کوره یزد بزرگتراست و شهر های آن عبارتست از کثه که قلعه میباشد و میبد و نائین و فهرج فقط در این شهر چهار منبر موجود است و درجاهای دیگر نیست». ابن حوقل بنقل از استخری شهر کثه را بنا باهمیت آن بعد از استخر ذکر کرده میگوید که شهر کثه دارای قلعه معتبر است. یاقوت در مورد یزد و کثه در دو فقره جداگانه صحبت میکند مینویسد کثه از جایهای فارس وحومه مهم کوره یزد و بکوره استخربستگی دارد. در فقره دیگر

مینویسد که یزدمابین راه نیشاپور، شیراز و اصفهان واقعت و بخشی ازاستان فارس محسوب میشود و بکورهٔ استخر تعلق دارد. یزدنام منطقه ایست. بقول و قلعه آنرا کثه گویند. مسافت بین آن و شیراز ۷۰ فرسخ است جاکسن واژه کثه در اوستا بشکل کته آمده که بمعنی گودال است. ایتی صاحب تاریخ یزد مینویسد که در یزد گودالهای بزرگی بوده که تقریباً بایرشده و داخل خانهٔ ها گشته است. صاحب تاریخ جدید یزد این نام را یونانی میداند و جهانگردان خارجی هم همین نظریه را اظهار کرده اند،ولی در اشتباه میباشند. آیتی شهر قدیم یزد را دور تراز موقعیت فعلی آن میداند و در مورد کثه میگوید «اماشهرت این سر زمین بنام کث یا کثه مسلم است، حتی قریهٔ هم هنوز وصل به یزد کنونی است بنام کثنویه که در نوشتجات قدیم باثاء مثلثــه بوده و اکنون با «س» نویسند (کسنویه) یاقوت حموی در معجم البلدان در بیان میبد مینویسد «و بین میبد و کث مدینة یزد عشره فرسخ.»

صاحب جامع مفیدی در مورد کثه مینویسد «اسکندر بصوابدید و زیر در آنجا (شهرستان یزد) عمارتی طرح انداخت و اکابر عجم را که در بند داشت بفرمود که جهت محبس ایشان چاهی فرو بردند و این عمارت را کثه نام نهاد، و این کثه را زندان اسکندر میگویند..... یزد گرد بزهکار چون بدین عمارت که اورا کثه میخواندند فرود آمد، اعتدال هوای آن سر زمین در او اثر کرده خون از دماغ او بقدر باز ایستاد و اندک توانائی در بدن او پدید آمد.» * باز درجای دیگر مینویسد «خواجه صواب قنات صواب که الحال بآب سوا شهرت یافته احداث نمود و در میانه شهر و کثنویه دهی بساخت و آب آن قنات در آن محل شرب میشد و بمرور آن قریه خراب شده» † از این قول که در سال ۱۰۷۳ هق نوشته شده معلوم

(*) جامع مفیدی جلد اول ص ۱۱-۱۴ (†) ایضاً ص ۷۹

میشود که شهر کشنویه بتدریج بایر و بدیه تبدیل گردید است. در سدهٔ اخیر آب قنات آن نیز خشک گردید و مردمش در بدر گردیدند.

بنابر آنچه گذشت در کشنویه یک آتشکده بزرگی و بظن قوی آتش ورهرام بوده و الایک دروازه آن بدروازه ایزد نامگذاری نمیشد. امروز کشنویه بی آب و زرتشتیان آنجا باطراف پرا کنده و پس از احداث آبادیهای زیاد در سمت بلوک بآن طرفها رفته اند و گروهی نیز در نرسی آباد که پهلوی آن واقعست اقامت گزیدند. خرابه های آن دیه حاکی از حقیقت گفتار جغرافی نویسان عربی زبان میباشد.

مردان نامور کشنویه

در دو سده اخیر مردان بزرگ زرتشتی چون فرزانه مرزبان ظهراب فرزانه هرمزد یار خدا بخش و فرزانه خداداد رستم کد خدا و اخیراً مهربان بهرام نرسی آبادی که مصدر خدمات مهمی بجماعت بوده اند. از آنجا برخاسته اند. مسلمانان نسبت برشادت و فصاحت و تیز زبانی و حاضر جوابی و دانش و فعالیت فرزانه خداداد بسیار رشک میورزیدند. چون نتواستند بهیچ وسیله اورا مسلمان سازند، کمر بقتل او بستند و شبانه در بین راه شهید نموده در چاهی انداختند. اینک بچاه خداداد کد خدا مشهور است. سپس دخترش دولت راربودند، تا مسلمان نمایند. ولی دولت چون پدر پر دل و بی باک بود. تن برضاندار و بمجتهد وقت که در منزلش زندانی بود گفت که میتوانند اورا بکشند اما نمیتوانند دلش را از دین بهی برگردانند. بالاخره اورا راضی کردند که بر دین خود باقی بماند و آداب و تشریفات دینی زرتشتیان را بجا آورد و با یکی از جدید الاسلامهائی که خود بپسندد ازدواج نماید و شوهرش بدین مسلمانی باشد. دولت باین شرط تن درداد و بعقد ازدواج یکی از جدید الاسلامهای زرتشتی کسنویه در

آمد. مراسم سال و گهنبار و پاکی و اشوئی مانند زمان پدر در منزل خویش معمول میداشت و بمراسم دینی و حمام مسلمانان قدم نمیگذاشت بفرزندان خود سخت قدغن و وصیت کـرده بود که نسل اندر نسل نابر نگاهدارند و گهنبار را بخوانند. حاجی محمد ابراهیم کسنویه ای نوهٔ اوست، نابر را رعایت میکـرد و هنگام چهره گهنبار منزل اجدادی را خالی میکرد و بدست زرتشتیان میسپرد که مراسم گهنبار را بروش دین بهی بجای آورند و اطاق نماز گاه برای انجام مراسم دینی را همیشه قفل میکرد و بغیر از زرتشتیان دیگری در آن داخل نمیشد. در اینجا در ذکر مردان نامور نرسی آباد که بر روی بخشی از خرابهای کثنویه آباد شده خودداری نمینمایم.

روانشاد مهربان خـدا بخش نرسی آبادی مشهور به مهر بیابانکی، یکی از مردان نامور گروه زرتشتی درسدهٔ گذشته میباشد. در دورانی که زرتشتیـان تحت محـرومیتهای سخت زندگی میـگردند و در برابر مسلمانان یار ای ایستادگی نداشتند، و آنهارا حقیر و ناچیز میشمردند، کلام این مرد بلند همت و ماجـراجواز مهریز تا شریف‌آباد یزد نافذ بوده است. جمع مالیات چهـار دیه در بید، محمدآباد. مهریز و مزرعه صدری و کدخـدائی آن ها بر عهده داشت. از روزکار جوانی در حفر کاریز و قنات بسرپرستی پدر زن خویش رستم خدا بخش مقنی استـــا باشی استاد کردید و چهار قنات بنظـــارت و سرپرستی خود احداث نمود زیرا که باشی یعنی استاد کاریزکش بود.

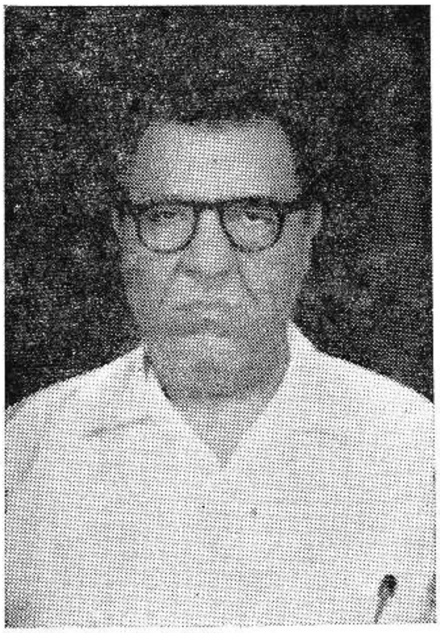
این مرد بلند همت که در زمان خویش باعث آبرو و عزت جماعت بوده، چنانکه میگویند در جدود سال ۱۱۸۸ یزد کردی دردیه نرسی آباد، روشنی افزای دیدکان پدر و مادر گردید. در آن روزگاران اوضاع یزد ناامن بود و هر صباح فرمانداری بر سر اقتدار. خاندان خوانین عرب در یزد نیرومند بودند و در بیابانک صاحب ضیاع و عقار، ولی املاک ودیه های

که برای آنها بیحاصل و ثمر بود. چون زرتشتیان براستی و درستی و امانت معروف بودند و روانشا مهربان مردی بیباک و پردل باشهامت بود، مصطفی قلیخان عرب معروف بسهام‌السطنه از او درخواست که چند خانوار زرتشتی را برای کشاورزی، بسرپرستی خویش به بیابانک ببرد و خود در آنجا ناظر و مباشرامور دیه‌های اوگردد. مهربان خواهش خان را پذیرفت و با بانوی خویش پیروزه و چند خانـدان زرتشتی عازم بیابانک گردید و مدت ۳۱ سال در آنجا بکار مباشرت املاک خان مشغول بود. خان در سال ۱۳۰۵ هق (۱۲۵۵ی) فرماندار یزد گردید.

روانشاد مهربان تمام همت خویش را در آبادانی بیابانک بکار برد چنانکه همه فرزندانش بغیر از یک پسر بزرگ همه در بیابانک بدنیا آمدند و به بیابانکی مشهور شدند. پیروزه بانوی او زنی باشهامت بود و بارها تنها بهمراهی پسر کوچک خویش، سوار برالاغ از نرسی‌آباد تا بیابانک مسافت حدود ۲۰۰ کیلومتر را بدون خطر، سفر کرده است. راهها در آنزمان نا امن بود. و مسافرت جرئت و بیباکی لازم داشت. نفوذ کلام روانشاد مهربان در بیابانک بین مردم آنجا بسیار بود و همه اورا بنظر احترام مینگریستند و عموم کشاورزان که مسلمان بودند، امر اورا بجان میپذیرفتند. زیرا که مهربان مردی مهربان بود و در بخش فرآورد کشاورزی که در آنزمان نیمه‌ای بود. یعنی نیمه محصول بجای اجاره مال ارباب و نیمه مال رعیت، حتی کشاورزی آنها بود. مهربان طرف رعیت را میگرفت و بهره بیشتر بآنها میداد تابا دل گرم در آبادانی زمین بیشتر زحمت بکشند.

در طی مدت مبـاشرت او، بیابانک آباد شد و بهره سرشاری نصیب خان گردید. ولی خودش بواسطه رادی و جوانمردی، چیزی برای اولاد خود و پیری ذخیره ننمود. خان باخانواده خویش در جلب رضایت خاطر او و بانوی عزیزش میکوشیدند. چنانکه روزی پیروزه بانو ناخوش شد. خود خان باتفاق سواران. بشتاب از ۲۷ فرسنگ مسافت برای بانوی ارجمند مهربان دارو آورد.

کشاورزان زرتشتی پس از چند سال اقامت در بیابانک بدیه های یزد برگشتند اما روانشاد مهربان، مدت ۳۱ سال بامر مباشرت مشغول بود و اگر درست تر بگوئیم در آنجا فرمانروائی میکرد. پس از ضعف نیروی خانواده خان، روانشاد مهربان پیری وسن قریب هشتاد سالگی را بهانه کرده بیابانک را بگذاشت و به نرسی آباد برگشت. ارباب رستم مهر بزرگ درآن هنگام دیه بهرام آباد را بنام پسر خویش شاه بهرام احداث نموده بود. از ورود مهربان خوشحال گشت و از او درخواست مباشرت آن دیه را بپذیرد. مهربان سی سال در آن دیه بماند و آنرا آباد کرد. سپس از کار کناره گرفت و بحسن آباد میبد محل اقامت پسرش خدابخش رفت و پس از یکسال بانیروی تمام در صدوده سالگی حدود سال ۱۲۹۸ یزد گردی بگروثمان برین شتافت. و سه پسر رشید، اسفند یار و خدابخش را از خود بگذاشت. رشید بیابانکی فرزندش از شکارچیان ماهر یزد بشمار آمده است. خدابخش و اسفندیار اینک بسن پیری رسیده اند وامید است مانند پدر بیش از صد مرحله زندگی را بپیمایند.



آقای رستم خدا بخش کیانی

یکی از مردان نامور دیگر ما رستم کیانی فرزند خدا بخش ونوه مهربان بیابانکی است که در بالا کار نامه اورا بیان کردیم. او نیز مانند بامس خویش پردل، نیرومند و ماجرا جوست. ولی دست و دل باز و مهمان نواز و در کمک بنوع کوشاست. در تیر ماه سال ۱۲۸۴ یزد گردی

در دیه حسن‌آباد بلوک رستاق یزد، در محیط بینوائی و تنگدستی که نتیجه نا امنی اوضاع بود، قدم بعرصه وجود نهاد. در هفتسالگی از فرط بیچارگی در خانه ارباب شاه بهرام پسر ارباب رستم مهر بزرک بسمت خانه شاگردی مشغول کارشد. دیهٔ بهرام آباد ملکی ارباب بنظارت جدّش مهربان آباد شده بود. ارباب شاه بهرام و خانواده برخلاف اربابان دیگر زرتشتی، نسبت بنوکران خانه محبت و مهربانی مینمودند. رستم در منزل ارباب خوش میبود و پس از انجام وظایف محوله، ارباب اورا باتفاق بچهای خود بمدرسه میفرستاد. رستم پنجسال در آنجا بشاگردی مشغول بود و در ضمن در مدرسه یک کلاس فارسی باکمی حساب بخواند. سپس در سال ۱۲۹۵ ی عازم بمبئی گشت و سه سال در این شهر بزرگ در مغازه ها بنوکری پرداخت. پس از مهارت در کسب در ۱۶ سالگی مستقلاً صاحب مغازه گردید. بخشدار بواسطه صغر سن پروانهٔ کسب باسم اوصادر نمیکرد. اما رستم دست بردار نبود و با حضور پی در پی خویش در بخشداری، بالاخره پروانه باسم خود صادر ساخت. رستم پهلوان نیرومند و ماجراجو بود. مفتخواران پرزوری که باج سبیل از مردم میگرفتند، پس از برخورد با او از او حساب میبردند و راه مؤانست و دوستی می پیمودند. رستم مردی دلیر راد و آزاد منش میباشد. در خلال مدت ۱۱ سال کسب در هند، بواسطه دست و دلبازی و مهمان نوازی هر چند مالک سیم سفید نبود، اما دلهای مردم را در گرو کمند محبت و مهر بانیهای خویش داشت. در سال ۱۳۰۶ ی رهسپار برمه، و رنگون را محل اقامت خویش ساخت. بیخبر از موقعیت محل، در محله باج سبیل گیران مغازه باز کرد. در همان روز نخست، زهر چشم خوبی با و باش و سردسته آنها نشان داد و همگی نه تنها فرمانبردار او گردیدند. بلکه در پیشرفت کار مغازه او نیز میکوشیدند. رستم در طی مدتی که بکسب و کار مشغول بود. از

تحصیل علم و هنر ورزش و فتق امور بازرگانی و معاش و قوانین دولتی و مدنی که هر آن احکامی تازه صادر میکردند نیز غافل نبود. اینک فارسی و انگلیسی و هندی را بخوبی میداند. پس از سه سال اقامت در رنگون به پونه مراجعت نمود و در سال ۱۳۱۷ یزدگردی در حیدرآباد دکن رحل اقامت افکند و دستگاه بزرگی در آنجا براه انداخت و صاحب نفوذ کلام گردید. بابزرگان و رجال دولت و کارگردانان کنگره هند آشنا و دوست گردید. اینک رئیس اتحادیه هوتلها و نانوائی ها و شیرینی پزها میباشد و اکثریت قریب بتام با هندیهــــاست. بواسطه راستی و درستی و صمیمیت، کلامش نافذاست. نه تنها ایرانیانی که بحیدرآباد رفته و با او تماس حاصل کرده اند بلکه بیگانگان نیز از مهمان نوازی و فعالیتهای اوداستانها میسرایند. جمعی کثیر آقای رستم را شاه بیتاج حیدرآباد میخوانند.

خنب آتشکده

«در سه فرسنگی شهر فسا بطرف شمال تنگ کرم نزدیک آتشکده عهد ساسانی آتشکده واقع میباشد و اهل دهات آنرا قمپ مینامند. و این خنب آتشکده میان دو کوه واقع است یکی کوه تودج که ابتدای آن از همین خنب است و آخر آن قریب به بندر عباس. گویند این کوه خیلی ممتد و طولانیست و منفعتش بسیار میباشد. از هرگونه فواکه دارد. علاوه در بعض از جاهای آن مرکبات بعمل میآید. چشمه سار و انهارش لاتعد و لاتحصی است و هر نوع حیوان از قبیل بزکوهی و آهو و گوزن دارد. بزهائی که در این کوه است همه فادزهر دارند و آن سنگی است که در شیردان یا روده یا زهره بزکوهی بهم میرسد. کوه دیگر خرمن کوه است و آن ۱۲ فرسنگ است و بحسب ارتفاع از اکثر کوهای پارس بلند تر است.

در وسط این دو کوه خنب آتشکده است و آن غدیری است عمیق بشکل مستدیر که فی الجمله مستطیل باشد. دور تا بدور آن سیصد قدم است و عمق شش ذرع. از یک طرف خنب جدولی بریده اند که متصل آب از آن جاریست و آبی که داخل جدول میشود ازانبوه صدا میکند و همهمه دارد. بر بالای کوه تودج چشمه های بسیار است که آب از آنها متصل جاریست آنرا چهل چشمه نامند و این آب چهل چشمه با آب خنب یکی میشود میرود تا شهر فسا و بالاتر بآن زراعت مینمایند. بالای سر چهل چشمه یعنی نیم فرسنگی در دامنه کوه تودج سنگی مکعب برپاست و آنرا سنگ قنبر میگویند ولی تسمیه اصلی ندارد.» (نقل از آثار عجم تالیف فرصت الدوله شیرازی)

آتشکده در خوزستان

سید صدر الدین ظهیر الاسلام دز فولی صاحب شکرستان در بخش اول کتاب مینویسد «در دوره ساسانیان که ایران باوج عظمت رسید و پایهای تمدن خود را در نهایت استحکام بر روی خرافات و موهومات گذارده بیخ توحش را برکند. آثار آتشکده هائی هم از این دوره در خوزستان بوده که سیاحین عرب تا اواخر قرن چهارم هجری از آنها نام برده و مشهودات خویش را نگاشته اند. از جمله مسعر بن مهلهل در رساله خویش گوید از رامهرمز تا دورق آتشکدها بوده. یاقوت در ذیل لغت هندیجان در معجم البلدان از او نقل قول کرده گوید مابین آسک و ارغان قریه ایست که آنرا هندیجان گویند دارای آثار عجیب و ابنیه عالی و گاهی بعضی دفینه ها در آن میبابند همان نوعی که در مصر است و در آنجا نواویس بدیع الصنعه و آتشکده میباشد.

آتش پرستی اهالی شوشتر هم باندازهٔ مشهور است که قابل انکار نیست بلکه اشخاصی در شوشتر پیدا میشوند که چراغ خاموش نمیکنند. این رسم مذهبی راپس از هزار و سیصد سال از دست نداده اند.

مطابق آخرین تحقیقاتی که بعمل آمده شهر شوش و اهواز در حدود سنوات هفتصد هجری خراب و نام شهریت را فاقد شده اند. موجبات این خرابی تاکنون مجهول است.

آتشکده کاوسان

در پیرامون کاوس سراه، هزار جریب امروزی در گیلان آتشکدهٔ کاوسان واقع بود و شاپور پور کاوس برادرزاده نوشیروان دادگر بیشتر عمر خود را در تبرستان و آتشکده کاوسان بسر میبرد وبآبادانی‌آن شهرستان میپرداخت. مردم تبرستان باو علاقمند بودند. باو سر خاندان شاهان باوندی، پسر اوست که پس از کشته شدن یزد گرد سوم در همین آتشکده کاوسان در کاوس سره که مرکز کهستان هزار جریب میباشد کوشه نشین شدو بسوک نشست و تا سال ٤٥ هق بعبادت پرداخت (تاریخ تبرستان پس از اسلام اثر برزکر ص ۲۰۹) باو در دوره پادشاهی آزرمیدخت چون نمیخواست در تحت فرمان زن باشد در آتشکدهٔ استخر باعتکاف پرداخت.

کوه خواجه

باستان شناسان رمیان دریچه هامون در سیستان در جزیره ای بنام کوه خواجه خرابهای یک شهر و یک کاخ و باقیمانده یک آتشکده بسیار معتبر که از آثار روزکاران ساسانی است کشف کرده اند. (تمدن ایرانی ترجمه دکتر عیسی بهنام ص ۲۷)

پیر چراغ

بیده نزدیک میبد از دهات قدیم یزد پیش از اسلام است و اتشکده مهمی داشته است. بعد از آنکه مردم آنجا بتدریج اسلام میآورند ساختمانهای دینی زرتشتیان و آتشکده نیز خراب میکردد و یا آنکه ویران مینمایند مگر اطاق آتشگاه که بنام پیر چراغ معروفست و بعدها دوباره تعمیر کردیده. زرتشتیان و مسلمانان هردو بزیارت آن میروند و در آنجا شمع و چراغ میافروزند.

دیه های قدیم یزد پیش از اسلام

دیه های باستانی یزد عبارتند از بندر آباد، مهریز، خورمیز که آنرا هرمز میگفته اند، مهر گرد اینک مهریجرد گویند، هفتا در، سریزد، کرمانشاهان، خرانق، درین، در چهار فرسخ سمت غربی خرانق، ساغند، هومان دربید که دراوید بوده، سفیدان، اهرستان که در قدیم نهرستان میگفته اند. ایرنان و اردنان در قهستان، تژنگ، اسفنجرد، توران پشت، تفت، فراشاه، بفرویه که معین آباد جنب خرابهای آن آباد شده، نارستان که ازارک میگویند، ابرقو، شهر بابک، اشکذر زارچ، فیروز آباد مجومرد، فیروزآباد میبد هر دو آباد کرده شاه فیروز ساسانی است. میبد و عقدا و بیده هر سه در کنار دریای ساوه بنا گردیده بوده، دریائی که از ساوه تا همدان و یزد کشیده بود و کم‌کم خشک کردیده تانزدیکی قم رسیده است. بارجین در یزد بندر این دریا بود. فهرج، فرافر که هرفته میگویند، خویدک، سخوید، رباط شتران، کشنویه.

یزد گرد اصغر شاهزاده ساسانی بناهای عالی در یزد بساخت و چندین قنات و دیه بامر او احداث گشت. یکی یزد آباد است، دوم

دهاباد و سوم پادین آباد. دهاباد معمور است لی از یزد آباد و پادین آباد اثری نیست. برخرابهای یزد آباد قدیم یزد آباد دیگری بنا شده بوده که اینک آن نیز ویرانه است. مهر نگار دخترانوشیروان نیز میگویند دیهی در یزد بنام مهر پادین بنا کرده بوده که آثار آن دیده نمیشود. در زمان ایرانداخت شاهدخت ساسانی، سرهنک او بنام ابرند روستائی با باره استوار بنام پادشاه بساخت که به ابرندآباد نامور و تا ۷۰۰ سال آباد بوده.

در همه دیه های نامبرده یک یا چند در مهر موجود بوده. بعضی از آنها جنبه شهری داشته، مانند میبد، کثنویه، مهریز، خویدک، فرافر، شهر بابک، عقدا، و ابرقو. طبق قانون دین آتش ورهرام نیز داشته، که اینک خراب یا خرابهای آن با زمین هموار گردیده. مثلاً بیرون شهر میبد خرابه سه آتشکده دیده میشود.

اشکذر در یزد

بقول «آیتی نامش در قدیم اشک آذر بوده بسبب آتشکده مهمی که از طرف اشکانیان در آنجا برپا بوده. اکنون اثری از آن نیست و خرابهای آنرا در زیر ریک روان آن حدود باید پیدا کرد. اهالی بویژه پیران آنجا میگویند که گاهی از زیر ریک، دیوار منقوش بلکه طاق نگارین در ضمن کند و کوب یا حفر چاه قنات بیرون آمده که موافق بوده با استیل اشکانیان»

هفتادر

هفتادر بقول آیتی در اصل هفت آذر بوده. آدر و آذر هردو بمعنی آتش است. و آن قریه ایست اینک در بلوک عقدا یزد و از دهات بسیار قدیم و کهنه برکوهی واقع و دهی است سبز و خرم. میکویند هفت آذر آتشکدهٔ بزرکی است که قباد پدرانوشیروان در آنجا ساخته است و

هفت آتش پاک از هفت آتشکدهٔ بلخ و فارس و اصفهان و آذربایجان و نیشاپور و غزنین و تیسفون را بیاورد و در آنجا تخت نشین نمود. لذا آنرا جایگاه فرخ و مقدس شمرده اند. زرتشتیان باستان از راهای دور و دراز بزیارت آن آتشکده میرفتند. آیتی در تاریخ یزد مینویسد هفتادر تا این زمان هم نزد زرتشتیان مقدس است. صاحب جامع مفیدی مینویسد که آتشکده در ناحیله سفلی میبد در صحرائی وسیع قرار داشته و هفتادر بنزدیکی آن واقع بوده و اینکه میبد را نام موبد گرده بوده زیرا آن را شاه موبد برادرانوشیروان بنانموده و کم‌کم میبد گردیده است.

عقدا

نام آن ده گبران بوده و روستای قدیمی روزگار باستان است. خرابه آتشکده چندی دراطراف آن موجوده است و چون بین زرتشتیان و جدیدالاسلامها همیشه دعوا و جدال بوده، خواجه نصیرالدین طوسی وزیر سلجوقیان بزورسرنیزه، بگفته پیران قدیم، بقیه زرتشتیان را مسلمان میسازد و در یک روز بین دختران زرتشتی و پسران مسلمان و بالعکس عقدازدواج همگانی بعمل میآید لذا از آن روز عقدا نامیده میشود و نام ده گبران متروک میگردد.

دوزگ

بقول آیتی در قدیم یزک نام داشته و آن قریه ایست در بلوک رستاق یزد نزدیک صدرآباد، از دهات روزکاران باستانی ایران است و دارای آتشکده بزرگ و کتابخانه و گنجور بوده. اینک برروی خرابهای قدیم ده جدید احداث کرده اند.

سروشین

مزرعه ایست در پیشکوه یزد نزدیک علی آباد. آثار و عمارات سنگی بر روی کوه دارد مشهور بدژ گبری که آتشکده بوده بنام در مهریزدان سروش و بنابراین نام قریه سروشین مخفف نام درمهر میباشد.

آتشکده موبدان فیروز

بقول آیتی این آتشکده باحتمال قوی در فراه شاه نزدیک تفت بوده است زیرا یک غار بزرگی در آنجا طرف جنوب از دامنه شیر کوه موجوده است که بسیار بزرگ و جلوی آن باخشتهای بزرگ قدیم که شبیه خشتهای قلعه باشد ساخته شده و حاکسیت که از روزکاران باستان بناشده است

آتشکده بلا سگرد

بیرون شهریزد کوی زرتشتیان بطرف مریم آباد در روزکاران قدیم بویژه ساسانیان بسیار آباد بوده و باغستان خرم بسیار بزرگی بنام بلا شکرد در آن حدود واقع و آتشکده مهمی پهلوی باغ برپا بوده اینک اثری از آنها نیست و خرابهای آن گویا بزیر ریک رفته باشد مکر در همان محل نزدیک برآمدگیها که زمین کشاورزی است پیر بلاسکر موجود است که بایستی محوطه آتش مقدس باشد که بآن نام تاکنون بیادگار باقیست و زرتشتیان مرتباً بزیارت آنجا میروند و شمع و چراغ میافروزند.

پیران و زیارتگاهای زرتشتیان در ایران

در کوهسارهای اطراف و حوالی یزد چندین زیارتکاها موجود است که وابسته بپارسیان یا زرتشتیان میباشد. حتی در دیه های زرتشتی نشین

هم زیارتگاهای کوچکی است بنام پیر که در روزهای مبارک، در آنجا شمع و چراغ میافروزند و سورگ و سیر و سداب درست میکنند و نذر و نیاز میپردازند. از آنهاست :ـ

قلعه هستبندان

بیرون شهر یزد، نزدیکی مریم‌آباد قلعه کهنه ایست که صاحب تاریخ یزد آنرا قلعه اسدان مینامد. ولی زرتشتیان آنرا هستبندان میگویند، و پرستشگاهی است بنام «ستی پیر» که بزیارت میروند بخصوص روزهای اشتاد ایزد در هر ماه و روز ویژه یا سالگره آن در اشتاد ایزد و بهمن ماه میباشد.

موقع هجوم اعراب به یزد و کشتار زرتشتیان، فهرج و خویدک قتلگاه شد و مهریز و مهرپادین خراب گردید. قتلگاه بنام شهداء معروف است.

مسلمانان بزیارت آنجا میروند. بتصور اینکه قتلگاه اعراب است. غافل از اینکه خود قهراً اسلام آورده اند و شهیدان زرتشتی و از خویشان خودشان بوده که بروانشادی آنها شمع و چراغ میافروزند. بقول صاحب تاریخ یزد اخیراً علمای یزد زیارت آنجا را ناروا دانسته اند. کلیهٔ آن آن محل کشتارگاه زرتشتیان و آتشکدهٔ آنهاست.

در اوایل حمله اعراب به یزد بسیاری از دلیتان زرتشتی بویژه زنان آنها راه کوه و صحرا پیمودند تاپا کدامنی خود را حفظ نمایند و در بعض از نقاط کوهها ناپدید گردیده اند. امروز چند زیارتکاه در اطراف یزد وابسته بآن نیکوکاران است. قلعه هستبندان هم چنانکه گفتیم زیارتکاه میباشد. بنابخبر موثق در دست میگویند چهار نفراز دختران نیک منش با بینش ررتشتی در اطاقی که آنجاست نا پدید شده اند. هر چند

دشمنـان بجستجو پرداختند اثری از آنها نیافتند. اینک پس از چندین قرن در محلی که ناپیدا شده اند براهنمائی یکی از داپتان شمع و چراغ میـافروزند و براز و نیـاز میپردازند و بمراد و مطالب خویش میرسند. شرح واقعه از این قرار است:

شاهویر شاه خراسان

بقول صاحب دبستان چنانکه گفتیم، گنبد امام رضا در محل آتشکده آذر خرداد در توس بنا شده است. در سنت زرتشتیان ایران است که شاهزادگان ساسانی، در حوالی شهر توس از نظرها غایب شده اند. از آنها هستند شاهزادگان شاهویر (اردشیر و از شاهدختها حیات بانو، ناز بانو و بانوی پارس. زرتشتیان شاهزاده فاضل را در یزد که اما مزاده مسلمانان است میگویند شاهزاده اردشیر است و پیر برج را شاهزاده فریبرز میدانند.

میگویند شاهویر در آتشکده آذر خرداد توس غایب گردیده و بنام شاهویر شاه خراسان مشهور است و گاه و بیگاه بیاری دلسوختگان خودرا ظاهر میسازد داستان بسیاری در این مورد در افواه است از جمله اینکه؛ یکی از پارسایان زرتشتی یزد در سده های پیشین برای یارت مکان شاهویر شاه خراسان پیاده بعزم توس حرکت، و پس از تحمل رنج و سختی فراوان بمقصد وارد میگردد. اطاقی پهلوی مزار مقدس حضرت امام رضا بشاه خراسان منسوب بوده. پارسی زرتشتی در دل میگوید، چون حضرت امام رضا دراین محل مقدس آسوده اند، البته از بزرگان جهـان میباشد. وادای درود و تحیات باو از فرائض است لذا بادلی پاک بآن مکان مقدس داخل شده بآئین خویش پس ازادای کرنش و درود ببندگی اهورا مزدا میپردازد. مسلمانان چون وی را بیگانه می بینند، از راه و روش او میپرسند، خود را زرتشتی معرفی میکند. او را گرفتار میکنند، که غیر مسلمان حق

دخول در این محل ندارد. مفتی شهر حکم بقتل او میدهد که بامداد دیگر در میدان شهر بموقع اجرا گزارده شود.

چون شب باشد اورا زندانی میکنند در حبس با آه و ناله برای رهائی بدرگاه خداوند توانا استغاثه مینماید. که برای چه امر مقدسی و ادای تحیات بزرگان دین زحمات و سختیهای راه را متحمل شده و در عوض بامداد دیگر، در شهر غربت دور از خویشان و بستگان باید جان بجان آفرین تسلیم نماید.

در آنحال مردی فرهمند دربرابر خویش می بیند که اورا بلند میکند و باخود از زندان بیرون میبرد و هردو براسبی که در بیرون حاضر باشد سوار میشوند. بزرگ باو میگوید که چشمت را ببند و قدرت یزدانی راببین. چشم می بندد. پس از لحظهٔ بازکردن خود را در قلعه هستبندان می بینند. همان مرد فرهمند باو دستور میدهد که این مکان مقدس است آنرا بسازد و شمع و چراغ بیفروزد و بمردم خبر دهد بزیارت آن بشتابند و نذر و نیاز بجا آرند و بمراد دل رسند و خودش همان‌دم بشهر رفته محضری درست کند مبنی براینکه در صبح همان روز در شهر یزد حاضر بوده است و بصحه مفتیان و عالمان و بزرگان شهر برساند. تا در آینده کسی برا و دست درازی نکند. سپس مرد فرهمند مکان مقدس را بنام «ستی پیر» نامگزاری نموده از نظر غایب میشود. آن پارسا مرد که نامش برما مجهول مانده بکمک شاهویر، شاه خرسان بانی ستی پیر میباشد.

پیر نارستانه

واقع در پشت کوه دربید حدود ٤١ کیلو متر سمت مشرق یزد. میگویند هنگام حمله اعراب بایران و آوارگی خاندان شاهی باطراف، شاهزاده اردشیر بواسطه تعاقبات دشمن بسمت یزد و کوه در بید فراری

میشود. چون دشمن را نزدیک می بیند. بخداوند یکتا پناه میبرد و در دل استغاثه مینماید. که اورا از شر دشمنان نجات دهد. استغاثه‌اش پذیرفته میشود و همانم در برابر دیدگان دشمنان در آن کوه ناپدید میگردد. بعدها یکنفر زرتشتی شکارچی در دنبال آهو بآن مقام میرسد. مردی خوبچهر و فرهمند را بجای آهو در برابر خویش می بیند که با و میگوید که این مکان خوبان و نشیمن من میباشد. در اینجا زیارتگاهی بنام پیر نارستانه بساز و بدان که بآرزو و آرمان خود میرسی و هرکس در آینده در اینجا چراغ بیفروزد و نذرو نیاز بجا بیاورد بمراد دل خواهد رسید. اینک نارستانه زیارتگاه بزرگی است و در آنجا خیله های بسیار برای اقامت زوار بوسیله دهشمندان ساخته شده است. هر ساله از روز دیبآذر ایزد و اسفند ماه بی کیسه برای مدت پنج روز آداب مخصوص زیارت در آنجا برقرار میشود و زرتشتیان و مشتاقان بدانجا میشتابند و به بندگی و عیش و نوش و نذر و نیاز میپردازند.

از کرامات این پیر داستانهای زیادی ورد زبان مردم است. از جمله اینکه چنار بزرگی در نزدیکی اطاق پیر بوده است. مشیرالملک یزد در حدود ۱۲۸۵ ی امر به بریدن آن چنار میدهد. خادم پیر الحاح میکند که این درخت پیر است از بریدن آن صرف نظر کند، گوش کارکنان مشیر بالتماسهای او بدهکار نمیشود. القصه بابریدن درخت، دیدگان مشیر در شهر تیره میگردد و هیچ دارو و دوائی بحال او سودمند نمیافتد. تا آنکه یکی از کارکنان زرتشتی در دستگاه او بارباب خود تذکر میدهد، هنگام بریدن درخت چنار باین درد مبتلا گردیده است بهتر آنست که با نذر و نیاز و توبه و پوزش وسایل رضایت صاحب پیر را فراهم آورد تا باشد که از کرم خویش دردش را چاره نمایند. مشیر پنهانی باین اندرز تن در میدهد و با نذر و نیاز و خواندن بهرام یشت بوسیله موبد. یک چشم او

روشن میکردد و دیدهٔ دیگر برای تنبیه بحال تیرگی باقی میماند. مشیر کنده درخت را متصرف نمیشود بلکه تکه تکه کرده آنرا بین در مهرها و زیارتگاهای زرتشتیان برای سوخت و لبان تقسیم مینماید.

بنا بگفته کلانتر دیه الهآباد یزد بنام رستم سروش در حدود سال ۱۲۸۵ یزدکردی آتش مقدسی از آسمان بدرمهر مریاباد وارد میکردد که بی چوب و عود فروزان بود. بسیاری از زرتشتیان پس از غسل در منزل دستور و پوشیدن لباس و داشتن اجازه کتبی او در دست، آتشبند اجازه دیدار آتش مقدس را میداد. روزی که رستم نامبرده در منزل موبد برای غسل و گرفتن پروانه میرود مشیرالملک مرحوم نیز در آنجا حاضر بوده پس از غسل و پوشیدن لباس سفید بهمراهی او بدیدار آتش مقدس نایل میکردد. گفته مذکور ثبوتیست از ایمان مشیر نسبت بمقدسات زرتشتیان پس از واقعه نامبرده. آتش مقدس بعد از دو سه ماه باز بسوی آسمان بالا رفته غایب میکردد.

پیر نارکی

صاحب پیر را نام ناز بانو است. میگویند عروس فرمانروای پارس بوده است. پس از تسلط اعراب بر آنسر زمین و پیمودن راه کوه و صحرا بدیه خراشه نزدیک تفت، یزد میرسد. چون دشمن را در دنبال خود می بیند بطرف دره زنجیر پیش رفته و برکوههای بلند آنجا بالا میرود. ملجاء و پناهی بنظرش نمیرسد و با استغاثه و ناله ها راه نجاتی فراپیش نمیآید. از سمت دره گیگون پس از نفرین بکوههای بی بار و بی پناه پائین میرود و بکوه مقابل معروف بکوه نارکی میرسد. با نزدیک شدن دشمنان بواسطه پاکی و دل سوزان از توانائی ایزد بیچون و چند، در دل آن کوه از دیدگان ناپدید میگردد.

بعدها در آن کوه خشک بی آب و علف و بی بار و درخت، چشمه آب زلالی جاری میشود و اطراف آن را سبز و خرم میگرداند. بیبا بانگردی بآنجا میرسد و در کنار چشمهٔ آب، خوابش میبرد. رؤیائی دال برساختن زیارتگاه در آن محل می بیند و بمورد عمل میگذارد. امروز پیر نارکی زیارتگاه معروف است. هر ساله از روز سروش ایزد و فروردینماه بی کیسه تا مدت پنجروز تشریفات بخصوص زیارت در آنجا برپاست زرتشتیان از راههای دور و دراز بزیارت میشتابند و ببندگی و عیش و نوش میپردازند.

پیر سبز

صاحب پیر را نام حیات بانو و از شاهدختهای ساسانی است که پس از سقوط مداین برای حفظ ناموس و پاکدامنی خویش باطراف و اکناف ایران آواره گردیده اند. حیات بانو چون بدامنه کوهی پشت هومین وسنجد میرسد، سپاهی دشمن را از دور می بیند، نالان و گریان بسمت کوه بلند خشک بالا میرود. همینکه بدسترس دشمن قرار میگیرد، آهی از دل کشیده وبا نگاهی بکوه بلند میگوید، «مرا چون مادری مهربان در آغوش خودگیر و از دست دشمنانم برهان» هماندم شکافی در کوه پدیدار و حیات بانو در آن ناپدید میگردد سپاهیان دشمن از مشاهده واقعه حیران گشته راه خود میگیرند. پس از مدتی بالای این کوه بلند خشک بایر، قطرات آب مانند چشم یتیمان و دیدهٔ گریان ستمدیدگان، چون صاحب آن بزمین میچکد، بقدری که مسافری را سیراب و شاداب نماید و اگر جمیعت زیادتر یا گله گوسفندان فراوانی بدانجا رسند جریان قطراب آب زیادتر میشود بطوریکه همه را کفایت کند. این کوه خشک از برکت پیر امروز سبز و خرم میباشد. میگویند چوپانی بنزدیکی چاه متک گله خود را گم

میکند. پس از جستجوی زیاد باخستکی و ناکامی، تشنه و گرسنه بآن کوه که قطراب آب از آن بزمین میچکید رسیده، رفع تشنکی و خستگی مینماید. در ضمن خواب بر او غلبه میکند، در رؤیا گله گم شدهٔ خود را در پناه بانوئی فرهمندمی بیند که باو میگوید در این محل اطاقی بنام من بساز و شمع و چراغ بیفروز و بدیگران نیز خبر بده که چنان کنند. چون بیدار میشود گله را در برابر خود در چرامی بیند. از شادی در پوست نمیگنجد در اندک وقتی باکمک زرتشتیان آن حدود زیارتگاه پیر سبز درست میشود. امروز در کمر کوه، خیله های بسیاری برای اقامت زوار برپاشده است. از روز اشتاد ایزد و بهمن ماه قدیم تا مدت ۵ روز، مراسم بخصوص زیارت در آن کو دایر است و گروه زرتشتیان بدانجا میشتابند و نذر و نیاز و شادمانی مینمایند.

کرامات پیر سبز ورد زبان مردم است و ما از ذکر آن خودداری میکنیم ولی آنچه را در هند صاحب جامع مفیدی در جلد سوم کتاب خویش ص ۸۲۸ آورده است در اینجا نقل میکنیم تا مشتاقان بدانند شهرت این پیر سیصد سال پیش هم بهند رسیده و یکنفر نویسندهٔ مسلمان در کتاب خویش از آن چنین ذکر میکند.

«در اواخر شهر ربیع الآخر سنه خمس و ثمانین و الف (۱۰۸۵ه) در حیدرآباد بهشت بنیاد مسود اوراق را با ملا محمد اردکانی المتخلص بفدائی اتفاق صحبت افتاد در اثنای حکایت تقریر نمود که در اراضی یزد نزدیک بقریه خرانق کوهیست که عتاب سپهر بقوت طیران بحوالی قله آن نتواند پرید و نسر طایر باوجود بلند پراوازی به پیرامن آن نتواند رسید

آن نکوهی بود کو را بر زمین بودی نشان
آسمانی بود گوئی بر فراز آسمان

و در کمر آن کوه پر شکوه صفه ای در نهایت وسعت و ارتفاع بقدرت کامله یزدانی ساخته شده و در سقف آن مانند چشم سخت دلان قطره آب بصد مضایقه ظاهر گشته بپایان کوه میچکد واکر یکنفر بدانجا رسد بقدر کفاف او حاصل میشود واکر صد کس وارد گردد بدستور و همچنین گاه باشد که پانصد نفر با مواشی و مراعی بدان مکان عبور نمایند، بقدرت پادشاه بی انباز چندان آب میآید که همگی سیراب میگردند و بعد از رفتن ایشان بدستور مقرر و زمان ماضی گاهی قطره ای در کام تشنه لبان وادی نامرادی میچکد. و مجاوران خطه دلگشای یزد آن کوه را چکچکو مینامند و مجوس آن موضع را تعظیم بسیار نموده در سالی یکنوبت بموعدی مقرر بازنان و دختران نیکوروی شیرین گوی بدانجا رفته قربانی کنند و جشنها و عیشها کرده، بعد از فراغ بمنازل خود مراجعت مینمایند.»

پیر بانوی پارس

صاحب پیر راشه‌بانوی پارس میدانند که هنگام قتل و غارت اعراب در آن شهر، بسوی یزد فراری میگردد و دشمن هم برای دستگیریش او را دنبال میکنند. شه بانو تشنه و کوفته بکوههای اطراف عقدا نزدیک میگردد. از کشاورزی در آن حدود با آب میطلبد کشا ور ز آب باخود نداشته باشدولی برای او از گاو در چراگاه شیر میدوشد همنیکه ظرف شیر پرمیشود گا و لگد میزند و شیرمیریزد. در آن وقت دشمن هم از دور میرسند. بانوی پاکدامن بانفرینی و لبان خشک و تشنه بسمت کوه فراری میشود. در آنجا پناهگاهی نمی بیند بکوه دیگر نزدیک ارجون روی میآورد سپاهیان دشمن نزدیک میگردند و در دسترس آنها قرار میگرد. بدادار توانا مینالد که او را در دل کوه فرو برده از دشمنان برهاند. استغاثه اش قبول و شکافی در کوه پیدا و بانوی پاکدامن و صاحبدل خود را در آن

پرت میکند و فی الفور شکاف کوه بهم وصل میگردد. در حالیکه میگویند گوشه مقنعه را که دشمن دست زده گرفته بود بیرون شکاف میماند.

در سنت است سالیان دراز بعد نابینائی را گذر بدان سمت میافتد و در محلی که گوشهٔ مقنع بیرون باشد، برای استرحت می نشیند، بخواب میرود و در خواب بانوی نورمندی باو میگوید بلند شود که از اثر کرامت محل خوبان، دیدگان نابینایش بینا گردیده است و چون بکام دل رسیده زیارتگاهی بنام پیربانوی پارس در همان محل بسازد و نذر و نیاز بجا آورد. آن مرد چون خود را بینا می بیند برابر دستور رفتار و مردم را از پیشآمد خود آگاه میکند آنها هم بنذر و نیاز میپردازند و بکام دل میرسند

پیربانوی پارس زیارتگاه بزرگی است. از روز شاه مهر ایزد و اسفند ماه بدون کبیسه بمدت پنجروز تشریفات بخصوص، زیارت آنجا برگزار میگردد و پارسیان از راههای دور و دراز بزیارت میشتابند و شمع و چراغ میافروزند و قربانی و نیاز بعمل میآورند و بعبادت و شادی و خرمی میپردازند.

در روزگاران پیش قربانی گاو در آنجا معمول بود که چرا گاوی درگذشته نگذاشته شیر او لب تشنه و خشک بانوی پاکدامن ستمدیده را تر نماید. این رسم ننگین در حدود صد سال پیش بوسیله روانشاد مانکجی لیمجی‌ها تریا (*) برانداخته شد آن روانشاد که برای سرپرستی و حمایت گروه زرتشتیان از هند بایران آمده بود، در زیارتگاه بانو پارس باسخنرانی و اندرزهای خویش بمردم فهمانید که کلیةً قربانی در آئین زرتشت ناروا و بخصوص کشتن گاو بسیار مذموم و ناپسندیده است. بایستی آن حیوان قوی و سودمند را برای شیار و آبادنی زمین بکار برد. زرتشتیان وقت پند اورا

(*) برای اطلاع از احوال و خدمات مانکجی بصفحه ۱۷ ۶ فرزانگان زرتشتی نگارش نگارنده رجوع فرمائید

از دل و جان پذیرفتند و از قربانی گاو دست کشیدند. زیرا آن روانشاد مردی بود که زندگانی خودرا وقف پیشرفت و بهبودی اوضاع و احوال خراب آنها نموده بود که براه نیستی و زوال رهسپار بودند.

پیر هریشت

واقع است در ۱۴ کیلومتری شریف‌آباد. میگویند نامش گوهربانو و از کنیزان دختران یزدگرد بوده. بواسطه تعاقبات عرب از بانوان خویش جدا و آواره میگردد، تابکوهای یزد میرسد. از تشنگی توش و توان خود را از دست میدهد. گوهربانو درمیان آن کوههای خشک بایر سیاهی دشمن را از دور می بیند. به پروردگار خویش مینالد که ورا در پناه خود گرفته از شر دشمنان برهاند. اعراب نزدیک میگردند و گوهر بانو در مکان خود، جلو دیدگان آنها نا پدید میگردد.

سالیان بعد یکی از کودکان زرتشتی آن حوالی، در چله زمستان گم میگردد. پدر بیچاره سه روز و شب در وسط برف و بوران در بیابانها دنبال پسر گمشده خود میگردد. چون بآن کوه سفید شدهٔ از برف میرسد، پسر خود را شاد و خرّم ایستاده می بیند بدون اینکه آثار برف و تری بر لباسهایش پیدا باشد، میپرسد فرزندجان کجا بودی و در این بیابان پر از برف و سرد چه میکردی؟ پاسخ میشنود در خدمت بانوی گرامی خوش بوده برف و سرمائی جائی نبوده و باز اینک از او جدا گردیده و سفارش کرده زیارتگاهی بنام پیر هریشت در اینجا که نشیمن اوست بسازند و همگروه را خبر دهند که شمع و چراغ در اینجا روشن کنند.

پیر هریشت در محل دور افتاده ایست و چون صاحب آن که از تشنگی بی توش و توان بود، بی آب میباشد و آب انبار محقری در قدیم

که آب باران در آن جمع میشد موجود بوده و زوار بهمین جهت بیش از یکروز و دو روز در آنجا نمی ماندند. ولی اخیراً در ۱۳۲۹ ی آب انبار بزرگی با دو شیر از دهش آقای وفادار خدائی زین آبادی ساخته شده و محل اقامت برای زوار بنا گردیده است. یکماه آبانماه بی کبیسه فصل زیارت آنست بخصوص روز اشتاد آن ماه که تشریفات بخصوص زیارت در آنجا برگزار میشود. بسیاری از کرامات پیر هریشت ورد زبان مردم است و در ذکر آن خرد داری میشود.

پیران اطراف یزد

شریف آباد واقع بنزدیکی اردکان یزد، یکی از دیه‌های زرتشتی نشین یزد است و غیر زرتشتی کسی دراین دیه سکونت نداشت در چندین سده های گذشته موبدان دانشمند در این دیه میزیستند و چندین نامه های زرتشتیان یزد که بزرتشتیان هند نوشته شده با امضای موبدان اینجاست. زرتشتیان این دیه سخت دیندار و بسنن دینی و باستانی پای بند میباشند. جشن آتش افروزی هیرؤمبا که در روز اشتاد ایزد و آذرماه بدون کبیسه برگزار میشود، در این قریه و مزرعه کلانتر و اله‌آباد هنوز پا برجاست. جشن نامبرده در دهکده خرمشاه نیز برگزار میگردد.

در شریف آباد چندین پیران و جایگاهای متبرک موجود است که ویژه زرتشتیان میباشد مردم در آنجا چراغ میا فروزند و نیاز بجا میآورند. از آنهاست پیرشاه اشتاد ایزد و پیر شاه تشتر ایزد ساختمان جدید هر دو پیر از دهش جمشید خدا رحم و بانو و شهریار دینیار بایوانی است. دیگر پیر شاه مهر ایزد و پیر شاه آدر خروه و پیر مراد و پیر شاه فریدون میباشد. پیر شاه فریدون در محل چهار درخت میباشد و بنیاد و نام آن

از بانوئی است صاحبدل و پارسا و بیکس و دلسوخته. در خواب می بیند سواری بافر و شکوه و نورمند بر اسبی قوی هیکل و راهوار سوار و بر اطراف چهار درخت میتازد. بانو در خواب از او میپرسد کیست و چرا در اینجا اسب میتازد. پاسخ میشنود که نامش شاه فریدون و در آنجا در جستجوی منزلی است. چون از خواب بیدار میشود اطاقی در آن محل میسازد بنام شاه فریدون و شمع و چراغ میافروزد.

در جعفرآباد پیر سر چشمه میباشد که مردم از آنجا مراد میطلبند و نذ بجا میآورند. در خرمشاه، پیر شاه چراغ، پیر منزل مراد، پیر سنجذگ، پیر و همن امشاسفند و پیر شاه ور هرام ایزد است. در محل پیر اخیر آش خیراتی میپزند و هر ماهه از اطراف مردمان بزیارت میآیند و قیامگاهی از صاحب خیران برای زوار ساخته شده است.

در مزرعه کلانتر: پیر رفیع‌آباد، پیر مزرعه حاجی، پیر سرچشمه، پیر خرمن، پیر خواجه خضر و پیر پائین صحرا. این پیرها ویژه زرتشتیان و بر پیر اخیر مهرکان فریدون ساختمان خوبی نموده است.

در تفت، پیر ستی‌پیر واقع در سرچشمه نعمت آباد، پیر ارغوان در محله سرده و پیر کمرو در محله شوده میباشد و مردم بسیار بآنها معتقدند.

در مبارکه، پیر بابا شرف‌الدین است که ویژه زرتشتیان بوده و میگونید وابسته به هستبندان میبا شدولی مسلمانان بآن نام شرف‌الدین داده آنها نیز در آنجا نذر و نیاز بجا میآورند دیکر پیر سلامت است در پای دو درخت سرو بزرگ و آش خیراتی در آنجا پخته میشود و شمع و چراغ میافروزند.

درچم، پیر سروچم است که بسیار معروف و از اطراف و اکناف و راههای دور و دراز مردم بزیارت آن میروند و دیکر پیر رهگذر است که جای بسیار متبرکی است.

در قاسم آباد ، پیر چهل چراغ و پیر شاه مهر ایزد میباشد.

در مریاباد ، پیر کوشک ، پیر باسکر و پیر مرد که میگویند مراد دهنده میباشند.

در پشتخا نعلی پیر الیاس و پیر و همن اشاسپند و پیر ماستر میباشد پیر اخیر شهادتگاه صاحبدل پارسا ماستر خدا بخش شهید است که مردم در آنجا چراغ میافروزند و بمراد دل میرسند. آن نقطه که پهلوی دیوار خیابان بود اینک مالک زمین پیرانگاه بسیار رسیع در آنجا بنا نهاده است و مردم کثیر بزیارت آن جا میروند و سورگ میریزند.

در مزرعه صدری ، و هم در مرزآباد پیر خواجه خضر است

در شهر یزد : پیر برج است که میگویند محل غایب شدن شاهزاده فریبرز است و پیر شاهزاده فاضل شاهزاده اردشیر میباشد که مسلمانها آنها را امامزاده های خود میدانند. اینک بزرتشتیان نیز اجازه زیارت آنجا را میدهند و پیر خضر نزد مسلمان و زرتشتی هر دو محترم است.

در اله آباد : زیارتگاهی است بنام خواجه خضر ویژه زرتشتیان که ساخته خسرو مهربان جمشید اله آبادی است و عبادتگاهی دیکر که مردم در آنجا نذر و نیاز و سورگ میریریزند ، و ساخته شهریار رشید اله آبادی است.

پیران اطراف کرمان

ارباب جمشید سروش سروشیان در کتاب خویش فرهنک بهدینان فصلی را بزیارتگاها واماکن متبرکه زرتشتیان یزدو کرمان اختصاص داده است ما آنچه که دانشمند نامبرده از صفحات ۲۰۷ تا ۲۱۲ در مورد پیران و زیارتگاهای زرتشتیان درکرمان نوشته با اظهار سپاسکزاری از گرد آورنده محترم عیناً در اینجا نقل مینمائیم.

آب مراد: زیارتگاهی است در چهار فرسنگی مغرب کرمان که در آنجا چشمه های متعدد آب معدنی باحوضهای متعدد وجود دارد. زرتشتیان باین محل معتقدند و در این آبها آب تنی میکنند. ساختمانهای زیادی هم دراین محل بوسیله افراد زرتشتی بناشده. این محل بنام انجمن زرتشتیان کرمان بثبت رسیده است. معروف است که در این محل مزار بی بی مراد یکی از درباریان شاه یزد گرد بوده است و بعضی معتقدند که خواهر شاه هرات در اینجا بخاک سپرده شده است.

بابؤ کمال: زیارتگاهی است در ۹ کیلومتری در دامنۀ کوهستان شمال شرقی کرمان، دارای درخت چناری بسیار کهن و درختان دیگر و دو سرو کوهی (آورس) یک آسیاب و چند در ساختمان که بدست زرتشتیان بنا شده است. زرتشتیان و مسلمین بزیارت این محل میروند و در هرسال هم در روز اورمزدو دیماه زرتشتیـان خیراتی بنـام خیرات شاه عباسی دراین محل میدهند. چنین معروف است که هنگام پادشاهی شاه عباس صفوی حـاکم شهر کرمان عده ای از زرتشتیان را در یکی از ساختمانهای اطراف شهر به بیگاری گماشته بود. سرکار این زرتشتیان سیدی متعصب بود و زیر دستان خود را بسیار آزار و شکنجه میکرد تا روزی با یکی از زرتشتیان زورمند کارشان بکشمکش کشید. زرتشتی ضربه ای بر او وارد آورد و آن سید بمرد. قصه بمفتی شهر بردند و فتوی خواستند. مفتی گفت دست را تا آرنج در شیره کنند و داخل ارزن فرو برند. بتعداد ارزنی که بردست چسبید از افراد زرتشتی بکشند. باو گفتند: شمارۀ زردشتیان کرمان باین اندازه نرسد. او هم دستور داد تا هر اندازه زردشتی در کرمان و اطراف است روز معینی در محل فعلی بابؤ کمال جمع کنند تا بقتل رسانند. یکی دو روز بموعد مقرره مانده، شاه عباس در اصفهان بخواب می بیند که نیمی از

کرمان در آتش است. عنان اختیار از کفش میرود بطرف کرمان براه می افتد. بالاخره بموقع بکرمان میرسد و از این خونریزی و بیدادگری جلوگیری میکند و حاکم و مفتی را از کار برکنار میکند. تا امروز زرتشتیان نام شاه عباس را به نیکی یاد میکنند و خیرات سالیانهٔ باؤ کمال از این جهت بنام اوست.

پیر سبز: زیارتگاهی است در شمال شهر کرمان وصل بگبر محله، معروف است که در حملهٔ افاغنه باین قسمت از ایران و قتل و غارت گبر محله همان شبی که در محل شاه ورهرام ایزد بیرق سبزی از میان لشکریان افغانی بیرون آمد در این محل نیز بیرق سبزی آشکار شد و باعث فرار و شکست افاغنه گردید از این جهت آن محل معروفست به پیر سبز پوشان.

چشمهٔ شیر دوش: زیارتگاهی است در کوهستان مشرق کرمان که تا محله زریسف در حدود چهار کیلو متر فاصله دارد. زرتشتیان و مسلمین این محل را باچشم احترام مینگرند.

شاه آدر ایزد: از اماکن متبرکه است که در خرابه های گبر محله خارج شهر کرمان دیده میشود و بیشتر زرتشتیان بزیارت آن میروند.

شاه اشتاد ایزد: زیارتگاهی است مخصوص زرتشتیان در خرابه های گبر محله خارج شهر کرمان.

شاه مهر ایزد: زیارتگاهی است در شمال شهر کرمان نیم کیلو متری شمال گبر محله. این محل را باغچهٔ بوداق آباد هم میخوانند. جشن فرخنده سده و آتش افروزی این جشن در این محل برپا میشود. این محل دارای باغی است که باگاوکرد مشروب میشود. دو دستگاه ساختمان باحوض نسبةً بزرگی در آن موجود است که زیارتگاه اغلب زرتشتیان و عده ای از مسلمین میباشد.

در اینجا زرتشتیان اغلب خیرات و مبرات میکنند . تصدی این محل با انجمن زرتشتیان کرمان است .

شاه ورهرام ایزد : زیارتگاهی است بیرون دروازه ناصریه و متصل بخیابان ناصریه ، این محل در قدیم معروف به پیر سنگی بوده است و در کوچکی از سنگ هم داشته است . گذشته از زرتشتیان مسلمین نیز باین محل معتقدند و با خلوص نیت حاجات خود را از این محل میخواهند و حاجات ایشان نیز برآورده میشود . چنین مشهور است که هنگام هجوم افاغنه ، دامنه قتل و غارت ایشان در گبر محله تا اینجا رسیده بود و شب را در کنار خندقی که نزدیک شاه ورهرام ایزد بود استراحت کردند تا فردای آن روز این حدود را غارت کنند . شبانه بیرق سبزی در این محل ظاهر گشت و در قلب سپاه آنان افراشته و برپا شد . افغانان بگمان اینکه دشمن بایشان حمله ور شد در تاریکی شب بکشتن یکدیگر پرداختند و پای بفرار گذاشتند . علت دیگری که باعث شده این محل را اعزاز و احترام کنند اینست که محمد اسمعیل خان حاکم کرمان ، جد سردار نصرت اسفندیاری مصمم بود که سیر دروازه ناصریه را از وسط شاه ورهرام ایزد بگذراند ، هر چه زرتشتیان عجز و التماس کردند تا اورا از این تصمیم منصرف سازند مؤثر واقع نشد . شبانه پیر مردی سفید پوش و نورانی از چاهی که در محل است ظاهر شد و با تشدد با و خطاب کرد و گفت « تو میخواهی خانهٔ مرا خراب کنی ، خانه ات را خراب و افراد آن را پریشان خواهم کرد . » فردای آنروز محمد اسمعیل خان از تصمیم خود دست برداشت و دستور داد روی آن چاه صفه ای بسازند . یکی از زرتشتیان این عمل را بامراو انجام داد و این صفه تا امروز هست . امور این محل را انجمن زرتشتیان کرمان اداره میکند و مسلمین این محل را « پیر مرتضیٰ علی گبران » میخوانند .

شاه وهمن اشاسپند : از اماکن متبرکۀ خرابه های گبر محله است که در شهر کرمان قرار داد.

شاه هرات : زیارتگاهی است در ۷ فرسنگی شمال شرقی شهر کرمان در منطقه کوهستانی بسیار آباد و زیبا . بطوریکه نقل شده است . شاه هرات یکی از حکام شاه یزد گرد آخرین پادشاه ساسانی بود که هنگام تاخت و تاز تازیان فرار کرد و چون اورا تعقیب میکرده اند دراین محل از نظرها غایب شده است و محل زیارت اوکه بپای شاه معروفست نزدیک چشمه است .

سگوُچ یا شیخ علی بابا : دیهی است در ۹ کیلومتری جنوب شرقی ماهان و تفرجگاه زرتشتیان و مسلمین است. زرتشتیان ساختمانهائی برای عموم در اینجا ساخته اند .

شیخ و شاه : زیارتگاهی است در محل سرسبیل در جنوب شهر کرمان .

کوه بریده : زیارتگاهی است در مشرق شهر کرمان در محل زریسف که مسلمین و زرتشتیان هر دو بآن معتقدند .

کوه تندرستون : زیارتگاهی است در داخل شهر کرمان که زرتشتیان بآن اعتقاد بسزائی دارند .

گبر محله : خرابه های گبر محله ، امروز خارج دروازه گبری تا مسافتی قریب دو کیلو متر بطرف شمال شهر کرمان ادامه دارد ، معروفست که در زمان صفویه این محله خارج شهر بوده است و زرتشتیان در آنجا سکونت داشته اند . عده ای از سر بازان و سرداران دلیر نادر شاه نیز از ساکنان

زرتشتی این محله بوده اند. از طایفهٔ یوز باشی زرتشتی که هنوز باز ماندگان آنان نیز باین نام خوانده میشوند، سرداران دلاوری برخاسته و در لشکر نادر شاه خدمت کرده اند. معروفست که هنگام حمله نادر شاه بافغانستان سرداران و سربازان زرتشتی عده ای از بزرگان افغانی را بگروگان بگبرد محله کرمان آورده بودند. افغانان که در انتظار فرصت بوده اند، بقولی هنگام جشن پنجه وه (۵ روز بنوروز مانده) که عموم زرتشتیان برای انجام مراسم دینی و زیارت دخمه (دادگاه) در یک فرسخی شمال گبر محله جمع بودند افغانان بر سر آنان ریخته اند. و بروایتی در اواسط بهار که زرتشتیان برای کشتن خرفستران از محل خود خارج شده اند افغانان بر آنان دست یافته اند و بغارت گبر محله که فقط پسران و کودکان در آنجا بودند پرداخته و بعداً زن و مرد زرتشتی را از دم تیغ گذراندند. و عدهٔ کمی توانسته اند از چاههای قنات شهر استفاده کنند و خود را بداخل شهر برسانند و باشرایطی که اروغهٔ وقت با ایشان کرد در شهر کرمان ساکن گردند. امروز در دخمه ای که در شمال گبر محله در دو کیلو متر روی تپه ای واقع است و «ساردین» خوانده میشود بعد از مختصر خاکبرداری کفش و کمر و پارچه های پوسیده بمقدار زیادی بدست میآید مردم را عقیده بر اینست که بعد از کشتار دستجمعی زرتشتیان، ایشانرا در اینجا بخاک سپرده اند.»

پیر در تهران

در تهران پیر شاه ور هرام ایزد است که گروهی بزرگ در روز های شاه ور هرام امشاسپند در آنجا میروند و بعبادت میپر دازند. محل شاه ور هرام ایزد ساختمان بسیار بزرگیست و حیاط و باغچه وسیع دارد و از دهش هر مزد یار بهمن میباشد و در سال ۱۲۹۴ یزدگردی گشایش یافته است.

پیر در اهواز

شاه ور هرام ایزد، ساختمان آن از دهش فریدون رشیدی است بر روی زمین انجمن. گشایش فروردینماه ۱۳۳۵ ی.

شگفت یزدان

در نزدیکی عقدا و زیارتگاه بانو پارس کوهیست بنام شگفت یزدان. بالا رفتن آن بسیار سخت است. بنزدیکی قله کوه غار بسیار بزرگی است که در دل کوه کنده شده، با در و ستونهای عالی و سقف بلند، سه حوض در وسط آنست، آبهائی که از سقف غار میچکد در آن جمع میشود. یک حوض آن را شکسته اند، بگمانی که محل دفینه میباشد آثار آتشگاه در آن پیداست. میگویند آتش مقدس در آن روشن بوده است. اوایل حمله اعراب به یزد، بنا بگفته هیربد دوردی، آتش ورهرام برای اینکه از شر دشمنان در امان باشد تا سی سال در این غار محفوظ بوده. گنج غار دالان بسیار درازی است که بآخر آن نرسیده اند. میگویند دارای معدنی است.

درمهر برزو

در اراک ۱۲ کیلومتری راهجرد آتشکده است متعلق بدوره ساسانی از لحاظ ساختمانی مانند چار طاقیهای همان دوره در فارس و نقاط دیگر میباشد.

آتشکده اشکانی، درخمین، دره خورهه

از این درمهر اشکانی دوستون سنگی چیز دیگر باقی نمانده این دوستون سنگی که در مجاور یکدیگر واقع شده اند، دارای دوسرستون و

دوته ستون میباشد. بدنه آنها مرکب از ٦ قطعه سنگ ساده مدوراست که برروی هم استوار گردیده این محل بنام معبد دوره سلوکی هم شهرت دارد.

آتشکده های کاشان

در نیاسرکاشان، درمهر یا چار طاقی ساسانی که نسبةً سالم مانده باسنگ و آهک ساخته شده است و نمونه کاملی از معماری آتشکده های دوره ساسانی میباشد.

در خرم دشت کاشان، چار طاقی است از دوره ساسانی که از لحاظ شکل و مصالح ساختمانی مانند آتشکده نیاسر میباشد.

بقایای آتشکده سنگی عهد ساسانی و اشکانی در کرج، شهریار کاشان بنام تخت رستم شامل صفه بزرگی است که در دامنه تپه‌ای بارتفاع تقریبی ۴۰ متر از کف جلگه باگنبد و ایوان و اطاقی هنوز باقی میباشد. همچنین آثار سکوئی دو طبقه بر فراز تپه دیده میشود این سکو محل افروختن آتش بوده است.

در کوه سیاه طرف بیابان لوت خرابه یک آتشکده پیدا شده است.

آتشکوه در محلات

بنای چار طاقی آتشکده آتشکوه شامل ستونهای سنگی و آجری و طاق گنبدی و اطاقهای سر پوشیده و ایوان میباشد که محل بر افروختن آتش بوده است و بدوره ساسانیان تعلق دارد.

آتشکده در ایذه، چهار محال بختیاری

در دره شمی Shamay بقایای آتشکده و اشیاء زیر خاکی فراوانی از دوران اشکانی و ساسانی بدست آمده است.

آتشکوه در پاوه

درپاوه شمال غربی کرمانشاه بر کوهی بنام آتشکوه خرابه و بقایای آتشکده باستانی موجود است.

بقایای در مهر نطنز

در نطنز از توابع کاشان از آتشکده چار طاقی ساسانی و گنبد سنگی آن در حال حاضر چهار پایه و دودهانه طاق آن باقی مانده. ساختمان این آتشکده از سنگ و گچ میباشد.

مصلی یزد

مصلی یزد شباهت کاملی به بنای آتشکده فیروزآباد فارس دارد. بگفته صاحب فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران باستناد از استعمال کلمه معبد در دو بیت کتیبه آن بر روی بنای آتشکده ای، بنیان نهاده اند.

آتشکده هرسین

در نزدیکی شهر هرسین جنوب شرقی کرمانشاه باقیمانده کاخ شاپور اول ساسانی واقع شده است. در درون کاخ آثار ساختمان بنای آتشکده دیده میشود.

آتشکده تربت حیدریه

در محل رباط سفید چار طاقی واقع شده که جزء آتشکدهای دوره ساسانی بشمار میآید. ساختمان بنا ازسنگ و کچ است. ویرانه های دو قلعه تاریخی و قدیمی بنام قلعه دختر و قلعه پسر برفراز کوهستان باره هور بزدغور، بر دو سمت این آتشکده باقیمانده است. این دو قلعه بطور تحقیق مربوط و وابسته به اناهیتا و تشتر و آتشکده ای بوده که در

پائین تپه قرار گرفته و امروز متروک است . از سبک بنای باقیمانده معلوم میشود که متعلق بعهد ساسانیان است . این خرابه نزدیک رباط سفید مابین مشهد و تربت حیدریه واقع گردیده است .

چار طاقی قصر شیرین یا چار قاپو

چار طاقی قصر شیرین بنای آتشکده ایست از دوره ساسانی که باسنگ و گچ ساخته شده آتشکده بزرگ دوره ساسانی و باحتمال ورهرام بشمار میرفته است . این آتشکده دارای اطاقی است که در وسط بشکل مربع و سقف آن گنبدی میباشد . بنظر میرسد که در اطراف اطاق راهروهائی ساخته شده است . از لحاظ شکل شباهت کامل با ساختمانهای آتشکده دوره ساسانی دارد . عرض دهانه اصل بنا بیش از شانزده متر است .

میدان نفت ، بدر نشانده

آتشکده میدان نفت در خوزستان که بنام معبد بدر نشانده هم خوانده میشود متعلق بدوره اشکانی است .

مسجد سلیمان ، خوزستان

آتشکده مسجد سلیمان برفراز سنگ بزرگی احداث گردیده و متعلق بدوره اشکانی و ساسانی است .

چار طاقی خیرآباد

بنای چار طاقی خیرآباد در خوزستان با پل مجاورآن از روزگار ساسانیان است .

آتشکده رضائیه

مسجد جمعه رضائیه در آذربایجان غربی بگفته اهالی شهر آتشکده بزرگی بوده که بمسجد تبدیل گردیده است .

در بازار باش رضائیه ، آتشگاهی است بنام سه گنبد اما دارای یک گنبد میباشد. اطراف آتشگاه ویرانه است . بخش زیرین آتشگاه دارای آجرهای بزرگ و ضخیم دوره باستانی است . اما بخش بالائی آن با آجرهای تازه تعمیر گردیده و اینک نیز کار عمارت در جریان است. اطراف دیوارش واژه آتشگاه را نوشته اند .

آتشگاه کلیبر

در کلیبر ۸٤ کیلومتری اهر در آذر بایجان، پهلوی بلندی آتشگاهی است که بخش بالائی آن تعمیر گردیده است ولی بخش پائینی دارای آجرهای ضخیم باستانی است. اخیراً محرابی در آتشگاه ساخته و بنای مسجد جامعی را که بی سقف بودبآن وصل نموده اند. اینک مسجد نیز دارای سقف میباشد .

گنبد شاه بهرام در سورمق

بگفته صاحب فارسنامه ناصری ، سورمق ۲۱ کیلو متر میانه جنوب و مشرق آباده در فارس در اصل سورمه بوده ، زیرا در آن صحرا هفت گنبد از سیارات سبعه بوده که هریک رنگ ویژه ای داشته. اما گنبد شاه بهرام سیاه بوده ، بدین مناسبت تمامی دشت را سورمه میگفته اند .

بقایای آتشکده در جمچالیه

بگفته آقای شاهرخی مشاور استانداری خراسان در جمچالیه واقع بین کرکوک و سلیمانیه عراق خرابه ای موجود است که صریحاً از بقایای دو آتشکده میباشد .

آتشگاه در سمنگان

در چهار کیلومتری سمنگان جنوب بلخ آتشگاهی برصفه سنگی موجود است که بنام تخت رستم شهرت دارد.

بقایای دو آتشکده در بلخ

در کنار جاره اسفالته بلخ که بمرز شوروی میرود خرابه های دو آتشکده موجود است که عوام آنرا تخت رستم و تخت بانوی او مینامند

آتشکده هرات

در ۲٤ کیلو متری هرات بالای کوهی بگفته آقای مائل هروی بقایای آتشکده موجود است.

روستای آتشگاه

در ٤٤ کیلومتری اردبیل روستائی موجود است که در دفتر دارائی بنام آتشگاه ثبت است و بین مردم بنام آق امام هم گفته میشود برروی خرابه آتشکده امام زاده عبدالله ساخته شده که قدمت آن کمتر از پانصد سال میباشد در آنجا وصل بسر چشمه ای که آب از زمین میجوشد معبد اناهیتا بنزدیکی آتشکده موجود بوده که آنرا بمسجد تبدیل نموده اند.

ارک بم در کرمان

در ارک بم که بگفته صاحب کتاب حدود العالم مولفه سده چهارم هجری در دو هزار سال پیش بنا شده ودر طی این مدت چند بار تعمیر گردیده آتشکده ورهرام موجود است که اخیراً بمسجد تبدیل و اطاق آتش را چراغدان علی‌ع قرار داده اند. و

قریب صد قدم دورتر آتشگاهی موجود است که باحتمال قوی آتش آدران بوده و خرابه یک آتشگاه دیگرنیز در سمت دیگر موجود و شاید آتش دادگاه بوده است.

آتشکاه در بردسیر کرمان

در جلگه بردسیر در (کوه بند) گورستان شاه یا باغ بزم بقایای آتشگاه موجود است. گنبد جبلی طرف تندرستان نیز درمهر بوده است

دخمه و آرامگاه شوشتر

در خارج شهر شوشتر و مشرق آن دخمه هائی در کوه کنده شده که قدیمترین مقابر موجود در این حوالی است. این دخمه ها بصورت اطاقهای مربع شکل است که استودان درمیان آن واقع میباشد و استخوانهای آدم در آن بسیار دیده شده.

در تخته سنگی معروف بتخت قیصر نیز آرامگاهائی وجود دارد که در سنگ کنده شده و روی آنرا با آجر پوشانده اند.

برج رسکت RESKET

در شاهی، دو دانگه روستای رسکت در شمال ایران بنای برج رسکت موجود است که از بناهای آغاز قرن پنجم هجری بشمار میرود. این برج مدور آجری که دارای گنبد شلجمی شکل است شامل تزئینات مقرنس کاری و دو رشته کتیبه آجری بخط پهلوی و کوفی نیز میباشد. این برج را مدفن یکی از شهریاران آل باوند میدانند. مدخل برج در طرف مشرق آن واقع شده. این رج آرامگاه سرمشقی برای سایر برجهای آرامگاهی گیلان و مازندران در روزگاران بعدی شده است.

آتشکده شیراز

در روزگار فرمانروائی عضد الدوله بویه (۹۸۲ ـ ۹۵۰ میلادی) دوآتشکده درشیراز موجود بوده است. مسجد جامع شیراز که بسال ۸۹۴ میلادی ۶۰ سال پیش از عضدالدوله بوسیله عمرو لیث صفاری بنیاد گزاری شد، باحتمال قوی آتشکده زمان ساسانیان را بمسجد تبدیل نموده اند. (نقل از رساله انگلیسی شیراز ص ۴۰ نشریه وزارت اطلاعات ایران)

آثار و سنن پیش از اسلام در اماکن متبرك اسلامی ایران

آقای سید محمد تقی مصطفوی در ضمن سخنرانی خویش در هفته ایران باستان، تهران و منعکس در نشریه سال ششم شماره دوم انجمن فرهنگ ایران باستان چنین گفت

اساساً نفوذ و تأثیر عوامل گوناگون فرهنگ ایران پیش از اسلام در تمدن و فرهنگ اسلامی اعم از ایران یا سایر کشورهای مسلمان موضوعی آشکار است که در باره‌آن بررسیهای فراوان‌بعمل آورده اند و مقالات و رساله های مختلف تدوین و انتشار یافته است چنانکه نمونه های بارز چنین تأثیری در هنرهای معماری اسلامی خصوصاً در ابنیه مختلف دوران اسلامی ایران از جوانب گوناکون و متعدد گواه بارز چنین امری بشمار میرود لکن استفاده از آثار پیش از اسلام خصوصاً آتشدانها در اماکن متبرک اسلامی و بالاخص زیارتگاه شدن اینگونه آثار نمودار این معنی تواند بود که نفوذ مورد ذکر تا مرحله آمیختگی و پیوستگی مراسم عملی مذهبی نیز رسیده و سنتهای دیرین آئین ایرانیان بهر عنوان که زمینه آن فراهم آمده ادامه یافته است.

آرامگاه کورش بزرگ طی قرون متمادی و هم اکنون بنام قبر مادر سلیمان بعنوان زیارتگاهی بسیار معتبر طرف توجه خاص و عام بوده

درون آن بر دیوار جنوبی هیئت محرابی را تراشیده اند حاشیه هائی مشتمل بر کتیبه های حاوی چند آیه از سوره الفتح ترتیب داده اند و بدین وسیله آرامگاه شاهنشاه بزرگ هخامنشی را بزیارتگاه اسلامی تبدیل نموده اند.

در یکی از باغستانهای آبادی معروف سیدان بنام باغ بدره (بضم ب) به مساحت قریب ۲۵ کیلومتری تخت جمشید نزدیک شاهره شیراز به اصفهان آتشدان عهد هخامنشی از سنگ یک پارچه بصورت هرم مربع القاعده ناقص به بلندی ۲ متر و ۱۵ سانتیمتر وجود دارد که زیارتگاه عمومی است و بنام مزار بی بی فاطمه یا امامزاده فاطمه خوانده میشود و مخصوصا روزهای جمعه عده زیادی مردم بزیارت آن میروند و بوسیله بستن دخیل و نصب چوب و بیرق و انجام چنین مراسمی از آن تبرک میجویند. نزدیک آتشدان مزبور آتشدانهای دیگر برتخته سنگهای کف باغ بدره دیده میشود که میرساند اساساً محوطه باغ بدره در دوران هخامنشی نیایشگاه بزرگی بوده نظایر چنین نیایشگاهها هنگام انجام مراسم مذهبی شعله های فروزان چند از آتشدانهای متعدد بر میخاسته است و در دوران اسلامی به شرحی که گذشت همان محوطه فضای امامزاده فاطمه گردیده است.

در کنار بنای خدا خانه شیراز که بفرمان شاه ابو اسحق بسال ۷۵۲ هجری ساخته شده است ته ستون سنگ سیاه دوران هخامنشی همانند نمونه های کوچك ته ستونهای تخت جمشید قرار دارد که از یرانه های تخت جمشید یا باحتمال کمتر از ویرانه عهد هخامنشی واقع در قصر ابونصر نزدیك شیراز بدانجا آورده اند و هما نطور که بنای خدا خانه را به پیروی از خانه کعبه ساخته بودند ته ستون نامبرده را نیز همچون حجر الاسود در کنار آن نهاده بدان تبرك و تیمن میجسته اند.

در یکی از طاقنما های کنار صحن بقعه دانیال پیغمبر در شوش آتشدان خوش طرح زیبائی از سنگ خارای یك پارچه متعلق بدوران

سلوکی یعنی حدود دویست سال پیش از میلاد مسیح وجود دارد که بعنوان اثری متبرك طرف احترام مردم بوده مخصوصاً دوشیزگان بالغ برای بر آوردن نیاز مندی های خودبان توسل میجویند.

در وسط صحن مسجد کوچك واقع در نزدیکی آثار تاریخی مهم طاق بستان پایه آتشدان سنگی عهد اشکانی به بلندی ۱/۳٤ متر بر روی زمین نصب و مورد احترام نماز گذاران است.

بمسافت کمی در شمال آثار تاریخی معروف و معظم نقش رستم در پائین کوه حاجی آباد بر صخره کوه استودانهای متعدد عهد ساسانی وجود دارد که طبق آئین زرتشتیان استخوانهای مردگانرا درون آنها میگذارده اند و بر جبهه خارجی برخی از آنها جملات و کلمات مذهبی زرتشتیان بخط پهلوی نگاشته شده است طی قرون اخیر مردم آنجا را بنام شاه اسماعیل میخوانند و مورد احترام و تبرك قرار میدهند.

توجه بآثار نامبرده و نظایر آنها که ذکر شان موجب بدرازا کشیدن مطلب خواهد بود بخوبی موید این معنی تواند بود که بسیاری آثار پیش از اسلام ایران و از جمله آتشدانهای متعدد و استودانهای مختلف طی قرون متمادی دوران نیز بعنوان زیارتگاه و اثری متبرك مورد احترام و عقیدت مردم واقع گردیده است و نیکوپاس حرمت آنها را داشته و میدارند علاوه بر آنچه گذشت در بعضی ابنیه اسلامی ایران توام با ساختمان قسمتهای مختلف بنا در وسط صحن یا محوطه آن سکو یا پایه ای برای جای افروختن آتش بنا مینمایند و ضمن انجام مراسم مذهبی برفراز آنها آتش می افروزند و نمونه های انگونه سکوها یا پایه ها که عموماً بصورت هشت ضلعی و احیاناً مدور ساخته شده است بنام کلك خوانده میشود. احداث اینگونه کلکها در تکیه ها و حسینیه ها و حتی در محل تقاطع بسیاری از کوچه های آبادیهای یزد و کرمان امری معمول و متداول است.

نام آتشکده ها

در زیر نام ۹ آتشکده میباشد که در کتب و روایات دینی ضبط شده است :ـ

۱ ـ آذرگشنسب ، توسط شاه کیخسرو تقدیس گردیده و در اسوند کوه واقع و نامور بسپهدار ایران است .

۲ ـ آذر خرداد ، توسط شاه جمشید تقدیس شده ، واقع در هند بر کوه کانگره و آنرا آتش خرد و دستوران نامند .

۳ ـ آذربرزین‌مهر ، اشو زرتشت باخود آورد . واقع است در کوه ریوند خراسان ، دشت وشتاسپان آنرا آتش کشاورزان گویند . این سه آتش بی هیزم میسوزند و از آب بیم ندارند .

٤ ـ آتش برزه سوانگ و آن آتشی است رخشان در بخش بالائی گیتی .

۵ ـ آتش وهوفریان و آن آتشی است موجود در بدن انسان و حیوانات .

٦ ـ آتش اوروزیست و آن آتشی است موجود در جهان نباتات .

۷ ـ آتش وزیست که با سپوز رشک دیو ، بقول روایات در کارزار است و آن آتش برق است که باتماس ابر حاصل میشود .

۸ ـ آتش سپنشت آتش معمولی که از سنک چخماق بهم میرسد .

۹ ـ آتش نریوسنگ آتش موجود در کالبد پادشاهان و دابتان .

صورت نام آتشکده هائی که بعد از هوشنک شاه بنا گردیده .

۱ ـ آذر مهر ۲ ـ آذر نوش ۳ ـ آذر ور هرام ٤ ـ آذر عین ۵ ـ آذر خورین یا آدر خره ٦ ـ آذر برزین ۷ ـ آذر زردشت ۸ ـ آذر گوشید یا آذر نوشید ۹ ـ آذر کاوس

مدرک تاریخی مهم

صاحب تاریخ یزد عبدالحسین آیتی در صفحه ۲٦۲ کتاب مطالبی نوشته که بنا باهمیت موضوع عین آنرا در اینجا نقل مینمائیم . « در حدود سنین

و شهور هزار و سیصد و سی و دو وسه‌هق یکنفر زرتشتی نامش نوشیروانجی از هندبایران آمده در قاسم آباد یزد آقا محمد رشتی اورا ملاقات نموده او کتابی داشته است بخط پهلوی بر پوست و مطالب مختلفه در آن بوده است مانند یک ژنک. نوشیروانجی آنرا میخوانده و ترجمه میکرده. آقای رشتی قسمتی را که مربوط به یزد بوده از او خواسته و او ترجمه کرده و اینست عین ترجمه نوشیروان جی از آن کتاب که در واقع یک مدرک تاریخی بسیار مهمی است بیش از حدّ تصوّر: ـ

«در پیدایش شهرستان یزد پیران و موبدان گویند از سال پادشاهی پیشدادیان که روانشان شادباد طایفهٔ از بلخ برای فارس کوچ کرد با حشمی فراوان بمحل یزد رسیده که بیابان بوده از نداشتن و نیافتن آب بهلاکت رسیده بودند. ناگاه گاو و شیزی را از دور دیده اند که باهم چرا کرده بطرف کوه میروند. ایشان تعجب کرده عقب آنها رفته اند بچشمه آبی گوارا رسیده درختان انار و سیب دیده اند و فرشتکانی بصورت مرغان سفید دیده اند که از سنگ کوه بیرون آمده پرواز کرده و یزدان یزدان میگفته‌اند. آنها همگی بخاک افتاده مشغول عبادت شده و چون کوهسار سبز و خرم بوده همانجامانده خبر بپادشاه داده پادشا پسر خود را با آتش مقدس از آتشکده فارس بآنجا فرستاد وآتشکدهٔ یزدان ساخته واز آن زمان موبدان و بزرگان از تمام ایران برای عبادت آنجا آمده و پادشاه جهان کیخسرو وقتی از پادشاهی کذشته در آتشکده یزدان آمده تا آخر عمر عبادت کرده و از نظر ها غیب شده و گویند اسکندر پسر فیلقوس یونانی پس از غلبه بر ایرانیان ودستگیری شاهزادکان و بزرگان هر کدام که جوان بوده اند کشته‌باقی را امان داره و بخواهش خود شان به یزد فرستاده که در آتشکده یزدان عبادت کنند و از آنجا بیرون نروند که لشکر فراهم کنند و مردم را رابرضد یونان برانگیزند و آنچه در کتابهای شاپیگان که بحکم شاه اردشیر

بابکان نوشته شده و در آتشکدها نزد موبدان است اینطور است شاه اردشیر فرماید از کرمان برای عبادت بآتشکده یزدان آمدم چهارده روز عبادت کردم . طایفه ایکدرها هفت مبد برای ستارگان خیلی دور از آتشکده یزدان در کوهسار ساخته بودند در آنجا ستارکان را پرستش میکردند . جایگاه جادوگران بود . من آن معابد را از ن خراب کردم و هفت صورت را شکستم . مجوسیها را کشتم و هفت آتشکده همانجا ساختم و آتش مقدس از آتشکده بابک آوردم و موبدان را کماشتم مطابق آئین مها باد عبادت کنند و مردم را بعبادت خداوند یکتا که مرا پادشاهی بزرک داده باز دارم و حکم کردم در بهار همگی در آتشکده یزدان همه سال بیایند و جشن گیرند و سه روز بخرج من میهمانی کنند .

« پدرم و مردان پیر گویند تا آخر پادشاهی انوشیروان دادگر که همه داد کرده اینطور بوده است . فرشتگان یزدان حفظ مردم میکردند . مردم دروغ نمیگفتند چون خون کسی ناحق بزمین ریخته نمیشد . مال کسی را نمیبردند همگی عدالت میکردند . اما آنچه را که من در شهرها و شهرستان یزد می بینم تمام آثار خشم خداوند است حالا اینطور است که مردم همگی پیرو اهریمن شده تمام اندیشه بطرف اهریمن میرود . پنجاه سال است که یاد دارم همگی اطاعت اهریمن کرده شمشیر از کمر باز نکرده همی مردم بیگناه کشته یا بیگناه کشته شده پادشاهان و بزرگان ، خویشاوندان خود را کشته و میکشند . پدرها پسرها کشته پسرها پدرها کشته ایرانیان از ایرانیان بیشتر از رومیها کشته . اهرمن بر مردم غالب شده باران بموقع نمیبارد مردم فقیر شده در این پنجاه سال چهار سال قحط خوراکی شده مردم همه از دین بهی برگشته گروهی آئین مزدک گرفته از کشتن و غارت باک ندارند . زنهای مردم میبرند . باقی دین ندارند دروغ می گویند همدیگر را میکشند . احشام

و مال یکدیگر غارت میکنند . مردار را از اب بیرون نمیآورند خدارا بخشم آورده اند . شش سال پیش در تیسفون بودم . عربها که جز شتر چیزی نداشته دزدی همی کردند و آدم بیگناه همی کشتند . بدین تازه در آمده خوی آدمی گرفته جز هنگام جنگ کسی را نمیکشند مال هیچکس نمیبرند از بزرگانشان فرمان میبرند همگی همگروه بطور قشون رده کرده باهم عبادت میکنند . هنگام جنگ خدارا بصدای خیلی بلند بکمک میطلبند . خداوند آنهارا کمک میکند که برما غالب میشوند. ماها بر هیچکس عدالت و رحم نکرده خداوند برما عدالت نخواهد کرد. ماها از دین بهی بر گشته . اینجا بیست و چهار آتشکده داشته که مردم عبادت میکردند . حالا جز چهار آتش کده باقی همه خاموش است . در آتشکده یزدان سروش و موبدان فروز که روشن است . گاهی پیر مردان و پیر زنان عبادت میکنند همه آثار خشم خداوند است چرا که مردم (از اینجاشش سطر در نسخه ژنک نوشیروانجی خوانده نمیشد) شاه یزد گرد دو سال پیش با چهارده هزار قشون از سپاهیان اینجا آمد پنجروز بیاسود. جز سه نفر راهزن را که امر بکشتن کرد دیگر کاری نکرد باشتاب بطرف کرمان و سکستان رفت گویند در بلخ قشون فراهم میکند که عربان را بیرون کند خیلی مردم در تیسفون و خوزستان آئین عربان پذیرفته اند. خداوند برما خشم کرده سه نفر موبدان چندین کتاب شاه پیکان که در علم طب نوشته شده بوده و مقداری جواهرات و پول طلا که مردم در آتشکده و قریه یزک برده بودنده برداشته فرار کرده اند گویند در تیسفون میان عربان طبابت میکنند. خیلی حکام در هر شهری یاغی شده همدیگر را همی کشند غارت همیکنند. پدر پیر مرا با دو برادرم که برای جستجوی پسرانم و آوردن خوراکی بدهستان ابرکوه میرفتند با چهار نفر در بین

راه اسا و شوز[1] دزدان کشته اند اسبها و شتران آنها را غارت کرده اند. گروهی از مزدکیان دو قریه پادین (مهرپادین) و تیس زنگ (تژنگ) را غارت کرده چهل و پنج نفر زن و مرد بیگناه را کشته در قلعه فهره (فهرج) بوده اند کسی از آنها انتقام نمیکشد. قلعه خورمیس (خورمیز) محاصره مزدکیان است کسی کمک آنها نمیکند. دهستان ارد (یحتمل قریه اردان درپشتکوه) که دور از شهرستان است تمام غارت شده مردم از گرسنگی مرده و میمیرند دهستان موبدان [2] که هشت قلعه محکم و دویست مرد جنگی دارند غارت نشده ولیکن خوراکی ندارند مردم علف میخورند. باقی دهات تمام خراب و غارت شده. مردم دهات در شهرستان و نهرستان آمده خوراکی نایاب است. مردم علف انگور و علف که تازه سبز شده میخورند. اینها همه خشم خداوند است من دو پسرم را ۴۳ روز است برای آوردن خوراکی بدهستان ابرکوه فرستاده ام خبری از آنها ندارم.

«من ورزا پسر فرشید پسر لهراسب هیربد هستم پدرم نویسنده بود و من نویسنده هستم من ۶۲ سال دارم یک زن و بچه کوچک در خانه دارم. املاک و احشام مرا غارت کرده اند. پدر و دو برادرم را بیگناه کشته اند. من بیچاره هستم. من دیوانه هستم. اگر در آئین من

---

۱ در پشتکوه کوهی است بکوه اسا و چهار مزرعه کوچک گرد آنست و نیز قریه ایست مشهور بشواز که مرزعه عبدالله و چند مزرعه دیگر تابعه آنست همه کهنه و بی شبهه اسا و شوز همانجاست صحرائی هم دارند موسوم بجنگ گاه

۲ دهستان موبدان که هشت قلعه محکم و دویست مرد جنگی داشته بنظر میرسد که مراد میبد بوده است. زیرا در آن زمان جایگاه معتبر و قلاع محکمی که مردمش توانسته باشند خود را حفظ کنند جز میبد بوده است.

نهرستان بر میآید که نام اصلی اهرستان بوده زیرا اهرستان خیلی قدیم است و تا هرجا تاریخ نشان میدهد همه نهرهای اطراف یزد که سرچشمه آن تفت و شیر کوه بوده از اهرستان عبور مینموده هنوز هم مجرای نهرهای عدیده است و آباد است و مرکز زرتشتیان برزیگر. چون نهرستان را پهلوی شهرستان ذکر کرده و اهرستان از حومه یزد است بی شبهه مراد اهرستان است.

گناه بزرگ نبود باکارد پهلوی خودم را پاره میکردم من میدانم تا چند روز دیگر از گرسنگی میمیرم یا کشته میشوم. من خط خوب دارم خیلی کتاب خوانده ام و خیلی کتاب نوشته ام من گذارشات خودم را در جزء این کتاب مذهبی خودم و دعاهائیکه سه سال پیش نوشته بردم بخط خودم نوشتم که اولاد من بدانند برمن چه گذشته برای من عبادت کنند. اینست گذارشات من در سال دوازدهم پادشاهی یزدگرد. انتهی.»

اینست آنچه را که صاحب تاریخ یزد برای ما بیادگار گذشته است اما نوشیروانجی که نامش در آغاز آمده. در آن اوان دکتری بنام نوشیروانجی به یزد آمده و برخلاف سایر پارسیان که در شهر اقامت میکردند در ده اقامت داشته. اما در مورد ژنگ پهلوی، هر چند در بمبئی تحقیقات نمودم خبر چنین رساله نزد اوستاشناسان این سامان نیست. یحتمل آن نسخه خطی بوده که دکتر هنگام گردش در ایران از زرتشتیان آن دیار بدست آورده و باخود برده باشد. کلیهٔ پارسیان بمبئی تا آنجا که اینجانب جویا گردیدم از وجود نوشیروانجی بی اطلاع میباشند و همینطور است در مورد ژنگ پهلوی. اگر چنانچه رساله مفقود یا راه فنا نه پیموده باشد یحتمل در آینده خبر آن از جائی بدست آید. اما مندرجات آن نامه با اسامی دهات چنانکه دیدیم برابر است با اسامی دهات قدیم جغرافیائی یزد.

اکراد دنبلی

در بنگاه خاور شناسی خورشید کاما بمبئی جزو کالکسیون هاتریا یک نسخه خطی است بنام تواریخ دنبلی تالیف فقیر بن حسینعلی دنبلی بنشانی (HPms 144) بنظر میرسد مؤلف، کتاب راکه یحتمل نسخه منحصر بفرد باشد قریب صد سال قبل تدوین و بروانشاد مانکجی هاتریا تقدیم نموده. هاتریا در طی اقامت خود در

ایران نویسندگان را در تالیف و تدوین کتب بروش مختلفه تشویق مینمود.

مندرجات کتاب عبارتست از تاریخ بزرگان اکراد که در مواقع مختلفه در ایران، عراق، سوریه و آسیای صغیر مصادر امور مهمه بوده اند. در ضمن اکرادی که پیرو دین قدیم ایران میباشند جغرافیای حدود آنها را شرح میدهد ما در اینجا فقراتی را که در مورد یزدان پرستان کرد و قلعه دنبل محل آنها و آوارگی آنها نوشته و با مندرجات این نامه سازگار است در اینجا میآوریم باشد که خواننده گرامی از آن استفاده برد. اینست مندرجات صفحاتی از کتاب نامبرده که ما از آن اقتباس نمودیم :-

«قلعه دنبل در کوهستانات دیار بکر و موصل واقعت. اکراد حول و حوش آن قلعه و کوهستانات منسوب بآن، یزدان پرست میباشند که مذهب قدیمی تمام عالم یزدان پرستی بود. حکیم فردوسی که از کذشتن فریدون از اروند رود صحبت میکند همان شط بغداد است که از کوهستانات قلعه دنبل و از میان طایفه اکراد یزدان پرستان برخاسته بملک بابل میآید. تعریف آن کوهستانات از بیان و بنان بیرون است. در سختی قلعجات و خوشی آب و هوا، لالهزار و گل و ریحان و درختان سایهدار ـ از کثرت اشجار و انهار و میوه وحبوبات و باغات جنت نشان و انواع لحوم و شکار، بهترین و خوشترین تمامی دنیا میباشد . . . کوه یزدان پرستان این کوه ها بهم بستگی دارد و زردوش؟ هم در این کوه میباشد که کوه سنجران میباشد میکشد تا شام میرسد بدریای شام که تمامی ساکنانش کرد یزدانپرست میباشند. بهیزید و معاویه آشنائی ندارند و ایزدی مذهب اند و بوجود اهرمن قائل نیستند که چنین ذات پاک را نمیشاید گویند صفات را عین ذات میدانند از اهریمن بیزار میباشند ... و اینکه دنبلی یزدان پرست میباشند. قلعه دنبل از ابنیهٔ کیکاؤس یزدان پرستان عجم است . . . کردان عجم در آن کوهستانات میباشند. میگویند تغییر در صفات است نه درذات، یزدان پرستی تغییر نمییابد از ازل بوده و

خواهد بود. لباس قدیم را دارند و بقانون قدیم رفتار مینمانید. اول چشمه دجله درمیان این طایفه میباشد.

«آثار زیاد از سلاطین کیان در آن کوهستانات میباشد. کنگدژ هوخت از آثار عجم است و در دنبل میباشد. در حول و حوش دژدنبل و دژ روشن و دژ هوخت اکراد یزدان پرستان میباشند و درسایر قلعجات اکراد علی‌اللّهی و اکراد سنی مذهب میباشند. باهم دیکر آمیزش دارند. از هندوستان[1] از دریای محیط بروی شط بغداد کشتی بکناردژ دنبل میآید. از ولایت روس از راه دریای محیط خزر برروی رود ارس بکناردژ روشن کشتی میآید. این دو رودخانه عظیم از کوه یزدان پرستان برخاسته بملک ارمن کذشته بدشت مغان با همدیکر متصل میشود. از طرف شمال آنکوه رو بشمال میروند و دو رودخانه عظیم هم از آن کوه برخاسته یکی شط دجله و یکی فرات رو بجنوب رفته در کوهستانات کذشته بولایت دیار بکر کذشته در دشت عراق بابل با هم رسیده. قلعه روشن بملک ارمن واقع شده است. ملک هند سکانش را کرد کافر مینامند که یزدان پرست میباشند ... بعضی که قلعجات سخت دارند و کوهستانات صعب، اطاعت احدی را نکرده اند در مذهب قدیم فریدونی یزدان پرست میباشند و در بعضی جاها که متصل بولایتی شده اند علی الهی مذهب گردیده که هیچ تفاوت مابین یزدانی و علی الهی نمیباشد ... اصل جمعیت کردان از کوه سنجار کرفته تا بکوهستانات شام که بولایت درزی میباشد تا بمغرب از طرف مشرق در قلل جبال سخت قلعجات قایم دارند تا بلرستان، فارس، کرمان، کچ، مکران، کرد کافر هندوستان. تا بکافر سیاه پوشان تبت الی کوهستان چین. لباس این طایفه هم گشاده و دستار درسردارند و بقانون قدیم رفتار دارند آمیزش به

(۱) مقصود هند نیست بلکه مغرب خلیج فارس و سواحل خوزستان میباشد و در روزگاران گذشته هند میگفته اند اینک در خورستان هندیجان و هندیمشک و مانندآن داریم.

بیگانه کیشان ندارند یزدان پرست میباشند و آتشکده دارند . اطفالشان که بسن هفت ساله میرسند شریعت باوعلاقه میکردد که بقانون شرع باید در تحصیل باشند . آن روز آتشکده را زینت میدهند یعنی در روزهای بزرگ که ازاعیاد کهن باشد آن طفل را لباس گشاده میپوشانند مثل لباس کردی و امامه فریدون را میآورند مثل شال بر سنن کردها و شبیه در فش کاویان را میآورند ، چهار تیغ را سربهم بسته که مدور نمایان باشد . کشتی و سدره درمیان ایشان میباشد .

«از قراری که در جهان نمای ترکی نوشته است طایفه دنبلی را یزدان پرست مرقوم کرده اند و جهت سکنای قلعه دنبل و اکرادی که در حول و حوش آن قلعه میباشند بآن قلعه منسوب شده . . . . کوه کردستانات از اول دریای محیط گرفته از نقطه مشرق تانبقطه محیط مغرب میرسد. اکثر جاسخت کوهها باهم‌دیگر متصل تا در بدخشان و کابلستان کافر سیاهپوشان مینامند تا بکوهستان قندهار ، کرمان ، فارس ، کوهستان؟ بکردستان عراق ، آذربایجان و کوهستانات روم درزی تا بمغرب یکطایفه و یکزبان در جایهای سخت سپاسی گروه یزدانپرست . در اکثر جاها علی اللهی و سنی مذهب و متعصب بدشت کوهستانات سکنی دارند باید دید و فهمید که راقم چه نوشته است . فرنگیان با این آگاهی از فقره کردانیان خبری ندارند .

« کوه سنجران از طرف شط دجله واقع شده که اهل آن کوه یزدان پرست میباشند . هیجده طایفه دنبلی همین طوایف است که مرقوم شده که در ناحیه ایران سنجران سکنی دارند . دنبلی ، محمودی ، نوکی ، شیخ نرین ، سونی ، ماسک ، رشکی، دستی، مرسی، انونش ، مخ، مهرانی، پیکانی ، سنوری ، شیرویان ، دیوران ، اردمانی ، انهاور و همگی این طایفه خودشان را نسبت بکیانیان میدهند . این هیجده طایفه یزدانی میباشند و از یزدان پرستان قدیم میباشند و دیکر طرایف یزدان پرست درمیان اکراد بییایان میباشد . نصف بیشتر اکراد یزدانی هستند . طوایف دنبلی از همه بیشتر هستند .

«از شام تا بحلب و دیار بکر یزدان پرست میباشند و اکثر آن اکراد علی اللهی میباشند تا بکرمانشاهان و کوهستانات شامات علی اللهی میباشند. میکشد از فارس تا بکرمان و آنجا شیعه اثنی عشری میباشند. از کوهستانات هزاره گرفته تا بغزنین و از غزنین تا بسرحد چین همه علی اللهی میباشند. در سمت شرقی هند که آن کوه متصل است سکانش را کرد کافر کویند. از بالای کابل که کوهستانات سخت مثل کوه درزی و شام پرنعمت و بسیار معادن است سکانش را کافر سیاهپوش مینامند. اکثر اوقات بطایفه افاغنه که در کوهستانات کابل سکنی دارند در جنک میباشند و علی اللهی در آنجا زیاد است. مقبرهٔ دانیال که در شش فرسخی خوی کنار رود ارس واقعست آتشکده بوده.»

گفتار بالا از صاحب تاریخ دنبلی است که ما در اینجا نقل نمودیم. اینک آنچه را که صاحب تاریخ کشّاف (موالفه ۱۲۶۵ هق) در تأیید قول بالا آورده است محض نمونه درج مینمائیم.

صاحب تاریخ کشاف در ذکر وقایع امیر عیسی ملقب بصلاح الدین کرد مینویسد «مشهور است که طایفه یزدانی دنبلی بالتمام دست توسل بدامن آن امیر بی نظیرزده و حلقه اطاعت او بگوش جان نهاده. آن امیر اول حکمی که کرد این بود که صد هزار خانه از یزدان پرستان کردستانات و ایلات بآذربایجان تا کوهستانات حکاری کوچاینده و جابجا فرموده.... مغان در قدیم وطن یزدان پرستان بوده. دروازه شهر در کنار رودارس الی مغان بوده، منظور نظر آن پیر کامل بوده که شهرهای مغان را باز آباد نماید. الآن خرابهای آن شهر باقیست و اسم ماههای فارسی بوده مانند فروردین، اردیبهشت الخ»

در وقایع امیر سلیمان بن امیر احمد دنبلی مینویسد «بقاعدهٔ دنبلی با یکصد هزار انه دنبلی در ییلاق و قشلاق بوده و درمیان اکراد بزبان

فا رسی درس میگفتند. تا حال آن قاعده درمیان کردستان سنجران برقرار است. اکراد کوه سنجران رسم و سلوک قدیم دارند، آمیزش با اعراب و اتراک ندارند، مثل مملکت قدیم فرس میباشند. احدی از سلاطین ترک و عرب دست بمملکت ایشان نتوانستند بزنند.»

در ذکر سلطنت‌مراد خان مینویسد «تا سنه ششصد و پنج بحدود سیستان با لشکر هلاکو خان جنک کرده غالب آمد در اول ورود بآذربایجان که محل ایل و خانه خودش بودسی هزار خانه اکراد یزدانی را بخراسان کوچانده بجهت هم کیشی و هم مذهبی. سنجرستان و هیکل کده‌های سلماس و خوی را تعمیر و تجدید نمود. از قرار تاریخ الفی هنوز آثارش باقی است. چنانچه مرقوم شد شیروانشاه حکیم خاقانی را بجهت استمداد بخدمت ملک شمس الدین فرستاده لشکر بی پایان از اکراد یزدانی برداشته تا بباد کو به تمامی داغستان، گرجستان و شیروان را تبصرف در آورد.»

در ذکر مذهب دنبلیان مینویسد «مذهب دنبلیان و پارسیان که ایشان را ایرانیان نیز خوانند گروهی هستند که ایشان را ایزدیان و یزدانیان نیز گویند و این گروه برآنند که کنه برتر گوهر خدایتعالی و تقدس را بی‌تنومندی خرد و نیروی روان دانستن نتوان ــ ــ ــ وغیره.»

تبدیل آتشکده بمسجد

در صفحات گذشته اطلاعات گونا گونی در مورد آتشکدهای قدیم در قلمرو ایران باستان، در یکجا جمع کردیم که در کتب و منابع مختلفه و روایات بیشمار یادداشت کردیده است. ولی چنانکه دیده میشود بنفوس زرتشتیان در روزگاران پیش، شماره آتشکدهای ثبت شده ناچیز میباشد، زیرا در هر شهر و دهی بایستی آتشکدهای بسیاری موجود باشد. چه

در دین آمده، هرجائیکه چند خانوار زرتشتی زندگی میکنند باید یک آتشکده تقدیس گردد تا آتشهائی که درمراسم دینی بکار میرود پس از پایان تشریفات بآنجا منتقل گردد. آثار آنهمه آتشکاها در دست نیست یا با زمین صاف شده و خاک آنرا هم برده اند و یا آنکه مانند آثار قریه اشکذر در دل خاک وشن پنهان میباشد.

گوشه ای از مسجد جامع اصنهان چار طاقی است که زمانی آتشکاه زرتشتیان بوده و گوشهٔ دیکر آن کلیسیای ارمنیهاست که بشکل صلیب ساخته شده آنرا غصب و مانند آتشکده هرات بمسجد وصل نموده اند. همچنین نصف مسجد جامع کبیر یزد پرستشکاه بزرگ زرتشتیان بوده که جنب مسجد ارسلان خاتون قرار داشته و بوسیله سلطان علاءالدوله در اوایل سنه پانصد هجری بمسجد جامع تبدیل و بعدها بمسجد جامع کبیر ملحق میگردد نویسنده محقق آقای علی سامی در کتاب خویش پاسارگاد صفحه ۹۷ مینویسد «بسیاری از معابد زرتشتی در زمان اسلام بصورت مساجد در آمده.»

سلطان علاءالدوله کالنجار در سال ۵۰۴ هجری بقول صاحب جامع مفیدی از طرف سلطان ملک شاه بمحض ورود به یزد مسجدی در کنار شهر بر درده بساخت که بنام مسجد ارسلان خاتون نامور گردید. مراد از درده کنار کسنویه میباشد که بشهر وصل بوده. جامع مفیدی مینویسد «و همچنین سلطان علاءالدوله کالنجار بر درده جنب مسجد ارسلان خاتون مسجدی جامع بساخت و بر درگاه مسجد مناری بر افراخت و آن منار قایم بود تادر سال ۸۵۹ه بیفتاد اما مسجد همچنان معمور است و بمسجد کبیر متصل است.» (ص ۸۰ جلد ول) و نیز در جلد سوم کتاب خویش ص ۷۳۲ میگوید اتمام مسجد و مدرسه و بناهای خیریه دیکر او در سنه ۵۱۳ هجری بود.

چنانکه گفتیم کشنویه در قدیم شهر معتبری بوده و دو دروازه داشته بنام دروازه ایزد که بمناسبت پرستشکاه بزرگ زرتشتیان بنزدیکی آن چنین

نامور بوده و دروازه دیگر آن مسجد بوده و چنانکه استخری مینویسد مسجد در دیهی بیرون دروازه قریب بآن بنا گردیده بوده است. بنا بر این پرستشگاه زرتشتیان که پهلوی مسجد ارسلان خاتون و کنار شهر یزد بوده بمسجد جامع تبدیل میگردد. در اوایل ۱۳۳۷ ی هنگام خراب کردن بخشی از مسجد برای ساختمان جدید، آثار آتشکده پیدا میگردد و اداره باستانشناسی از ویرانی بقیه اطاق مانع آمده است.

بقول تاریخ نویسان یزد قسمتهای آباد کنار شهر یزد که همان کثنویه بوده در مواقع مختلفه بتدریج بشهر وصل و محصور میگردد زیرا سمتهای دیگر شهر بایر و خشک بوده است. پس از تبدیل آتش ورهرام بمسجد بخش مهمی از کثنویه نیز بشهر ملحق میگردد و بتدریج موبدان جماعت که مقیم کثنویه بوده اند باطرف پراکنده میشوند و پس از احداث ترکاباد در حدود سال ۷۵۰ ه آنجا را اقامتگاه خود میسازند و آتش مقدس را هم باخود بآنجا میبرند. ترکاباد مرکز دینی زرتشتیان و نشیمنگاه دستوران دستور ایران میگردد. نامه های زرتشتیان بهند که از سال ۸۴۷ یزدگردی شروع شده و بامضای موبدان موبد میباشد از اینجاست.

پروفسور کریستن سن در تاریخ شاهنشاهی ساسانیان در تأیید گفتهٔ ماگوید «نمونه ای از این بناهم اکنون در شهر یزد پدیدار است که از آتشکده های باستانی بوده و در زمان فتح اسلامیان بمسجد تبدیل یافته است.»

در مورد بزرگ کردن شهر یزد و حصار بندی آن صاحب جامع مفیدی مینویسد (جلد یک ص ۷۹) «سلطان علاءالدوله کالنجار در سال ۵۳۲ هق امر فرمود حصاری در گرد شهر بکشند و ایشان یزد را حصار کردند از کنار باغ بهشتی تا درب کوشکنو و درب قطریان برجهای عالی

ساختند و چهار دروازه مفتوح کردند و درهای آهنین نصب نمودند. اول درب کوشکنو، دوم درب قطریان که اکنون بدرب شاهی شهرت یافته، سوم درب مهریجرد چهارم درب کیا» و در صفحه ۱۱۹ مینویسد «که در سال ۷۴۷ امیر مبارزالدین محمد دارالعباده را در تحت تصرف در آورد بعضی محلات یزد که بیرون شهر بود داخل شهر نموده حصار در گرد آن کشید، مثل کوچه سنبلان و کوچه محمد جلال و کوچه صندوقیان و باغ بهشتی و مدرسه اتابک سام و کوچه جنب مدرسه اتابک و دارالشفای صاحبی و ایلچی خان و مزار شرف الدین خضر و کوچه پای بوز و سنجدستان و باب کیا و از دروازه قطریان تا درب مادر امیر باروی نو کشید و هفت دروازه مفتوح کرده درهای آهنی بکار گذاشت و برگرد حصار برجهای عالی ساز کرد.» از نتیجه این اقدامات کثنویه بتدریج بقریه تبدیل و راه زوال را پیمود.

میگویند در سمنان یک مسجد بسیار کهنه ایست که آتشکده بوده و مسلمانان آنرا بمسجد تبدیل نموده اند.

آتشکده کوی زرتشتیان

در کوی زرتشتیان در شهر یزد محله سرپشت لرد آسیاب که سابقاً زرتشتی نشین بوده و بتدریج مسلمان نشین شده آتشکده بسیار قدیمی موجود است. مسلمانان محل در سدهٔ قبل خواستند آنرا غصب نمایند. موبدان صدای اعتراض بلند میکنند پیشوای مسلمانان که نامش متاسفانه محفوظ نمانده شخص منصفی بوده در جواب اعتراض آنها میگوید در این محله زرتشتی نیست و ما آتشکده در اینجا نمیخواهیم اگر فی‌الواقع آتشکده شما حقیقتی دارد برمن ثابت نمائید تا ما نیز بآن دست نزنیم و رعایت احترامات

آنرا بنمائیم. موبدان میگویند اگر طبق دستور آنها رعایت اشوئی و پاکی را بنماید کرامات کلام اوستا و آتشکده را ثابت خواهند نمود. پیشوا شرط را میپذیرد و موبدان هم به پیمان خود وفا مینمایند و طرف قانع میشود و آتشکده از خطر نیستی میرهد. اینک ساختمان آتشکده در همانجا موجود و تشریفات دینی در آنجا بعمل میآید و بنام درمهر بزرگ معروف است.

آتشکدهٔ فروغ

آتشکدهٔ فروغ یکی از زیارتگاها واما کن مقدس بود که هر ساله هزارها زوار از ولایات دور دست بآنجا شتافته تبرک میجستند. این آتشکده در قلعه بلندی واقع بود که بر سایر قلّـه های سلسلةالجبال زاگرس یا سقّـز تسـلّط داشت. امروز مردم ولایات اورامان و کرد های نواحی، آن قـلّه را فُرق اولیا مینامند و بعید نیست که لفظ فرق محرف فروغ باشد. در زمان قدیم شهرت داشت که آتشکدهٔ فروغ و کوههای اطراف آن جایگاه فرشتگان و مردان خدا میباشد. چوپانان چیزها روایت میکردند که در کنار بعضی تخته سنگها کسانی از دور دیده اند که چون فرشتگان بال و پر داشته اند. رهگذرها گاهی در بعضی دره ها آواز سروش شنیده اند یا همهمهٔ ای مثل گفتگوی آدمیان بگوششان رسیده بود. پس از تجسس بسیار آدمی را نیافته بودند. دوشیزگان و پیره زنان، آن نواحی را مسکن پریان میدانستند.

آدریان سرده تفت و چگونگی اسلام آوردن زرتشتیان آنجا

در دوره سلطنت فتحلعیشاه دویست خانوار زرتشتی در محله سرده تفت از بلوکات یزد بسختی زندکی میکردند. مالیات جزیـه بار سنگینی بردوش کلیه پارسیان بود. همینکه بچه ائی هفتساله میشد، جزیه برا و تعلق

میگرفت که آن نیز مزید فشار بروالدین میگشت. از سختیها و محرومیتهائی که گروه پارسیان بردباری مینمودند در صفحه ۱۸ «فرزانگان زرتشتی» سخن رانده ایم و ذکرش در اینجا تکرار مکررات خواهد بود.

در اواخر سلطنت فتحعلیشاه سال ۱۲۴۷ هق رستم نامی کلانتر زرتشتیان بود و اورا رستم خان میگفتند و در محله سرده تفت منزل داشت مباشرین جمع مالیات جزیه از آنچه در دفتر مستوفی ثبت بود، خیلی زیادتر تحت عنوانهای گوناگون از مردم بیچاره وصول مینمودند. در آن سال بعنوان فرع مالیات از هر نفر پارسی یکشاهی زیادتر وصول مینمایند تاکیسهٔ خود را بیشتر پرسازند. باید دانست یکشاهی آن زمان برابر پنجاه تومان این زمان میباشد، زیرا در آن دوره هر که ماهی ده ریال عایدی داشت او را خوشبخت و توانگر میخواندند.

پدر نگارنده تعریف میکرد که هنگام جوانی در حدود صد سال پیش بکار مزدوری مشغول میبوده و اجرت او در روز یکشاهی و نیم بوده که ماهی دو ریال و ۲۵ دینار امروز میشود. بنابر این میتوان قیاس کرد که یکشاهی مالیات اضافی برجزیه چه بار کمر شکنی بحال افراد رنجبر و ستمکش آنزمان بوده است.

کلانتر زرتشتیان از این احجاف صدای اعتراض بلند کرد ولی بجائی نرسید. نفوذ مفتیان و پیشوایان دینی اسلام و مباشرین جمع مالیات دست بهم داده تا نیروی ایستادگی زرتشتیان را در پیروی دین بهی خرد نمایند.

رستم خان چاره را منحصر بفرد دیده تصمیم میگیرد بپایتخت و تهران رفته در حضور شاهنشاه داد خواهی نماید. باین منظور تن بمشقت سفر در داده، پس از مدتی بپایتخت میرسد. اما بهیچ وسیله نتوانست در دربار بحضور شاه راه یابد. روزها در نزدیکهای دربار شاهنشاهی سرگردان

وحیران قدم میزنند تا آنکه روزی کرم یزدانی دری برویش میگشاید. باغبان پادشاه باطبقی پر از میوه‌های رنگین و سرپوش عالی در آن حوالی پدیدار میشود. رستم خان چون خود نیز کشاورز و باغبان باشد با او رشتهٔ صحبت باز میکند و در عین حال بدون توجه باغبان عریضه دادخواهی خود را زیر سرپوش طبق میوه میگذارد. باغبان بیخیال طبق میوه را بحضور شاهنشاه میبرد. چون سرپوش برمیدارند عریضه رستم خان دیده میشود. شاه میپرسد عریضهٔ کیست. باغبان از دیدن نامه حیران میشود جواب میدهد نمیداند از او نیست. وزیر میپرسد آیا در بین راه باکسی صحبت کرده است. جواب میدهد کشاورزی بیرون دربار در مورد اوضاع زراعتی با او صحبت کرده است. حدس میزنند نامه از اوست. فرآشی میفرستند و رستم خان را بحضور شاهنشاه میآورند.

رستم خان با دلیری و رشادت تمام در حضور پادشاه کرنش و تحیات لازمه بجا میآورد. چون از هویت او میپرسند خود را زرتشتی معرفی میکند شاه بیخبر از وجود زرتشتیان در کشور خود میپرسد آیا هنوز هم زرتشتیان در ایران ساکن میباشند. جواب میدهد آری. عده ئی توسری خورها و رنجبر و زحمتکش میباشند که مالیات دولت و بار دیوان را بوقت خویش میپردازند ولی نصف آن بخزانه عامره نمیرسد و بجیب مباشرین و مامورین محل میرود. شاه از رک گوئی و پردلی رستم خان خوشش میآید. یکهفته اورا در تهران در باغ خویش نگاه میدارد. سپس فرمان شاهی دایر بر استرداد یکشاهی مالیات اضافی جزیه را صادر و بمهر شاهنشاهی مزین و باتفاق یک مامور اورا به یزد مراجعت میدهد. مباشرین مالیات از مشاهده فرمان شاه و فراش شاهنشاهی واهمه کرده مالیات اضافی را بزرتشتیان واپس میدهند ولی کینه رستم خان را در دل خود میپرورند تا بموقع از او انتقام بکشند.

فتحعلیشاه در سال ۱۳۵۰ هق در مسافرت باصفهان یکسره بعالم مینو رهسپار میکردد. در دوران گذشته در فاصله بین فوت شاه و جلوس ولیعهد بر اورنک شاهی، روزکار مردم بیچاره تار و پریشان میگشت، متجاسران و متجاوزان، جهان را بکام خود میدیدند و بقتل و غارت میپرداختند، حال زرتشتیان در آن هنگامه از همه بدتر بود و زنان و دختران جوان آنها بیشتر در معرض خطر و ربودن بودند. *

در آن وقت رستم خان بیخبر از اوضاع و فوت شاه برای سرکشی بباغ میرود. دسته ئی از دشمنان دیرین‌او با چوب و چماق و کارد و شمشیر بر سرش میتازند و اورا تکه تکه ساخته و جسد بیجانش را برزمین میکشند

---

* طی مدت یکماه هنگام وفات محمدشاه قاجارتا جلوس ناصرالدین شاه اوضاع یزد بواسطه شاه میری بسیار وخیم بود. باغات دیه های زرتشتی نشین بغارت رفت. زنان و دختران زرتشتی کسنویه که نزدیک بشهر میباشد، پریشان میشوند. خدا بخش مهر معروف به کوسه مقیم کسنویه ۱۴ نفر از دختران جوان بالغ را با خود برداشته شش کیلومتر از راه کاریز و زیر زمین مخفیانه آنهارا به الهآباد میرساند. زیرا آن دیه براسطهٔ شخصیت و فعالیت و کلانترش مهر جمشید پدر خسرو مهر معروف، امن بود و کسی نمیتوانست در آنجا بمال و ناموس دیگران دست درازی کند. همینطور در همان موقع ملا رستم مهر یزدی مقیم شهر که بدداوستد مشغول بود، کلیهٔ زنان خانواده را در یک اطاق محکم جمع کرده وبا آذوقه کافی درب آنها را قفل میکند و خود با مردان و پسران به نعیم‌آباد معروف بآبشاهی رفته در وسط کشتزار خویش که از انظار مخفی بوده پنهان میگردد. یکصد تومان دارائی نقد خودرا از حواس پرتی‌فراموش میکندباخود بردارد. مستأجر مسلمان کیسهٔ پول را برابر نشانی پیدا کرده در زیر کود که بار الاغ باشد پنهان میکند، در آندم اوباش واراذل بآن خانه میرسند و بتاراج و بردن اسباب و اثاثیه منزل میپردازند. رئیس آنها بهمراهان خود فرمان میدهد دست بزنان نزنند. مستأجر پول ارباب را باو رسانیده واندکی از پریشانیش را میکاهد.

و بمحله سرده که ساکنانش همه زرتشتی باشند یورش میبرند و همگی را بقتل و غارت تهدید مینمایند مگر آنکه اسلام آورند. پارسیان چون جسد مقطوع و بیجان کلانتر خود را می بینند دل میبازند و باترس و اجبار مسلمان میشوند.

آتش آدریان تفت بسیار قدیم است و گویا در دوره ساسانیان تقدیس شده تاکنون در همان محل قدیمی بین مسلمانان روشنی بخش دل و دیده مشتاقان خویش میباشد. مسلمانان که بازماندگان زرتشتیان پیشین اند، آتش مقدس را مایه برکت خویش میدانند و در حفظ و نگهبانی آن با جان و دل میکوشند. چنانچه پس از ساختمان درمهر راحت آباد تفت در حدود سال ۱۲۹۹ یزدگردی چون موبدان میروند آتش آدریان سرده را که بین مسلمانان محصور است بساختمان جدید منتقل سازند، گروه مسلمانان باچوب و چماق صف می‌بندند و از بردن آتش مقدس ممانعت مینمانید ما میگویند بازماندگان زرتشتیان دیرین ایم و آتش آدریان روشنی بخش دل ما و مایهٔ برکت خان آتش و مان ماست. شما میتوانید آتش دیگر برای در مهر بزرگ کنید و در آنجا فروزان سازید. القصه هر چه موبدان و سران گروه فشار میآورند که را ببرند مسلمانان ممانعت مینمایند. اینک نیز مسلمانان محل در حفظ آدریان و حتی کمک بسوخت آن همراهی دارند و نفوس زرتشتیان در محل فقط ۱۸ خانوار میباشد.

چون سخن بدینجا رسید از تذکر همراهیهای مسلمانان دیه های دیگر نباید غفلت کرد که بآتش مقدس بنظر احترام مینگریستند. در وسط قریه کننویه درخت سرو بزرگی بود که در حدود ۵۵ سال پیش سالیان دراز پس از خشک شدن قنات دیه خشک گردید. مسلمانان محل غالباً از سادات بودند آنرا بریده و قطعه قطعه کردند و کنده های آنرا برای

سوخت بین کلیه درمهرها و زیارتگاهای زرتشتیان بخش نموده و برای آنها فرستادند و خودشان تصرف ننمودند.

گشتاسب جمشید دهموبد نرسی، آباد (متوفی ۲۵۰ ی) مردی دیندار، خدا پرست و پرهیزگار بود بخدمت آذربای درمهر نرسی آباد اشتغال داشت. مسلمانان محل او را از پرداخت کلیه عوارض دیه مانند دشتبانی سیورغال وغیره معاف میداشتند و سهمیه او را برسهمیه افراد دیگر قریه بخش میکردند، حتی آبیاری کشتزارهای او را نیز چون وبتش میرسید، خودشان مینموند و باو میگفتند «گشاسب تو برو خدمت آتش بکن و بستایش بپرداز که آن مایه برکت خان و مان و کشتزار های ماست. کارهای دنیائی ترا ما میتوانیم بکنیم ولی خدمت آتش فقط از دست تو برمیآید و هرچه بیشتر خدمت کنی بهتر خواهد بود» بهنگام کند و کوب کشتزار های دهموبد نیز مسلمانان محل برایگان او را یاری مینمودند.

تأثیر کلام اوستا

ملا جمشید خسرو هوشنگی (متوفی ۱۳۱۸ ی در ۹۱ سالگی) مرد دیندار و پرهیزگار و دانای اسرار و علوم مذهبی و مانند موبدان حافظ همه اوستا و عالم تشریفات دینی و برگزاری مراسم یزشنی و وندیداد بوده و در تفت محله سرده آتربان آدریان آنجا بود که از روزگاران باستان تقدیس گردیده است و یکی از قدیمترین پرستشگاهای پارسیان یزد میباشد. خانواده روانشاد جمشید خسرو بین مسلمانان تفت معروف بخانواده ملا میباشد.

در حدود سال ۱۲۶۷ یزدگردی در یکی از روزهای چلّه تابستان وقت نیمروز گوشت تازهٔ بازار بو برمیدارد. مسلمانان حاضر در محل در شگفتی میشوند که از صبح تا ظهر گوشت باین تازگی بواسطه گرمای

سخت روز بو میگیرد ، پس حال میت زرتشتیان دردخمه باز وسط آفتاب سوزان چیست ؟ یکی از حاضران بنام حاجی سید صادق ، عموی سید محمد کلانتر محله سرده که موقع نگارش این سطور در حیات میباشد میگوید ، زرتشتیان یشت مخصوصی دارند که بمرده خود میخوانند پس در دخمه میگذارند لهذا بو نمیگیرد و گندیده نمیشود. جمیعت حاضر شامل علمای اسلام از پذیرفتن این گفتار سر باز میزنند حاجی سید صادق میگوید از جمشید ملا جویا شوید بشما خاطر نشان خواهد ساخت. میفرستند ملا جمشید را میطلبند جمشید باتفاق پیام آور بآن مجمع میرود*. جماعت حاضر مسلمانان با ملا جمشید در مورد بو نگرفتن میت زرتشتیان مباحثه مینمایند و قول جمشید را دایر بر تاثیر کلام اوستا نمی پذیرند. بالاخره جمشید میگوید ، «ثبوت قول من آسان است. بیایید یک گوسفند را ذبح کنیم ، یک شقه را شما بردارید و شقهٔ دیگر را من بشرطی که زبان آنرا بدست خودم ببرم و تا چند روزی را که معین نمائیدنگا همیداریم. نصف را شما بهر جائیکه میل دارید ببرید و نصف را من بمنزل خویش برده نگاه‌میدارم. پس از انقضای موعد به بینید در چه حال است»

مسلمانان این پیشنهاد را میپذیرند و فوراً گوسفند کوچکی را ابتیاع و ذبح میکنند ولی قیمت آنرا ملا جمشید میپردازد. یک شقه بجمشید میدهند و شقه دیگر خودشان بر میدارند و میگویند پس از ۳ روز در همین محل بمعرض نمایش میگذاریم. جمشید می پذیرد و با یک شقه گوسفند بمنزل میرود و آنرا در اطاق پرستشگاه خویش میگذارد و هر پنج گاه یشت ویژه روز را میخواند و پسرش خسرو کودک پنجساله به پیروی پدر هر قدر اوستائی که در دوران کودکی میدانست میخواند. اما مسلمانان

* خسرو پسر پنجساله نیز باپدر همراه و شاهد واقعه باشد و اوست دانستانسرای این واقعه بشهادت حاجی سید صادق نامبرده .

شقه سهمیه خود را میبرند در زیرزمین میگذارند که خنک میباشد. پس از یک روز می بینند این و تر شده است آنرا میبرند در پا یاب که خنک تر است. پس از نصف روز می بینند دارد بد تر میگردد دوباره آنرا در آب انبار میبرند که بسیار خنک میباشد وقت غروب گوشت بکلی بو برداشته و گندیده و فاسد میگردد. میآیند بمنزل ملا جمشید که شقه گوشت سهمیه او را معاینه نمایند. ملا میگوید شرط ۳ روز بوده و امروز روز دوم است فردا بیایید و معاینه کنید. آنها میگویند دو روز کفایت است. ملا جواب میدهد بسیار خوب، سران محل و ریش سفید و آخوندهائیکه در روز بحث حاضر بودند بیاورید تا به بینند. میگویند دو سه نفر از ما ها که آمدیم کافی است. ملا جمشید در برابر زور گوئی آنها بیچاره میشود. میگوید خوب پس شقه سهمیه شما کجاست. گفتند نیاورده ایم آمده ایم سهمیه ترا به بینم در چه حال است. بالاخره جمشید گوشت را از اطاق پرستشگاه بیرون میآورد و بدست آنها میدهد می بینند گوشت بکلی خشک و پرده نازکی بروی آن بسته و تازه است. شرمنده شده میروند. ولی در دل براستی و تأثیر کلام اوستا ایمان میآورند و پس از آن هر وقت ناخوش و بیمار میشدند جمشید ملا را دعوت میکردند که اوستا بآنها بخواند و از بخشش یزدانی صحت مییافتند،

پس از در گذشت ملا جمشید کار آذربانی آدریان وابسته به پسرش خسرو میباشد که در زیر دست پدر تعلیم یافته است. او نیز ۷۲ مرحله از زندگی را بپایان رسانیده است. مسلمانان هنگام ناخوشی او را نیز برای خواندن اوستا بمریضان خود دعوت مینمایند و همان تاثیراتی که از اوستا خوانی ملا جمشید میدیدند از پسرش ملا خسرو نیز می بینند. یزدان بیهمتا، پرهیزگاران نیک سیرت را زندگانی دراز ببخشایاد تا راهنمای بشر براه راستی گردند. ایدون ترج باد.

آتشکده های زرتشتیان و تقدیس آن

آتشکده های زرتشتیان باهمیت مقام بسه رتبه تقسیم گردیده است. آتش درگاه ـ آتش آدران ـ آتش ورهرام.

آتش دادگاه: آتش اجاق است که در خانه ها میسوزد و آن آتش خانوادگی است مراسم تقدیس ندارد. روشن نگاهداشتن آتش خانه از اصول دینی است بین هندوان و حتی بعضی از ایلات ایران آتشهائی فروزان است که نسل اندر نسل روشن نگاهداشته شده است حتی بین درویشان خاکسار در ایران آتش ۳۵۰ ساله موجود است که آنرا دوده مینامند. آتش خانواده را جان خانواده میدانند که در هر یک از مخلوقات موجود است. فروزان نگاه داشتن آن در آتشکده، احترام و ستایشی است که نسبت بگوهر زندگی آفریدگان رعایت میگردد.

آتش آدران: رتبه آتش آدران از آتش دادگاه برتر میباشد و مخصوص شهر و بلوک بزرگ است. مراسم تقدیس آن پیچیده و نموداریست از گوهر زندگی افراد. آتشهای مستعملهٔ اصناف گوناگون محل، چه زرتشتی و غیر زرتشتی جمع کرده تقدیس مینمایند. پس از تخت نشین در درمهر بمنزلهٔ روان مقدسی است که در نگاهداشت و احترام آن، بایستی اهتمام بعمل آید، آتش آدران از آتشهای مستعمله در منازل چهار صنف از قرار زیر تشکیل میآبد:

۱ ـ آتش اجاق فرماندار محل ۲ ـ آتش اجاق فرمانده ارتش محل
۳ ـ آتش اجاق قاضی بزرگ محل ۴ ـ آتش اجاق کشاورز محل. سپس در صورت امکان و تمایل آتش مستعمله اصناف دیگر نیز بر آن اضافه مینمایند.

باید دانست در جمع کردن این آتشها، خود اخگر را از اجاق برنمیدارند. بلکه در ظرف دسته داری بنام چمچه که تهٔ آن سوراخهای متعدد دارد، یک تکه پنبه پاک میگذارند و بر آن پنبه چوب صندل یا چوب خوشبوی دیگر که زود آتش میگیرد میچینند و آنرا بر روی شعله اخگر اجاقها بی آنکه با آن تماس حاصل کند، نگاهمیدارند تا از حرارت آن افروخته گردد. سپس این عمل را چندین مرتبه با آتش افروخته شده تکرار مینمایند. پس از آنکه بدین وسیله از وجود ماهیت غیر تصفیه گردید، آتشهارا یکجا نموده، پس از انجام مراسم تقدیس که یکماه طول میکشد، در درمهر فروزان نگاهمیدارند. مراد از انجام مراسم تصفیه، پاک نگاهداشتن روان میباشد که جوهریست علوی و بخشی از روان کل و مطلق.

آتش ورهرام :- رتبهٔ آتش ورهرام از همه آتشها برتر میباشد و بمنزله شاهنشاه روحانی جماعت است، که بواسطه عشق خدمت بآفرینش خود را بمادیات آلوده ساخته است. احترام و ستایش آن مانند احترام و ستایش شاهنشاه کشور برهمه واجب است.

باید دانست شعله را در اوستا برزنگهه میگویند و در پهلوی بره و سپس وره گردید و بشکل ورهران درآمد. آتش ورهرام از آتش ۱۵ پیشه‌ور گونا گون و آتش برق آسمانی تشکیل مییابد. ۱ - آتش کارخانه رنگرز ۲ - آتش اجاق پادشاه یا استاندار یا فرماندار ۳ - آتش کوزه‌گر ۴ - آتش آجر ساز ۵ - آتش اجاق درویش یا صاحبدل ۶ - آتش زرگر ۷ - آتش ضرابخانه ۸ - آتش آهنگر ۹ - آتش کارخانه اسلحه سازی ۱۰ - آتش نانوا ۱۱ - آتش تقطیر ۱۲ - آتش اجاق فرمانده ارتش ۱۳ - آتش اجاق چوپان ۱۴ - آتش اجاق پیشوای دین ۱۵ - آتش برق آسمان ۱۶ - آتش مرده سوز. بنا بنظریه گروه باطنیان خشنوم آتش مرده سوز و آتش برق باید در یک آن جمع گردد. در صورت عدم امکان آتش مرده سوز را بکار نمیبرند.

آتشهای نامبرده پس از سیر از مراسم پیچیده که گفته شد تصفیه و سپس تقدیس میگردد. آتش ورهرام را گوهر زندگی کاینات میشمارند. مراد از آن کلیه موجودات کاینات آنچه نادیدنی و آنچه دیدنی است، همه در رتبه و مقام برابرند. کسی نباید دیگری‌را حقیر و ناچیز بشمارد. همه در نظر آفریدگار یکتا برابرند.

قبل از شروع مراسم تصفیه آتشهای آتش ورهرام، محلی را که برای ساختمان آتش ورهرام در نظر گرفته شده باانجام مراسم ویژه پاک میسازند که پاومل نامیده میشود. سپس هریک از آتشها پس از تصفیه، شش بار باانجام مراسم یزشنی بوسیله دو نفر موبد باجریان امواج کلام مقدس که اوستا. ستوت مینامد پر میگردد. انجام مراسم تقدیس آتش ورهرام یکسال طول میکشد. بعد همه را یکجا کرده، مراسم تخت نشین در آتشدان در برگزار میگردد.

اما سرجمع آوری آتشها از اصناف گونا گون آنست که هنگام اشتغال هریک از ایشان به پیشه خویش، امواج افکار آنها، طبعاً آتش را متاثر و در آن تعبیه میگردد و آتشها نیز مسلماً صاحب امواج افکار همان پیشه وران میگردند.

بنابراین آتشکده و کانون پرستشگاه، از امواج مختلفه پرو نیایش کنندگانی که دارای امواج افکار بخصوصی میباشند از همان قسم امواج موجود در پرستشگاه متاثر و تسلی میبابند.

آتش ورهرام در هندوستان

در هند هشت آتش ورهرام موجود است یک در اودواده و یک در نوساری و چهار در بمبئی و دو در سورت بترتیب تاریخ تقدیس شرح آنرا در اینجا میآوریم.

اودواده آتش ورهرام ایرانشاه

پارسیان ایران در حدود سال ۱۲۰ یزدگردی از کهستان بخش شمالی ایران محض نگهداری دین، بدوری میهن تن در داده، بسوی جنوب رهسپار و بجزیرهٔ هرمز رحل اقامت افکندند. پانزده سال بعد بواسطه نزدیکی سپاه اعراب بجزیره بر کشتی نشسته بدیب واقع در جنوب سند رسیدند. ۱۹ سال بعد چون لشکر اعراب باز در خاک سند بنای تاخت و تاز گذاشتند. از آنجا هم دل بکندند و بر کشتی سوار شدند، تا آنکه بکنار شهر سنجان رسیدند و با اجازه از فرمانروای محل پیاده شدند. ورود آنها بسنجان در حدود سال ۱۵٤ یزدگردی میباشد.

در تاریخ ورود پارسیان به سنجان اختلاف آراء موجود است و بنا بر این در تاریخ تقدیس آتش ورهرام که ۵ سال بعد از ورود اتفاق افتاده نیز اختلاف حاصل میگردد. دستور اسپندیارجی کامدین در کتاب خویش «کسر تاریخ قدیم پارسی» مولفه ۱۸۲٦ میلادی در صفحه ۱۴۹ تاریخ ورود پارسیان را بسنجان سال ۷۷۲ سموات میداند که برابر میشود با سال ۸۵ یزد گردی. بر یک صفحه نسخه خطی قصه سنجان ملکی دستور رستم جی تهمولجی میرزا که در سال ۱۸۱٦ میلادی کتابت شده، تاریخ ورود بسنجان را ۸۹۵ سموات نوشته است که برابر سال ۲۰۸ یزدگردیست. دانشمند ایران شناس خورشید رستم جی کاما در صحت هر دو قول تردید مینماید و بزعم او پس از محاسبات دقیق تاریخ ورود بسنجان سال ۹۳٦ میلادیست که برابر ۳۰۵ یزد گردی میشود. ولی ما چنانکه در صفحه ۴۲ فرزانگان زرتشتی آورده ایم، سال ۱۵۴ یزد گردی را نزدیکتر براستی میدانیم و نظریه دکتر مدی و پی ماستر و منو چهر پندول نیز برهمین منوال است.

در هر حال پارسیان پس از ورود بسنجان در فکر تقدیس آتش ورهرام میافتند، ولی فاقد آلات و اسباب برای انجام تشریفات دینی و تخت نشینی آتش مقدس بودند. لذا چند نفررا از راه خشکی برای آوردن آلات لازمه بخراسان اعزام میدارند. پس از دو سال دسته دیگر از موبدان و بهدینان باتفاق آنها با آلات و اسباب لازمه بسنجان وارد میگردند. هنگام ورود آنها مراسم مخصوص تقدیس آتش ورهرام آغاز میگردد و پس از یکسال و خاتمه تشریفات تقدیس آتش ورهرام، آنرا بیاد ایران و شاهنشاه، ایرانشاه نامور ساخته و در سال ۱۵۹ یزدگردی تخت نشین مینمایند.

چنانکه گفیم تشریفات تقدیس آتش ورهرام یک سال‌طول میکشد و ۱۰ جور آتش از پیشه‌وران گوناگون که در پیشهٔ خود آتش بکار میبرند لازم است، و یکی از آنها آتشی است که از برق آسمانی تولید میشود و از واجبات مهم تقدیس میباشد. گاه میشود برای تهیه آن مدتهای دراز بایستی صبر نمود. چنانکه در تقدیس آتش ورهرام وادیاجی در بمبئی، آتش برق را پس از مدتهای طولانی در کلکته پیدا کرده به بمبئی آوردند و تشریفات تقدیس آغاز نمودند. آتش ورهرام وابسته بایزد پیروزی است و شاهنشاه انوار نامیده میشود. اشعه هیگچونه روشنی چراغ و حتی آفتاب و آتش نباید در محوطه آتش ورهرام بیفتد.

آتش ورهرام نامور بایر انشاه تا هفتصد سال در سنجان مقام داشت و مورد احترام و پرستش سوی زرتشتیان بود و پارسیان در طی آن مدت در آرامش و سکون زندکی میکردند. در سال ۸۵۹ یزدکردی الف خان امیر سپاه سلطان محمود بیگره در لشکر کشیهای خود سنجان را متصرف شد. پارسیان آتش مقدس را برداشته با زن و بچه بکوه بهاروت در ۸ میلی سنجان پنا هنده شدند و آتش مقدس ایرانشاه را در غار آن کوه از نظرها پنهان داشتند. پس از ۱۲ سال و رفع اغتشاش در سال ۸۷۱ یزدکردی به

پانسده شهر پارسی نشین منتقل گردیده و ۱۴ سال بعد در سال ۸۸۵ ی آنرا در نوساری مستقر ساختند. زیرا اکثریت گروه پارسیان در آن شهر میزیستند ولی در سال ۱۱۰۲ یزدگردی بواسطه یورش سپاس مراته بنوساری و چپاول و غارت آنها، ایرانشاه را بسورت نقل مکان دادند. سه سال بعد پس از عقب نشینی سپاه مراتـه و حصول آرامش دوباره بنوساری منتقل گردید. در آن زمان در مورد خدمت آذربانی و بخش در آمد تشریفات دینی در آتشکده بین گروه موبـدان مناقشات و مشاجرات تولید گردید. موبدان سنجانا که نیاگان آنها در قدیم آتربان ایرانشاه بودند، آتشکده را مال خود میدانستند و باصدور حکم دادگاه بنفع خود آنرا در سال ۱۱۰۵ ی از نوساری به بلسر منتقل و دو سال بعد در سال ۱۱۱۲ یزدگردی در شهر اودواده جایدادند و اینک در همان شهر تخت نشین میباشد. پارسیان در روزها وماههای گرامی بخصوص اردیبهشت و آذر از راه دور و دراز بزیارت آن محل مقدس که بیاد شاهنشاه ایران نامگـذاری شده است میشتابند و براز و نیاز و بندگی اهورامزدا میپردازند.

چندین کاخ نشیمن ایرانشاه در زمان مختلف بوسیله دهشمندان ساخته شده است. نخستین کاخ ایرانشاه ساختمان کوچکی بود که بهدین منوچهر بهمن مقیم قریه نارگل بساخت. سالیان دراز بعد بهدین بـیکاجی ایدلجی مقیم سورت ساختمان بزرگی برای تخت نشینی ایرانشاه بنا نمود. بعدها دادی باهی منوچهر جی پستن جی وادیا. کاخ بسیار بزرگی برای ایرانشاه ساختمان کرد. کاخ فعلی ایرانشاه که در آن تخت نشین میباشد، بوسیله موتلا بائی جهانگیر جی وادیا یکی از بانوان دهشمند بمبئی ساخته شده و در سال ۱۲۶۳ یزدگردی تخت نشین گردید.

نـوساری

چنانکه گـفتیم آتربانان سنجانا در سال ۱۱۰۵ یزدگردی بواسطه اختلافات اقتصادی از در آمد آتشکده، ایرانشاه را از نوساری ببلسر منتقل

و سپس در اودواده مستتر ساختند. مردم نوساری هم بیکار ننشستند و در بنیاد آتش ورهرام در شهر خویش بکوشیدند و در سال ۱۱۳۴ یزدگردی آتشهای گوناگون که برای بزرگ گردن آتش ورهرام برابر آئین دین لازم است جمع نمودند و در روز اورمزد امشاسفند و تیر ماه همان سال برابر ۲۵ ژانویه ۱۷۶۵ م یکصد نفر موبد پرهیزکار ویوژداثرگر تا ۳۲۲ روز بانجام تشریفات دینی برای تقدیس آتش مقدس پرداختند و پس از پایان آداب نامبرده در روز سروش ایزد و اردیبهشتماه ۱۱۳۵ یزدگردی آنرا در ساختمان مختصری که خورشید جی تهمولجی دهسائی ساختمان نموده بود تخت نشین نمودند. پس از گذشت ٤۵ سال چون بنای آتشکده متزلزل میگردد، آقایان منوچهرجی خورشید جی دهسائی و نسروان جی مانکجی وادیا ساختمان جدیدی میسازند و بروز دین ایزد و اردیبهشتماه سال ۱۱۸۰ ی دوباره با انجام آداب بخصوص آنرا تخت نشین مینمایند. در حدود صد سال بعد چون ساختمان آتش ورهرام نزدیک بویرانی میرسد. آقای پهالنجی پلمبر کنتراکتر یک ساختمان باشکوه و زیبائی از کیسه فتوت خویش برای کاخ آتش ورهرام نوساری بساخت و در سال ۱۲۹۱ یزدگردی گشایش یافت این ساختمان بسیار زیباست و نمای آن از کاخ ایرانشاه برتر و بالاتر است.

بمبئی

آتش ورهرام شت دادی باهی نسرانجی دادی سیتهِ - تقدیس بروز سروش ایزد و فرور دینماه ۱۱۵۳ی برابر ۲۹ سپتامبر ۱۷۸۳م. بر لوح آن اشعار زیر نقر شده است.

بنام خداوند هر دوسرای بنیکی همه بنده را رهنمای
خداوند داد و خداوند دین بری ذاتش از عیب و نقص و قرین

از او بر زراتشت پاکیزه نام   درود و تحیات بادا مدام
شد از بهر ترویج دین بهی   بنـــای خجسته عبـــادتگهی
بنائی چو جنت رفیع و بلند   ستایشگهٔ داور ارجمنـــد
بنـــا کرد دادی بهٔ روزگار   ز نوشیروان در جهـــان یادگار
نهال شریعت از او تازه شد   بهی دین دگر ره پر آوازه شد
خدایا مراو را تو پاینده دار   بدولت و را در جهان زنده دار
زگردون رسد نیک آوای او   بعقبی گرو ثمان بود جای او
شد انجام این جای نیکو نهاد   بتـــدبیر دستور کاوس راد
چو جستم مه و روزش از عقل و هوش   مه فرودین بود و روز سروش
بدانش چو پیروزسالش بجست   بآتش ورهـــرام آمد درست

آتش ورهرام نامبرده چنانکه در تاریخ بمبئی آمده و ملا فیروز درباد داشتهای خودثبت نموده است یک میل دور از شهر بمبئی در باغ باصفائی ساخته شده است . در طی کمتر از دو قرن شهر بمبئی چنان بزرگ و پر جمعیت شده که اینک در پر جمعیت ترین محله شهر واقعست .

سورت

آتش ورهرام دادا باهی نسروانجی مدی . تقدیس بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۱۹۳ ی برابر ۱۹ نوامبر ۱۸۸۳ م . چون خلل در ساختمان آن پدید آمد موتلا بائی جهانگیر جی وادیا تعمیر نمود . آتش ورهرام پستن‌جی کالا باهی وکیل . تقدیس بروز اردیبهشت امشاسفند و تیر ماه ۱۱۹۳ ی . برابر ۱ ربیع‌الآخر ۱۳۳۹ هق و ۵ دسامبر ۱۸۲۳ م .

پیش از تقدیس این دو آتش ورهرام مشاجرات و منازعات سختی بین پارسیان سورت در گرفت و منجر باقامه دعوا در دادگاه گردید شرح آنرا ما در نامه ، ماهانه هوخت دوره ۱۱ شماره ۲ صفحه ۲۵ داده ایم .

آتش ورهرام شت هرمز جی بهمن جی وادیا واقع در دوبی تلاو تقدیس و تخت نشین بروز سروش ایزد وارد یبهشتماه ۱۲۰۰ی برابر ۱۷ نوامبر ۱۸۳۰ م .

آتش ورهرام شت کاوسجی بهرامجی بناجی واقع در چرنی رود . تخت نشین و تقدیس بروز سروش ایزد و تیر ماه ۱۲۱۵ ی برابر ۱۳ دسامبر ۱۸۴۵ م . تاریخ ایجاد این آتش ورهرام دلکش میباشد مختصر آنکه فرزند بانی آن تا دو سال در غربت گرفتار و والدین از او بیخبر بودند روزی دادی سیتهه بانی آتش ورهرام قدیمیها با و بشارت و تسلی میدهد که تا یکماه خبر از فرزندش خواهد رسید . بفرمان یزدان پس از ۱۵ روز پسر ورود منزل پدر میگردد . لذا بناجی تقویم قدیمی را پذیرفته و بشکرانه و درو پسر در تقدیس آتش ورهرام همت مینماید .

آتش ورهرام انجمن واقع در دوبی تلاو . تقدیس بروز اردیبهشت و اردیبهشتماه ۱۲۶۷ یزدگردی برابر ۱۷ اکتوبر ۱۸۹۷ م . در سال ۱۲۵۲ یزدگردی بین موبدان گروه بگریا و سنجانا اختلاف رای پیداشد . هر دو گروه در آتش ورهرام وادیا کار میکردند و تشریفات دینی بجا میآوردند در آن زمان موبدان گروه شاهنشاهی در پرستشگاهای قدیمیها تشریفات دینی بعمل نمیآوردند . در آن وقت که اختلاف بین موبدان شاهنشاهی رویداد . موبدان گروه بگریا که از نوساری میباشند از آتش ورهرام وادیا خارج شدند و باکسب اجازه از دادی سیتهه بهآتش ورهرام قدیمی روی آوردند و تشریفات دینی خود را در آنجا بجا می آوردند آنگاه شروع نمودند بتهیه بودجه برای ساختن و تقدیس آتش ورهرام دیگر که بنام آتش ورهرام انجمن چنانکه در بالانوشته ایم معروف است زیرا ساختمان آن بهمت و

پول عموم جماعت ساخته شده است. پس از آنکه آتش ورهرام تقدیس گردید گروه بگریا بآن آتش ورهرام رفتند. محل آتش ورهرام درست مقابل آتش ورهرام وادیا میباشد.

آتش ورهرام در ایران

در ایران دو آتش ورهرام موجود است یکی در شهرستان یزد و دیگری در استان کرمان. آتش ورهرام یزد بسیار قدیمی است و از روزگار ساسانیان تقدیس شده. بسیار نقل مکان داده است جایگاههای آن در کجا هابوده بدرستی معلوم نیست. همینقدر خبر در دست است که در اوایل حمله اعراب به یزد سی سال آتش ورهرام در غار شگفت کوه بنزدیکی عقدا از نظرها پنهان و بعد از آنکه آرامش دست داد آنرا از غار بیرون آوردند. شهر یزد در آن زمان کجا بوده بر ما معلوم نیست نصف بیشتر شهر یزد کنونی بخشهای زمین شهر کثنویه میباشد که در آن عهد شهرت خاصی داشته و جغرافی نویسان از آن یاد کرده اند. مهریز، خورمیز و مهرگرد، از شهرهای قدیمی است، که در زمان ساسانیان یا قبلاً احداث شده است. آثار یک دخمه بسیار کهنه در پلنک کوه نزدیک مهریز موجود است که گویای سکونت زرتشتیان در سده های بعد از اسلام در آنجاست بنا بر این آتش ورهرام و درمهرهای دیگر نیز بایستی که در این شهرها که چهل کیلومتری یزد کنونی است بوده باشد که آثارش در دست نیست. یحتمل آتش ورهرام یزد، در این شهر و یا در فهرج و خویدک بوده، جائیکه زرتشتیان و اعراب در پیکار سختی در آن حوالی، کشتارها داده اند.

بنای آتش ورهرام چنانکه از قرائن برمیآید و گفته شد در کثنویه بوده و در حدود سال ۵۱۳ هـ بمسجد جامع تبدیل گشته است. ترکاباد قریه ایست در چند کیلومتری شریف آباد و چنانکه گفتیم بسال ۷۵۰ هجری

احداث شده است. روستای نامبرده بعدها مرکز مهم زرتشتیان گردیده و دستوران دستور ایران در آنجا اقامت داشت. آتش ورهرام بنا برقانون دین باید در جائی باشد که نشیمن موبدان موبد است. در نامه مورخه بهمن امشاسپند و اردیبهشتماه ۱۰۰۵ یزدگردی از سوی دستوران ایران مقیم ترکاباد بدستوران و پارسیان هند چنین آمده «بهدین مهر نوش از خطه گجرات هندوستان بخطه باصفای شیراز آمده و از آنجا خوانی از ارمغان، برای‌دستور زمان ساکن ترکاباد تحفه ارسال و هزار دینار (یکقران) برای نذرآتش بهرام فرستاده است.»

بنا بر این قبل از سده هشتم هجری محل آتش ورهرام یزد کجا بوده بر ما آشکار نشده است. نامه ای که در سال ۱۱۴۲ یزدگردی موبدان یزد بمصحوب ملا کاوس بهند میفرستند از شهر یزد نوشته شده است. ولی نامه های قبل از آن که از سال ۸٤۷ یزدگردی شروع میشود همه از ترکاباد و بعضی از شرفاباد و کرمان میباشد. آتش ورهرام بطور یقین قبل از سالهای ۱۱۴۲ یزدگردی باید بشهر یزد نقل مکان داده باشد، زیرا موبدان وقت در شهر یزد جواب نامه پارسیان هند را مینگارند.

آتش ورهرام یزد، در کوی موبدان در منزل بسیار حقیری تخت نشین شده بود. شت نوشیروانجی کوهیارجی مقیم سورت با هزینه خویش ساختمان باآبرومندی برای آن درست مینماید و نیز باغ پر درآمدی معروف بباغ چنار در یزد میخرد و وقف آتش ورهرام مینماید که درآمد آن بهزینه سوخت و روغن آن برسد. آتشدان آتش ورهرام از یک سنگ بسیار بزرگی تراشیده و در وسط آتشکاه نصب نموده بودند. تعمیر و ساختمان نامبرده بوسیله مانکجی هاتریا در سال ۱۲۲۵ یزدگردی، وقوع پیوست و لوحی بعبارت زیر در آنجا نصب گردیده:

بنام ایزد بخشاینـده مهربان ـ در عهـد دولت دوران مدت پادشاه جمجاه ناصر الدینشاه قاجار خلد الله ملکه بیمن همت خیر اندیشان سلیله کیان زراتشتیان متوطن هندوستان رعیت دولت جاوید مدت عدالت بسطت بهیهٔ انگلیس ادامه‌الله ملکه بخوشنودی یزدان پاک و پیغمبران برحق این منزل شریف بجهت رفاهیت و فراغت طایفه کیانی و همکیشان خود از سکنه ایران پارسیان دار العباده یزد خاصه موبدگاه و محل عبادت و آسایش دار القرار و خواندان گهنبار و جمع شدن انجمن ساخته و پرداخته شد. بتاریخ روز سروش ایزد از مهر ماه قدیم سنه ۱۲۲۵ یزدجردیه مطابق سنه ۱۲۷۲ هجریه موافق سنه ۱۸۵۵ عیسویه بسعی و اهتمام حقیر فقیر سراپا تقصیر بنده خاکسار ربانی و امیدوار رحمت یزدانی درویش فانی مسافر مانکجی ابن لیمجی ولد هوشنگ هاتریا فارسی الاصل هندوستانی المسکن.

سپس ۴۵ سال بعد تعمیر و لوح زیر در آنجا نصب گردیده :ـ

یاهو ـ بنام یزدان توانا آمرز شکردار ـ بیاری پاک یزدان مهربان و رضا جوئی وخشور وخشوران در عهد خسرو دادگر مظفر الدینشاه قاجار خلد الله ملکه این خجسته مکان آتش ورهرام که برای بجای آوردن کارهای شایسته دینی هنگام پیش بنیاد شده است. اطاق ارویسگاه که یزشن خانه است تعمیر و سفیدکاری وغیره و اسبابهای لازمه و دروب و تعمیر اطاق فرخنده او ندوهم تمام این منزل مینونشان از زر و ارزش بهدین راد اردشیر بن کیخسرو گشتاسب یزدی که جای گزین بمبئی است بکوشش خدا بخش و جمشید ولدان موبد کیخسرو و موبد خداداد از نو بطرز شایسته تعمیر شد که موبدان و بهدنیان گاه آمد و رفت و یزشن و نیایش وادای فرائض صاحب خیر را به نیکی یاد و از یزدان آمرز شگر آمرزش روان خود و نیاگان و خویشانش را خواستار آیند. بتـاریخ روز ارد ایـزد و فرور دینماه باستانی سنه ۱۲۸۰ یزدگردی مطابق ۱۳۱۸ هجری.

نیم قرن بعد دهشمند دیگر پارسی در مهر تازه در قریه مبارکه بوسیله روانشاد مرزبان ظهراب کسنویه ساخت و چندین جره میاه و قسمتی

از اراضی مبارکه را برآن وقف نمود. شرح این واقعه در فرزانگان زرتشتی آمده است. سالها بعدتر شت خورشید جی کاوس جی بنا جی بادهش خویش بتوسعه ساختمان آتش بهرام اقدام نمود و مقداری از آب مبارکه را ابتیاع و برآن وقف نمود. اجاره میاه مبارکه و باغ چنار قریب صد سال پیش بدویست تومان میرسید. برای آنکه آتش ورهرام برای سوخت و مخارج روز مره و آتربان خدمتکار در مضیقه نباشند سالیانه پنجاه روپیه نقداً به یزد میفرستاد پس از او فرزنرانش نیز شیوه مرضیه پدر را جاری داشتند. باغ چنار پس از چندی بواسطه بی آبی خشک شد و کهنبارهائیکه بروانشادی شت نوشیروانجی کوهیارجی و شت ایدلجی فرامجی بنگالی و بانو جی‌بائی پشوتن‌جی برگزار میشد دچار اشکال مالی گشت. خبر این پیشآمد به سردینشاه پتیت رسید فوراً بسال ۱۲۶۰ ی قرار پرداخت صدو بیست روپیه سالیانه به یزد و کرمان را بداد که بهزینه سوخت آتش ورهرام هر دو شهر برسد و قرارداد را طوری نهاد که هر ساله در نوروز پول بدست آترنابان هر دو محل برسد. در آبانماه سال ۱۳۰۳ ی سنگ بنای ساختمان جدید آتش ورهرام یزد بهزینه انجمن اکابر صاحبان پارسی بهند گذاشته شد و موقعیت آن در محل بسیار خوبی است و دستور خداداد نریوسنگی از مردم شریف آباد آذربان آن میباشد و لوح زیر برآن نصب است.

زمین زیر ساختمان و چهار دیوار این جای پاک آتش‌ورهرام انجمن پارسیان بمبئی را دهشمندان زیر نیاز نمودند. برادران امانت بنامگانه پدر خودشان شادروان اردشیر مهربان رستم ۳۷۶۷ گز (۲) شادروان دستور رشید دستور شهریار بنامگانه پدر خود دستور شهریار دستور نامدار و مادر خود سرور دستور بهمن ۱۴۶۵ گز (۳) دستور نامدار پور شادروان دستور شهریار بنامگاه فرزند ناکامش شادروان بهمن ۱۱۳ گز. اهورا مزدا روان همگان را آمرزش دهاد. سالمه فروردین ۱۳۲۱

دولت هند هنگام آزادی از یوغ استعمار دولت انگلستان نظر بموقعیت اقتصادی قانون کنترول ارز خارجی را وضع و هر ساله دایره آنرا تنگتر ساختند چنانکه در این اواخر اجازه فرستادن سود خیریه های انجمنهای پارسی بخارج نمیدهند که بمنظور کمکهای فرهنگی، بهداشتی و دینی بهمکیشان خود در ایران بنیاد گذارده شده است. بنابراین بنگاههای خیریه زرتشتیان یزد در موقعیت بسیار خطرناکی واقع گردیده است. همینطور موقعیت هزینه آتش ورهرام یزد. اما خوشبختانه برادران نیکوکار آقایان ارباب فریدون و ارباب مهربان زرتشتی فرزندان جمشید زرتشتی هزینه سوخت و برق و آب و تعمیرات و نگاهداری و حقوق موبد آتش ورهرام یزد را متقبل و سرپرستی آنرا برعهده خود گرفته اند. از خداوند توانا توفیق همه نیکوکاران و دهشمندان را خواهانیم.

آتش ورهرام کرمان

آتش ورهرام کرمان را دستور رستم پور بندار پور مهرگان، در روزگار شاه عباس صفوی بسال ۱۰۱۴ یزدگردی ساختمان نمود و آتش مقدس را در آنجا تخت نشین و سنگ نبشته زیر در آنجا نصب کرد:

بنام ایزد عصر شهنشاه صاحب قران — آفتاب‌اقبال کیوان امد و برجیس امتحان
کد خدای شهر انصاف‌وخدیو ملک عدل — زافریدون بهتر و افزون تر از نوشیروان
مالک کیهان شهنشاه جهان عباس شاه — قاتل تورانیان و قبلهٔ ایرانیـــان
از امیران و دلیران کایستاده بر در از — بهرخدمت‌خودچگویم‌بلکه‌هم خیل شهان
درچونین عهدی‌اگر بر سر نشد طاق جنان — ازشرف‌نبودعجب خاصه در دارالامان
خانقاه و مسجد و حوض‌ورباط و میل پل — نیزهریک‌ساخت‌اینجایافت مزدآنجاجنان
ایکه‌زیرطاق محرابی برو پر چین ببین — ازغرورباز آی، کان‌گاه طاعتت یابد قران
عرشه ماگشت پیشانی به نیت پاک دار — باحذرباش‌ازخدنگ‌غیب این ابرو کمان

ای‌ردان و موبدان این خانه دیگر خانه‌ایست | دل مگردان جز بتسبیح و ستایش بر زبان
این سرا صورت نخواهد زانکه جای سیرت است | خانهٔ مهر است کی گنجد در این نقش ردان
خانهٔ هست این بنا از جمله تصویر ها | چون ضمیر روشن و چون سینهٔ صافی دلان
تاب باور های رؤیائی ندارد این مقام | باش عارف ور نه خیز و کن بتک بار گران
این اطاعتگاه را بهر دعای خیر ساخت | از زر خود رستم بندار ابن مهرگان
مرزبان جست از خرد سال بنایش گفت باد | پایهٔ این طاق نو تا سالهای جاودان
(۱۰۱۴ ی)
پرسی ار تاریخ هجری گوی شد ثبت از قدیم | دیده منت گفتمت از شعر صاف مرزبان
(۱۰۵٤ ه)

اما چون ساختمان آن روی بخرابی نهاده بود ، روانشاد مانکجی لیمجی هاتریا بادهش انجمن اکابر صاحبان پارسیان هند بسال ۱۲۲۸ی آنرا از نو ساختمان کرده سنگ نبشته زیر را در آنجا نصب نمود :

« در خجسته هنگام پادشاهی خسرو فیروزگر ناصرالدین شاه قاجار این خانه مینونشان که پرستشگاه والا یزدان است از یاوری ارزانش خداوندان داد و دهش انجمن زردشتیان هندوستان که از پارسیان نژاد باستان ایران اند ، بمیانجی و کوشش بهدین ستوده آئین مانکجی پور روان بهشتی لیمجی هوشنگ هاتریای هندوستانی پارسی نژاد برای انجمن زردشتیان ایران درشهر کرمان ساخته و پرداخته شد .

« این فرخ ده کده از برای چندکار نامزد گردید . نخست آنکه مردم زردشتی در این پاک جای نماز خدای مهربان و ستایش آفریننده جهان را بجای آورند . دوم دبیرستان باشد و زردشتیان در اینجا آمده دانش آموز و هنر آموز شوند . سوم جای گهنباز خواندن و ارزانش بارزانیان زردشتی دادن بود . چهارم جز از هنگام گهنبار هر گاه دیگر هر زردشتی که خواهد در اینجای آفرینگان بخواند و دهش و بخشش بموبد و درویش و ناتوان نماید . پنجم برای فراهم آمدن و همداستان شدن کسان پنچایت و انجمن ساختن زردشتی گروه و آراستن بزم نوسیره در هرسگه

دین مزدیسنی ششم جای پیراستن بزم شادی برای گواه گرفتن و پیوند دادن پسران و دختران زردشتی و مانندهٔ آن. دیگر کارهای شایسته دین فرمای شایسته است.

«انجام یافت در روز پنجشنبه و ورهرام ایزد اژ اردیبهشتماه قدیم سال ۱۲۲۸ یزدگردی بنابر ششم ماه ربیع‌الاول سال ۱۲۷۵ هجری همبار بر چهارده ماه اکتوبر سال ۱۸۵۸ عیسوی بخط بنده کمترین وهدین بهروز ابن اسکندر ابن گشتاسب کرمانی.»

پس از وفات موبدان موبدکرمان دستور رستم پور دستور جهانگیر بسال ۱۲۷۰ نگهبانی آتش‌ورهرام، چون در محله کلیمیان واقع گردیده بود دشوار گردید. لذا آذر مقدس آنجا بوسیله موبدان کرمان و قنات غسان بدرمهر نوساز محله شهر منتقل گردید و آن در کوچه دبیرستان ایرانشهر و بین گروه زرتشتیان واقع میباشد. درمهر نامبرده، که اینک آتش ورهرام بروز سروش ایزد و مهر ماه قدیم ۱۲۹۳ یزدگردی دوباره در آنجا تخت نشین شده، از دهش موبد رستم مرزبان کرمانی است که بنامگانه خواهرانش شیرین و سرور ساختمان نموده است.

سنگ نبشته دستور رستم بندار مهرگان و مانکجی لیجی هاتریا هر دو در این آتش ورهرام جدید دوباره نصب گردیده است.

ماری بویس بانوی ایرانشناس انگلیسی در مجله اکتا اورینتلا ××× مورخه ۱۹۶۶ میلادی در مقاله خویش در مورد آتشکده های کرمان از گفته آقای خدایار هرمزدی نوهٔ دستور رستم آخرین موبدان موبدکرمان مینویسد که بنابر خبری که از پدر روانشادش موبد کیخسرو شنیده نیاگان او از مردم خراسان و مستقیماً بکرمان پناهنده نشده اند. دو نفر برادر از این خاندان در نیمه سده دوم هجری باتفاق یکدیگر بسمت مازندران و آذربایجان رهسپار میگردند. چندین نفر از توانگران آنها گویا در آخر

سده دوم یا اوایل سده سوم هجری باصفهان کوچ میکنند و یک یا دو نفر از آنها باشنده آنجا میگردند. اعضای دیگر این خاندان در روزگاران بعد به یزد مهاجرت و در روستای ترکابا. رحل اقامت میافکنند. دو نفر از اعضای این خاندان، در هنگامی که از تاریخ آن بیخبر میباشند بکرمان رهسپ ر و بنیاد گذار خاندان موبدان موبدی کرمان میگردند، و چون صاحب گله ور مه بیشماری بودند بنام دستور گله‌دار نامور گردیدند نسل آنها تا سدهٔ اخیر بمقام موبدان موبدی کرمان برقرار بودند.

ماری بویس گفته آقای هرمزدی را در اینجا بپایان میرساند و چنین ادامه میدهد که بنا بخبری که از زرتشتیان کرمان بدست آورده، موبدان‌موبد آن شهر بنام مجلسی تقریبا در هفتصد سال پیش اسلام میآورد مردم کرمان بناچار یکنفر موبد را از خاندان موبدان‌موبد از خراسان بکرمان دعوت نموده رتبه موبدان موبدی را باو میسپارند و فرزندان او نسلاً بعد نسل تاسده اخیر موبدان موبدی کرمان را داشته اند وانیکه موبد خراسانی هنگام ورود بکرمان مدعی بوده که نیاگان او موبدان موبد خسرو پرویز بوده اند.

چنانکه دیده میشود گفته های بالامتضاد است. بگفته آقای هرمزدی نیاگان او موبدان‌موبد یا دستور بزرگ کرمان از ترکاباد یزد بکرمان رهسپار شده اند. اگر این گفته درست باشد، بایستی این خاندان لا اقل چهار صد سال پیش از ترکاباد بکرمان رفته باشند. زیرا که روستای ترکاباد که نشیمن دستوران دستور ایران بود در حدود سال ۷۵۰ هجری هجری (۷۱۸ ی) بامر خوانزاده خاتون و مخدومزاده خاتون دختران مبارزالدین محمد فرمانروای یزد (متوفی ۷٦۵ هق) احداث گردیده است و چنانکه در برگهای گذشته اشاره کردیم یحتمل موبدان شهر کثنویه و یا آنکه موبدان شیراز که دستوران دستور نشین ایران بود بتدریج ترکاباد را نشیمن خود

قرار داده بودند و یا آنکه موبدان و زرتشتیـان مقیم اصفهـان پیش از روزگار صفویه اصفهان را ترک و بآنجا و شرفاباد محدثه سده هشتم هجری پناهنده شده باشند. شاه عباس صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هق) در دوره زمامداری خویش بنا بمندرجات نامه های پارسیان ایران بهند بویژه نامه مورخه تیرما ۹۹۶ ی گروهی از زرتشتیان را از یزد و کرمان در اصفهان و قزوین نشیمن داد. از زرتشتیان قزوین و سر انجام آنها بیخبریم اما زرتشتیان مقیم اصفهان در روزگار شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۶-۱۱۲۵ هق) قتل عام گردیدند موبدان‌موبد آنجا بنام دستور کاوس مشهور بنوروز زنده با آتش مقدس به یزد فرار کرد و بسیاری هم اسلام آورده از خطر مرگ نجات یافتند. فرزندان آنها هنوز هم در حسین‌آباد که همان گبرآباد قدیم است بنام جدید الاسلام خوانده میشوند.

گفته دیگر ماری بویس برانیکه ۷۰۰ سال پیش موبدان‌موبد کرمان بنام مجلسی اسلام اختیار کرده معقول بنظر نمیرسد اولاً آنکه مجلسی نام زرتشتی نیست و شاید نام مسلمانی او باشد و اسلام آوردن موبدان‌موبد کرمان بنام دستور بهمن و دستور دیگر در یزد واقعه ایست که بگفته فرزانه ما فکجی لیجی هاتریا قبل از روزگار قاجاریه و دوره کریم خان زند اتفاق افتاده است باید توجه داشت که فرزانه مانکجی یکصد سال پیش بلکه بیشتر آن واقع را از زبان مردم کرمان شنیده و در رساله خود بنام مقدمه فرازستان یاد نموده است. رساله نامبرده هنوز بچاپ نرسیده و بنشانی (HP. ms 112) در بنگاه خاور شناسی خورشید جی کاما بـا یگانی است واکر در مورد اسلام آوردن مجلسی هم خبری شنیده بطور حتم آنرا یاد داشت میکرد.

بنظر نگارنده گفته آقای هرمزدی دایر بر مهاجرت نیاگان او از خراسان بمازندران و آذر بایجان در نیمه دوم سده دوم هجری محل تردید

است زیراکه اعراب بسال ۱٤۵ هق مازندران و گرگان را متصرف و اسپهبد خورشید دابویه بـا خوردن زهر سلسله گا و باره را بآخر رسانید. اعراب در آن نقاط از جبر و ظلم و دست درازی بناموس مردم هیچ فروگذاری ننمودند. لذا بعید بنظر میرسد موبـدان‌موبد خراسان بآن سمت رهسپار شده باشد. افزون بر این در آن روزکار آمد و رفت زرتشتیان خراسان با هند برقرار بود و مهاجرین زرتشتی بآنجا پنا هنده میشدند. چنانکه پارسیان بورود بسنجان چون بفکر تقدیس آتش بهرام نامور بایرانشاه افتـادند چند نفر را برای آوردن آلات لازمه برای انجام مراسم بخصوص بخراسان فرستادند و جماعتی هم از خراسان باتفاق آنها بسنجان رسیدند و باب مکاتبات بین آنها با زرتشتیان خراسان تا سده هفتم یزدگردی برقرار بود. صاحب قصه سنجان در این مورد گوید:

بآن آلات کان بد از خراسان   عمل کردند آنجا بی هراسان
که چندین قوم دستوران و بهدین   در آنجا آمدند آن پاک آئین
بدش همراه چندین کیمیا گر   بر ایشان کرده آسان لطف پرور
بسا از برگ و ساز آورده بودند   بحکم دین همان آتش نمودند

دکتروست در نامه خویش مورخه ۱۰ ژوئن ۱۸۹۸ م بمنوچهرجی پهالنجی کوتر در مورد آمد و رفت و مکاتبات پارسیان هند با زرتشتیان خراسان و سیستان صحبت میدارد و متاسف است که نامه های نامبرده راه نیستی پیموده و در ضمن در شگفتی است که تـا یک سده قبل از سال های ۸٤۷ ی علت عدم مراوده پارسیان با ایران چه بوده زیرا که پس از آن سال مکاتبات با یزد و کرمان شروع شده است.

ازانیکه خاندان موبدان‌موبد کرمان از خراسان آمده اند جای هیچگونه تردید نیست. کاروان مهاجرین زرتشتی از نقاط مختلفه ایران بـه یزد و

کرمان از پانصد سال پیش آغاز گشت و بنا بخبر درست در درست آخرین دسته مهاجرین زرتشتی فارس در دویست و پنجاه سال پیش به یزد وارد و در روستاهای آنجا بزندگانی پرداختند.

در مهرهای موجوده در گیتی

هندوستان

بمبئی :

در مهر کاوسجی بهرام جی بناجی ـ در کرل وادی، تقدیس ورهرام ایزد و فروردینماه ۱۲۱۴ی

در مهر خورشیدجی مانکجی ـ در فارت بسیار قدیمی است و بسال ۱۱۵۹ی ساخته شده و پس از تعمیر تقدیس بروز اشتاد وارد اردیبهشتماه ۱۱۸۶ی

در مهر موبدان گوداوره ـ در فارت، تقدیس بروز اردیبهشت وامردادماه ۱۱۹۵ی. درمهر نامبرده بوسیله مرحوم سرجمشید جی جی جی باهی دوباره ساختمان گشت، گشایش باد ایزد و مهر ماه ۱۲۲۹ی.

در مهر دادا باهی نوشیروانجی معروف بدادی شت. درفارت، تقدیس بروز سروش و فروردینماه ۱۱۷۳ی.

در مهر پیروز بائی دادا باهی مانکجی وچاـ فارت، تخت نشین بروز اردیبهشت و آذر ماه ۱۲۵۰ی

در مهر بناجی لیمجی. فارت، تخت نشین بروز آدر ایزد و آذر ماه ۱۰۷۸ی. پس از ۱۳۶ سال با تجدید ساختمان، گشایش ۱۵ آوریل ۱۸۴۵ میلادی.

در مهر منوچهرجی خورشید جی لنگره ـ فارت، تخت نشین بروز دیبمهرومهر ماه ۱۲۱۷ی. پس از تعمیر بوسیلهٔ نوشیروان جی گودی والا، گشایش بروز آبان ایزد و آبانماه ۱۲۶۴ی.

در مهر مانکجی نوروز جی ستنه. فارت، تخت نشین بروز آدر ایزد و آذر ماه ۱۱۰۲ی، تعمیر ثانوی بوسیلهٔ زال اردشیرشت و گشایش بسال ۱۲۶۱ی.

درمهر جهانگیر جی نسوانجی وادیا. فارت، تقدیس بسال ۱۲۳۲ی.
درمهر هیرجی وچا مدی. فارت، تقدیس بسال ۱۰۴۱ی.
درمهر جیجی‌باهی داداباهی - قلابه، تخت نشین بروز سروش ایزد و شهریور ماه ۱۲۰۵ی.
درمهر کاوسجی مانکجی اشبرن - کتواری، تخت نشین بروز آذر ایزد و آذر ماه ۱۲۰۱ی.
درمهر پالنجی کاما - چرنی رود کامه باغ، تقدیس بروز سروش ایزد و آذر ماه ۱۲۳۸ی.
درمهر دادابهی پستنجی وادیا و منوچهر پستن‌جی - لعل باغ، تقدیس بروز ورهرام ایزد و بهمنماه ۱۲۰۳ی.
درمهر اسلاجی بیکاجی، تقدیس بسال ۱۲۳٤ ی.
درمهر سهرابجی هرمزجی رانجی. گرنت رود، تخت نشین بسال ۱۲۳۷ ی.
درمهر سهرابجی وچاگندی. چوپاتی، تقدیس بروز دیبمهر ایزد و اسفند ماه ۱۲۲۷ ی.
درمهرهرمزجی بهمن‌جی وادیا. چندن وادی، تخت نشین بروز ورهرام ایزد و اردیبهشتماه ۱۱۷۵ ی.
درمهر ویژه موبدان بهگرست. چندن وادی، تقدیس بروز دیبآدر و اسفند ماه ۱۲٦۵ ی.
درمهر بهرامجی کاوسجی باتلی والا. ناردو، تخت نشین بروز ورهرام ایزد و شهریور ماه ۱۲۳۴ ی.
درمهر نوشیروانجی و برزوجی منوچهرجی وادیا. پرل، تقدیس بروز ورهرام و بهمنماه ۱۲۳۲ ی.
درمهر پرورشگاه جمشید جی نوشیروانجی پتیت. پرل، تقدیس بسال ۱۲۵۸ ی بعدها بپونه منتقل گردید.

درمهر مهربانجی مانکجی پتل. گرنت رود تقدیس بروز سروش و فروردینماه ۱۱۷۷ ی. هنگام انتقال آن از بهندی بازار به گرنت رود، دین بائی نوشیروانجی پتیت آنرا ساختمان نمود.

درمهر بهمن جی مهربانجی میوه واله. بایکله، تقدیس بروز سروش و تیرماه ۱۲۲۰ ی.

درمهر داداباهی جمشیدجی گامادیا، مژگان، تقدیس بروز خورشید ایزد و خرداد ماه ۱۲۱۵ ی. فرامجی پتل آنرا دوباره ساختمان کرد.

درمهر رتن بائی کاوسجی جهانگیرردیمنی. مژگان، تقدیس بروز گوش ایزد و آبانماه ۱۲۳۶ ی.

درمهر جمشید جی دادابامی امریا. مرین لینس، تقدیس بروز زامیاد و اردیبهشتماه ۱۲۴۴ ی.

درمهر هرمزجی دادا باهی شاعر. مهالکشمی، تقدیس بروز سروش و مهر ماه ۱۲۱۵ ی.

درمهر سهرابجی خورشید جی توتی ردیمنی. والکشور، تخت نشین بروز امرداد و آذرماه ۱۲۲۷ ی.

درمهر نسروانجی رتنجی تاتا. بندره، تخت نشین بروز ورهرام و شهریور ماه ۱۲۵۳ ی.

درمهر نوروزجی کاوسجی ناریل واله. دادر، تقدیس بروز اردیبهشت و آذرماه ۱۱۸۱ ی.

درمهر رستم جی کاوسجی ایده‌واله. دوبی تلاؤ، تقدیس بروز مهر و اسفند ماه ۱۲۱۲ ی. نوروز جی نوشیروانجی وادیا آنرا تعمیر و گشایش بروز دین و مهر ماه ۱۲۳۱ ی. و آذر درمهر آبانبائی وادیا بآن ملحق گردید.

درمهر منوچهرجی بهمن‌جی ستنه. تاردو، تقدیس بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۱۹۲ ی.

درمهر شاپورجی سهرابجی کپه‌والا. تاردو، تقدیس بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۲۲۷ ی.

درمهر نوشیروانجی هیرجی کرانی. خسرو باغ، تقدیس بروز ورهرام و شهریور ماه ۱۲۱۶ ی.

درمهر سر جمشید جی جیجی باهی. پایدونی آلهی باغ، تقدیس بروز . . .

درمهر جمشید جی داداباهی سده‌واتروالا. کوینس رود، تقدیس بروز زامیاد و اردیبهشتماه ۱۲۴۴ ی.

درمهر رستم جی نسروانجی رستم فرامنا. دادر کولونی، تقدیس بروز آذر و آبانماه ۱۲۹۸ ی.

درمهر شاپورجی داجی. ماهیم، تقدیس بروز شهریور و اردیبهشتماه ۱۲۲۵ ی.

درمهر رستم جی و نسروانجی ناناباهی بایس. تاردو، تقدیس بروز ورهرام و آذر ماه ۱۳۰۸ ی. آذر آن از درمهر پتل در دنکن رود باینجا منتقل گردیده.

درمهر خان‌بهادر هرمزجی مانکجی بیمه‌دیواله. دوبی تلاؤ، تقدیس بروز ماه ایزد و بهمنماه ۱۲۹۴ ی. واقع در آتش بهرام انجمن.

درمهر سونائیجی هیرجی. گوالیا تانک، تقدیس بروز ورهرام و اسفند ماه ۱۱۸۰ ی.

درمهر هیربد آدرجی خورشید جی پنتکی لشکری. بندره، تقدیس بروز سروش و امرداد ماه ۱۲۹۹ ی.

درمهر نسروانجی مانکجی پتیت. چارچگت، تقدیس بروز هرمزد و فروردینماه نوروز جمشیدی سال ۱۳۰۹ ی.

درمهر ادشیرجی بیکاجی پتل . اندری ، تقدیس بروز آدر و آذر ماه۱۲۷۷ی .

درمهر آل بلس باغ . گیرگام ، تقدیس بروز باد و دیماه ۱۲۳۵ ی .

درمهر ا. ر. سونا واله . ماهیم ، تقدیس بروز سروش و آذر ماه .

درمهر آتش دادگاه مدی هیرجی وچه گندی . دونگروادی ، تقدیس بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۲۴۳ ی .

درمهر آتش دادگاه پانده . قلابه ، تقدیس بروز تیر و تیر ماه ۱۱۰۲ ی .

جمشید پور : درمهر مانکجی دارابجی شراف . تقدیس در بمبئی بروز اشتاد و اردیبهشتماه ۱۱۶۰ ی . ولی بسال ۱۳۳۱ ی بجمشید پور مرکز کارخانه ذوب آهن جمشید جی تاتا برای بندگی زرتشتیان مقیم آنشهر منتقل گردید .

انکلیسر : درمهر فرامجی دینشاه پتیت . تخت نشین بروز آسمان و اردیبهشتماه ۱۲۶۹ ی .

اجمیر : درمهر نوروزجی رستم جی کلیانی واله . تخت نشین بروز دیبآدر و بهمنماه ۱۲۶۷ ی .

احمد آباد : درمهرشت خورشید جی بهرامجی ناناواتی ، تخت نشین بروز دیبدین و دیماه ۱۲۱۵ ی .

درمهر وکیل و انجمن . در محله بخارا ، تقدیس بروز ورهرام و مهرماه

درمهر وادیا ، کرکریا رود ، تقدیس بروز اردیبهشت و آبانماه .

احمدنگر : درمهر جمشید جی پستن جی پلانتین ـ تقدیس بروز آدر و آبانماه ۱۲۱۶ی .

اکوله در استان بهار : در مهر باچی ائیجی دستور جاماسپ جی ایدلجی جاماسپ آسا ـ تقدیس بروز دیبدین واسفند ماه ۱۲۳۷ی .

الپائی درشهرستان ملبار : درمهر نوروزجی کاوسجی ناریل واله ـ تقدیس بسال ۱۱۷۶ یزدگردی یکنفر موبد مقیم آنجاست .

ایگت‌پوری : درمهر انجمن ـ تقدیس بروز سپندارمذ و دیماه ۱۲۶۵ی .

ایچچه‌پور : درمهر کاوسجی و پهالنجی دهنجی باهی پاؤن واله ـ تقدیس بروز سپندارمذ و آبانماه ۱۲۱۶ی .

ایندور : درمهر هرمزجی مانکجی بهامگره ـ تقدیس بروز آبان و آذرماه ۱۲۴۸ی .

آتش دادگاه ه. م بهامگره تقدیس بروز ارد و آذرماه ۱۲۵۱ی .

اودواده : درمهر سردینشاه مانکجی پتیت بارونت ـ تقدیس بروز ورهرام و آذر ماه ۱۲۶۰ی .

اورن : درمهر کوورجی و بهرامجی و خورشیدجی ایدلجی اومریگر ـ تقدیس بروز دیبدین واردیبهشتماه ۱۲۷۴ی .

ایلاو : درمهر کاوسجی خورشیدجی کامدین ـ تقدیس بروز ورهرام و اسفند ماه ۱۰۹۱ یزدگردی درمهر نامبرده در سال ۱۲۱۰ یزدگردی بوسیله مهروانجی هرمزجی فریزر از نوساختمان و بنام اونامیده شد . باز درمهر ویران گردید و جمشیدجی برزوجی میستری آنرا بساخت و بروز امرداد و تیرماه ۱۲۳۹ی تقدیس و بنام او نامور گردید .

کچبوج : درمهر خان‌بهادر پستن جی سهرابجی بوج واله ـ تقدیس بروز دین و آذرماه ۱۲۷۴ی .

کلکته : درمهر رستمجی بناجی ـ تقدیس بروز سروش و فروردینماه ۱۲۰۹ی .

درمهر دهنبائی بهرام جی مهته تقدیس بروز سروش واردیبهشتماه ۱۲۸۲ی .

کلیانی : درمهر ایدلجی بهرامجی مودی ـ تقدیس بروز سروش و فروردینماه ۱۲۵۰ی .

کمبایت: درمهر هیرجی آشا - تقدیس بسال ۹۰۳ یزدگردی
درمهر پستن‌جی خورشیدجی مودی - تقدیس بروز سروش وتیرماه ۱۲۱۲ی.
گلود: درمهر بهمنجی بهیمجی باهی زائیواله - تقدیس بروز ورهرام و آذرماه ۱۲۹۰ی.
جمناگر: درمهر تهمولجی ماهیارجی میرزا - تقدیس بسال ۱۲۶۳ی.
تاراپور: درمهر ویکاجی مهرجی - تقدیس بروز آذر ایزد و آذر ماه ۱۱۸۹ ی و دوباره بانو دین‌بائی پتیت آنرا از نو بساخت و بروز اردیبهشت و دیماه ۱۲٦٤ ی تخت نشین شد.
تهانه: درمهر رستم‌جی کاوسجی پتل - تقدیس بروز آذر و آبانماه ۱۱۹۸ ی.
دمن: درمهر مهروانجی نوروزجی جوجه‌فرانسیس - تقدیس بروز دیبآدر و شهریور ماه ۱۲۰۷ یزدگردی.
درمهر رتن بائی هرمزجی منوچهر جی کاما - تقدیس ۱۲۱۵ یزدگردی.
دیویهر: درمهر نسروانجی فقیرجی پادری برشانا - تقدیس بروز اردیبهشت و آذرماه ۱۲۲٤ ی.
درمهر گاسی آنی چونپری - تقدیس بروز اردیبهشت و آذرماه.
دیو: درمهر جهانگیرجی نسروانجی وادیا - تقدیس بروز اشتاد و امرداد ماه ۱۱۹۹ ی.
نوساری: درمهر هرمزجی نوروزجی معروف بدرمهر بزرگ انجمن - تقدیس بروز دیبآدر و آبانماه ۹۵۷ یزدگردی آنرا منوچهرجی خ دهسائی در سال ۱۱٦٤ ی از نو ساخت و بائی موتلا بائی وادیا باز در سال ۱۲۱۸ یزدگردی.
درمهر منوچهرجی هومجی - تقدیس بسال ۱۰۵۵ یزدگردی و فرزندان خورشید اردشیر دادی‌شت آنرا بسال ۱۲۳۱ یزدگردی از نو ساختند.

درمهر سر جمشیدجی جی‌جی‌باهی اول در محله ملیسرفالیه ـ تقدیس
بروز ورهرام و اردیبهشتماه ۱۲۶۵ ی .
درمهر روانشادشت هرمزجی بهمن‌جی وادیا ـ تقدیس بروز آذر و
تیرماه ۱۲۵۸ ی .
درمهر کوتوال در پرورشگاه ـ تقدیس بروز سپندارمذ و اسفند ماه

ناگپور : درمهر نوشیروانجی مانکجی‌ملا ـ تقدیس بروز ورهرام و اردیبهشتماه ۱۲۶۵ ی .

نارگل : درمهر دهنبائی نوروزجی وادیا ـ تقدیس بروز خیر و دیماه ۱۲۵۱ ی .

نیمچ : درمهر کاوسجی جیوانجی میوه والا ـ تقدیس بروز سپندارمذ و امرداد ماه ۱۲۶۷ ی .

پاردی : درمهر هرمزجی گانده‌بائی ـ تقدیس بروز سروش و آذر ماه ۱۲۵۰ ی .

پونه : درمهر سهرابجی رتن‌جی پتل ـ تقدیس بروز دیبآذر و بهمنماه ۱۱۹۳ ی . باز آنرا از نو ساختمان و در روز ورهرام و آذر ماه تخت نشین نمودند .

درمهر جمشیدجی جی‌جی‌باهی ـ تقدیس بروز اردیبهشت و خرداد ماه ۱۲۱۴ ی .

درمهر انجمن ـ تقدیس بروز اردیبهشت و خرداد ماه ۱۲۶۳ ی .

بدنه را : درمهر انجمن ـ تقدیس بروز خرداد و تیرماه ۱۲۵۹ ی .

بردولی : درمهر ایدلجی نوروزجی مهته ـ تقدیس بروز آذر و تیرماه ۱۲۵۵ ی .

بیلموریا : درمهر نوروزجی جمشیدجی وادیا ـ تقدیس بروز ورهرام و دیماه ۱۱۹۷ ی . این درمهر را دادابامی دهنجی‌باهی و شاپورجی سهرابجی بسال ۱۲۷۴ یزدگردی از نو ساختمان کردند .

درمهر داداباهی دهنجی‌باهی و سهرابجی شاپورگها ـ تقدیس بروز آذر و آذر ماه ۱۲۶۸ یزدگردی .

دیه های اطراف بیلموریا : میدوراه‌بات : درمهر انجمن ـ تقدیس بروز سپندارمذ تیرماه

خرکام : درمهر موتی‌بائی بهمن‌جی‌ملا ـ تقدیس بروز سپندارمذ و آذر ماه ۱۲۵۱ ی .

گندوی : درمهر هرمزجی بیکاجی چینائی ـ تقدیس بروز امرداد و آذرماه ۱۲۰۳ ی .

چیکلی : درمهر فرامجی و دارابجی هرمزجی گزدر ـ تقدیس بروز سروش و شهریور ماه ۱۲۴۳ ی .

بلگام : درمهر پستن‌جی خورشیدجی بایس ـ تقدیس بروز دین و خرداد ماه ۱۲۶۱ ی .

بهروچ : درمهر انجمن ـ تقدیس بروز سپندارمذ و امرداد ماه ۱۲۲۴ ی .

درمهر سرشاپورجی برزوجی باروچا ۰ تقدیس بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۲۰۴ ی . آتش این درمهر قدیمترین آدریان بهروچ میباشد ، که در اوایل مهاجرت پارسیان به بهروچ در حدود سده‌پنجم یا ششم یزدگردی تقدیس گردیده . چون ساختمانش باوجود تعمیرات پی در پی از هم پاشیده شد . سر شاپورجی باروچا از نو ساختمانی مناسب بساخت و آتش نامبرده را دوباره در آنجا تخت نشین نمودند . برزمین اطراف درمهر ، بعدها عمارات چندی برای استفاده جماعت بوسیله بانو رتن‌بائی اردشیر دستور ، نوروزجی فریدون‌جی دستور و پستن‌جی فقیرجی دستور بمرورایام ساخته گردید .

درمهر ه. هماورانی ـ تقدیس بروز اردیبهشت و امرداد ماه ۱۱۲۹ی. چون ساختمان آن متزلزل شد ، دینشاه فریدونجی و برادران از نو ساختمان نمودند و بروز اشتاد و اردیبهشتماه ۱۲۶۷ ی . گشایش یافت .

درمهر دستور کامدین‌جی فریدون‌جی بهرکت ـ تقدیس بسال ۱۱۴۵ ی .

درمهر خرسواد ـ تقدیس بسال ۱۲۶۲ ی ـ

درمهر رستم‌جی مانکجی هیره‌واره ـ تقدیس بسال ۱۰۹۶ ی. آنرا فرزندان مرحوم پستن‌جی اسلانجی دونگاجی تعمیر نموده و بروز آبان و آبانماه ۱۲۷۲ ی، تخت نشین نمودند.

درمهر بائی‌ویربائی‌جی شاپورجی نلیارواله ـ تقدیس بروز دیبدین و آذر ماه ۱۲۶۵ ی.

درمهر سهرابجی دنجی‌باهی خمباته ـ تقدیس بروز اردیبهشت و اردیبهشتماه ۱۲۲۷ ی.

درمهر هرمزجی بهرامجی وخاریه جمشید باغ ـ تقدیس بروز آسمان و شهریور ماه ۱۲۵۳ ی.

درمهر هماجی دارابجی ـ تقدیس بروز اردیبهشت و امرداد ماه ۱۱۲۹ ی. آنرا دینشاه فریدون بسال ۱۲۶۶ تعمیر کرد.

بهاته : درمهر پستن‌جی ویرجی‌بهائی ـ تقدیس بروز اشتاد و اردیبهشتماه ۱۱۷۳ ی.

بهاونگر : درمهر دارابجی شاپور اومریگر ـ تقدیس بروز زامیاد و آبانماه ۱۲۶۹ ی.

ماؤ : درمهر انجمن ـ تقدیس بروز آدر و شهریور ماه ۱۲۱۵ یزدگردی و آنرا دوباره در سال ۱۲۵۲ ی تعمیر و بروز فروردین و اسفند ماه تخت نشین نمودند.

راجکوت: درمهر انجمن ـ تقدیس بروز اردیبهشت و آذر ماه ۱۲۴۴ ی.

اناولـه : درمهر کاوسجی دینشاه‌جی عدن واله ـ تقدیس بروز باد ایزد و آذر ماه ۱۲۶۸ ی.

باروده : درمهر دهنبائیجی دادابهائی بهیمجی اومریگر در شهر ـ تقدیس بروز سروش و شهریور ماه ۱۲۱۵ ی.

درمهر بهرامجی نوشیروانجی سیروائی - تقدیس بروز آدر و آذر ماه ۱۲۳۷ ی.

درمهر کنتراکتر در شیواجی گنج - تقدیس بروز سروش و شهریور ماه.

بلسر : درمهر قدیم هیربد جاماسپجی بهائیجی - تاریخ تخت نشین ندارد. آنرا هرمزجی بیکاجی چینائی بسال ۱۲۱۶ یزدکردی تعمیر کرد و وارث او نیز در همانجا آتش دادگاه درست کردند.

درمهر بسیار قدیم شاپوررا در حدود چهار سال قدمت آن میباشد

درمهر متا بهائی شاپورجی - تقدیس بروز مهر ایزد و آذر ماه ۱۲۱۹ یزد کردی

سرونده : درمهر خورشید جی فریدون جی پارخ و بهیمجی باهی شاپور جی پستکیه - تقدیس ۱۲۳۳ ی. و بسال ۱۲۵۱ یزدکردی دوباره تعمیر شد.

سکندرآباد : درمهر ویکاجی و پستن‌جی مهرجی - تقدیس بروز بهرام ایزد و اسفند ماه ۱۲۱۶ ی.

درمهر خانبهادر ایدلجی چینائی و انجمن - تقدیس بروز اردیبهشت و اسفند ماه ۱۲۸۹ ی.

سگن پور : درمهر قدیم لوجی وادیا آنرا نوروز جی جمشید جی وادیا بسال ۱۲۱۸ ی دوباره ساختمان کرد.

سومالی : درمهر بسیار قدیم هومیار پهالن در سال ۱۰۴۰ یزدکردی ساخته و تقدیس شده

در مهر جمشید جی سهرابجی هودی واله

درمهر کوورجی مانکجی مقدم - تقدیس بروز اورمزد امشاسپند ۱۱۹۱ ی آنرا رستم جی شاپورجی مقدم تعمیر و بروز ورهرام و تیرماه ۱۲۳۷ ی تقدیس نمود

درمهر داداباهی و کاوسجی پهالن جی چاونا - تقدیس بروز آسمان ایزد و مهرماه ۱۲۵۶ ی.

سورت : درمهر انجمن نزدیک انبار موز. تقدیس بروز ورهرام و اسفند ماه ۱۲۰۸ یزدگردی.

درمهر بسیار کهنه در ساحل وکنار اسکله را هیرهبائی جهانگیرجی مانکجی پنتکی از نو ساخت و بروز اورمزد و مهر ماه ۱۱۶۵ یزدگردی تخت نشین گردید.

درمهر جهانگیرجی نوشیروانجی وادیا. تقدیس بسال ۱۲۱۰ی.

درمهر دارابجی نوشیروانجی میستری. تقدیس بروز مانتره‌سفند و دیماه ۱۲۳۵ ی.

درمهر رتن جی و ایدلجی بهرامجی بهیشتی. تقدیس بروز سروش و تیر ماه ۱۲۰۷ ی

درمهر مانکجی ایدلجی دلال ارمنی. تقدیس بسال ۱۱۴۰ یزدگردی آنرا کاوسجی جمشید جی ماکیدلال تعمیر نمود و بروز سروش و آذر ماه ۱۲۱۴ ی. دوباره تقدیس شد

درمهر جمشیدجائی بسیار قدیمی بود و مانکجی نوروزجی وادیا آنرا از نو بساخت. تقدیس بروز دیبمهر و آذر ماه ۱۲۰۶ی

درمهر جمشیدجی مانکجی اونواله. تقدیس بروز اورمزد و اسفندماه ۱۲۳۸ی

درمهر انجمن در مچلی پت. تقدیس بروز سروش و شهریور ماه ۱۲۶۵ی

درمهر منوچهرجی خورشید دهسائی. تقدیس بروز ورهرام و اسفند ماه ۱۱۷۵ ی آنرا فرزندان ایدلجی داداباهی سوخیا تعمیر کردند و بسال ۱۲۳۲ دوباره تخت نشین شد.

درمهر جمشید جی جی‌جی‌باهی. تقدیس بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۲۲۴ی.

درمهر بسیار قدیم پهالنجی هماجی ست را مهرجی‌باهی پتل اومره واله
و رتنجی چیبراجی از نوساخته و بروز باد و اسفند ماه ۱۱۹۲ ی
تخت نشین نمودند.

درمهر بروانشادی فرامرز نوشیروانجی باتلی واله. تقدیس بسال
۱۲۰۶ یزدکردی آنرا دوباره بهرامجی خورشید جی مهته و بهرامجی
مانکجی دلال از نوتعمیر و بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۲۲٤
تخت نشین نمودند.

درمهر شاپورجی بچه باهی دوتیواله آتش کرفته بسوخت آنرا
رستم جی اسپند یارجی اریتن دوباره بساخت، تقدیس بروز
سروش و تیرماه ۱۲۰۸ ی. باز دین‌بائی نوشیروانجی پتیت
تعمیر نمود و بروز اردیبهشت و مهر ماه ۱۲٦۲ تخت نشین کرد.

درمهر داداباهی و منوچهرجی پستن جی وادیا، تقدیس بروز
بهمن و دیماه ۱۲۱۳ ی. آنرا جیوانجی جاماسپ جی میستری
بسال ۱۲٦٦ یزدکردی تعمیر کرد.

درمهر جمشیدجی جی‌جی‌باهی ـ تقدیس بروز سروش و فرور دینماه.

درمهر دن مدی ـ تقدیس بروز سروش و اردیبهشتماه.

درمهر کمیسریت ـ تقدیس بروز آدر و امردادماه.

درمهر باغ پارسا ـ تقدیس بروز سروش و شهریورماه.

درمهر انجمن در بی‌بی‌وادی.

دهستان سورت

<u>امرولی :</u> درمهر هرمزجی بهمن‌جی وادیا ـ تقدیس بروز اورمزد و اردیبهشتماه
۱۲۰۷ ی.

درمهر کانجی‌بهائی دارابجی میتائیواله ـ تقدیس بروز آدر و تیرماه ۱۲۶۳ ی.

اراجن : درمهر جمشیدجی جیجی‌باهی ـ تقدیس بروز ورهرام و آذرماه ۱۱۹۶ ی.

اومرا : درمهر بهمن‌جی سهرابجی کپه‌واله ـ تقدیس بروز دیبدین و آذرماه ۱۱۸۵ ی. ولی آن دیه از زرتشتیها خالی شد و آتش مقدس به درمهر قدیمی مچلی‌پت در سورت منتقل گردید.

کرنج : درمهر هرمزجی شاپورجی پستکیه ـ تقدیس بروز آسمان و سال ۱۲۱۵ یزدکردی.

کودیانه : درمهر منوچهرجی کوورجی بهاتنا و هرمزجی مانکجی پهونچ خانه‌واله ـ تقدیس بروز امرداد و مهرماه ۱۲۱۹ یزدکردی.

خژود: درمهر بهرامجی هیراجی کوله ـ تقدیس بروز رشن و آذرماه ۱۲۱۵ ی.

دومس : درمهر انجمن ـ تقدیس بروز اشتاد و شهریورماه ۱۲۰۷ ی.

درمهر کنتراکتر ـ تقدیس بروز فروردین و اسفندماه.

تاوری : درمهر انجمن ـ تقدیس بروز ورهرام و آذرماه ۱۲۳۸ ی. دوباره تعمیر گردیده و در سال ۱۲۶۹ یزدکردی بروز اردیبهشت و آبانماه تخت نشین گردید.

آتش دادگاه بهزینه‌بانو زربانو بروانشادی شوهرش پستن‌جی مهروانجی ایرانی ـ تقدیس بروز اردیبهشت و شهریورماه ۱۲۳۳ ی.

بهگوا : درمهر جمشیدجی سهرابجی بهگوا ـ تقدیس بروز اردیبهشت و آذر ماه ۱۲۲۸ ی.

بهشان : درمهر داداباهی و منوچهرجی پستن‌جی وادیا ـ تقدیس بروز آدر و امردادماه ۱۲۱۵ ی. چون زرتشتیان از آن محله بمحلهٔ دیگر

نقل مکان دادند. بانو بچوبائی سهرابجی وادیا ساختمان دیگر در محله پارسی نشین نمود و آن آتش را بدانجا منتقل و بروز ورهرام و آذرماه ۱۲۴۶ یزدگردی تخت نشین نمودند.

بهاتا: درمهر نوساز ـ تقدیس بروز اشتاد ایزد واردیبهشتماه

ماندرونی: درمهر انجمن ـ تقدیس بروز ماه و تیرماه ۱۲۲۹ی. آنرا بانو بیکائیجی سهرابجی حادیث تعمیر نمود و بروز گوش و مهرماه ۱۲۶۵ تخت نشین کرد.

ماندوی: درمهر قدیمی را انجمن تعمیر نمودند ـ تقدیس بروز اردیبهشت و آذرماه ۱۲۴۲ی.

راندل: درمهر داراشاه دارابجی راندلیه ـ تقدیس بروز سروش و آذرماه ۱۲۰۳ی.

وشو: درمهر مانکجی رتنجی پتل شکنپوریا ـ تقدیس بسال ۱۲۵۸ یزدگردی.

ویاره: درمهر دین بائی نسروانجی پتیت ـ تقدیس بروز خرداد و خردادماه ۱۲۶۵ی.

سید پور: درمهر وادیا ـ تقدیس بروز آدر ایزد و تیرماه

بودان: درمهر انجمن ـ تقدیس بروز ورهرام و تیرماه

لکتر کوت: درمهر گوتیا ـ تقدیس بروز هرمزد و مهرماه

نانپوره: درمهر کاناجی ـ تقدیس بروز آدر و آذرماه

خاجوهه: درمهر ب ه. کوله ـ تقدیس بروز رشن و آذرماه

سید پور: درمهر وادیا ـ تقدیس بروز ورهرام ودیماه

اده جان: درمهر سرجمشید جی ـ تقدیس بروز ورهرام ودیماه

ستاره: درمهر انجمن ـ تقدیس بسال ۱۲۲۶ی ولی چون خراب گردید بسال ۱۲۸۰ی ساختمان دیگر بنام درمهر بانو نواز بانو خان بوسیله انجمن تقدیس شد.

دنپور : درمهر جواهری - تقدیس بروز نوروز جمشیدی

مدروئی : درمهر پتل - تقدیس بروز آدر و آذرماه

پنجگانی : درمهر چاکسی - تقدیس بروز آدر و آذرماه

ابورود : درمهر انجمن - تقدیس بروز اردیبهشت واردیبهشتماه

دولالی : درمهر بانو چینائی - تقدیس بروز سروش وارديبهشتماه

مدرس : درمهر زال پیروز کلب واله - تقدیس بروز مانتره‌سپند و بهمنماه ۱۲۷۹ ی. ولی ۲۳ سال پیش از ساختن در مهر بودجه موبد تاسیس نموده بودند و در خانهٔ بآتش دادگاه مراسم دینی بجا میآوردند.

تودی از دیه‌های نوساری : درمهر ویاج خوره - تقدیس بروز آدر و تیرماه.

مووا : « « درمهر ن ب چاکسی - تقدیس بروز فروردین و مهرماه

بنگلور : درمهر د. کاوسجی - تقدیس بروز اردیبهشت و شهریور ماه ۱۲۹۵ ی.

هوبلی : درمهر پتل در هرمزجی باغ - تقدیس بروز سروش و امردادماه.

نانانی از دیه‌های دمن : درمهر م. ن. مانکجی - تقدیس بروز دیبآدر و شهریور ماه.

الهآباد : درمهر ب. ش. گاندی - تقدیس بروز سروش و مهرماه

جلنا : درمهر مهروانجی جلناواله - تقدیس بروز خیر و آبانماه

شولاپور : درمهر ویکاجی و پستنجی مهرجی - تقدیس بروز باد و امرداد ماه ۱۲۱۴ یزدگردی آنرا انجمن در سال ۱۲۴۸ ی تعمیر نمود.

هانسوت : درمهر سردینشاه مانکجی پتیت - تقدیس بروز اشتاد ایزد آذرماه ۱۲۶۷ ی.

دهنورود : درمهر هرمزجی کیخسرو ایرانی بروانشادی والدین خود - تقدیس بروز آدر و مهرماه ۱۳۰۹ یزدگردی.

دهلی : درمهر کیخسرو پهالنجی کترک و انجمن ـ تقدیس بروز آدر و آذرماه ۱۳۳۰ یزدگردی.

حیدرآباد : در مهر مانکبائی نوشیروانجی چینائی ـ تقدیس بروز اردیبهشت واردیبهشتماه ۱۲۷۴ ی.

درمهر ویکاجی و پستنجی مهرجی ـ تقدیس بروز آدر و اسفند ماه ۱۲۰۸ یزدگردی برلوح درمهر شعر پارسی زیر نوشته شده است.

زهی حیدرآباد کز عدل شاه — زهی ناصرالدوله عالم پناه
مشیری بود چندولعاش وزیر — زجودش تجلی و زیبا سریر
بحیط و شحنه جهان بیگزند — زحسن و علی گشت نامش بلند
درمهر ســـان بهشت برین — وکاجی و پستن جی کرد از یقین
سفندارمذ ماه روز آدر است — مرتب شداین جای یزدان پرست
خرد گفت سن یزد جرد سترگ — چه شد جشن ارویسگاهی بزرگ

کانپور : در مهر جواهری

شاه‌آباد : آتش دادگاه رتن بائی جمشید جی چینائی ـ تقدیس بسال ۱۲۸۰ ی.

پاکستان

کراچی : درمهر هیرجی جمشید جی بهره. تقدبس بروز شهریور و آبانماه ۱۲۱۸ یزدگردی.

درمهر دوسا باهی مهروانجی وادیا. تقدیس بروز آدر و آذرماه ۱۲۳۸ ی.

کویته : درمهر انجمن. تقدیس بسال ۱۲۵۲ یزدگردی.

لاهور : درمهر اردشیر بهرامجی لیموواله. تقدیس بروز سروش و بهمنماه ۱۲۶۲ ی.

سکّر : درمهر هرمزجی ماما. تقدیس بروز اردیبهشت و اردیبهشتماه ۱۲۸۷ ی.

افریقا

عدن : درمهر کاوسجی دینشاه جی عدن واله . تقدیس بروز انارم و اسفندماه ۱۲۲۳ یزدکردی آنرا دوباره همان دهش پیشه بسال ۱۲۵۲ یزدکردی تعمیر نمود .

زنگبار : درمهر دارابجی دینشاه جی عدن واله . تقدیس بسال ۱۲۶۴ یزدکردی.

برمه

رنگون : درمهر شاپورجی و بهمن جی کاوسجی کپتن درمهر اولیه آنجا را بنام درمهر خمباته بسال ۱۲۴۶ یزدکردی ساخته شده بود دوباره ساختمان نمود و بسال ۱۲۸۴ ی تقدیس گردید .

لندن

پرستشگاه زرتشتیان . گشایش بسال ۱۳۳۵ ی .

ایران

تهران : آدریان دهش انجمن ، گشایش بروز اشتاد و تیرماه ۱۲۸۶ ی . آدریان رستم باغ با سالون پذیرائی و لوازم مربوط و اثاثیه دهش ارباب رستم گیو ، گشایش بروز ورهرام و اردیبهشتماه ۱۳۳۲ ی .

کرمان : درمهر دولتخانه ، دهش پولاد اسفندیار یزدی مقیم بمبئی ، تخت نشین ۱۲۷۰ یزدکردی .

درمهر در جوپار . بواسطه مهاجرت زرتشتیان از آنجا ویران شده است درمهر انجمن درقنات غسان بسیار قدیمی است . مانکجی هاتریا از

آرامگاه های زرتشتیان در هند

اله‌آباد : آرامگاه و آتشکاه سردینشاه مانکجی پتیت بروز هرمزد و شهریور ماه ۱۲۴۸ ی دایر گردید .

کلکته : آرامگاه قدیم انجمن بسرپرستی نوروزجی اومریگر بروز آسمان و تیرماه ۱۱۹۱ یزدکردی دایر گردید .

کنانور در ملبار : آرامگاه در سال ۱۲۰۶ یزدکردی بخرج کاوسجی هیرجی باهی ملگام واله ساخته شد .

کشمیر : آرامگاه بدهش سهراب هرمزجی هرواره بروز ماه و اردیبهشتماه ۱۲۶۷ یزدکردی دایر گردید .

گلبرکه : آرامگاه بدهش شاپورجی بسال ۱۲۶۹ یزدکردی دایر گردید .

جمناگر : آرامگاه بروانشادی سیا و خش شاه فرامجی پهونچ‌خانه والـه بروز فروردین و امرداد ماه ۱۲۷۳ یزدکردی دایر گردید .

جود پور : آرامگاه بوسیله انجمن بروز هرمزد امشاسپند و فروردینماه ۱۲۶۳ یزدکردی دایر گردید .

جهانسی : آرامگاه بدهش شت مهربان ایدلجی بایس بروز دیبآدر و فروردینماه ۱۲۶۳ یزدگردی دایر گردید .

دولالی : آرامگاه بدهش بهرامجی ناناباهی میستری بروز هرمزد و فروردینماه ۱۲۳۹ ی دایر گردید .

دولیه : آرامگاه بوسیله انجمن بسال ۱۲۶۵ یزدکردی دایر گردید .

بیجا پور : آرامگاه بدهش نسروانجی مانکجی پتیت بسال ۱۲۶۰ یزدکردی دایرگردید .

بینا نزدیک جهانسی : آرامگاه انجمن بسال ۱۲۷۴ یزدکردی دایرگردید .

بنگلور : آرامگاه بروانشادی منوچهرجی دوساباهی کاما بروز رشن و آبانماه ۱۲۶۱ ی. دایرگردید.

بهاو نگر : آرامگاه بدهش دارابجی کهیارجی میرزا بسال ۱۲۲۹ی دایرگردید.

مدراس : آرامگاه انجمن بسال ۱۱۹۲ یزدکردی دایرگردید.

تالیچری در ملبار : آرامگاه بدهش هیرجی مانکجی خراس بسال ۱۱۶۱ یزدکردی دایرگردید.

منگلور : آرامگاه بدهش ایدلجی رستم جی گانـدهی بسال ۱۱۶۶ یزدکردی دایرگردید و نوروزجی بیژن جی گزدر بسال ۱۲۴۸ ی آنـرا محصورنمود.

راجنند گاؤن : آرامگاه انجمن دایر بسال ۱۲۸۵ ی. اینک یک خانـواده پارسی در آنجا میباشند.

هلگام : آرامگاه ، بوسیله انجمن و دکتر کیخسرو سنجانا و پستن جی برزوجی میل کنتراکتر ، دایر بسال ۱۳۰۴ ی.

رتلام : آرامگاه ، بروانشادی فرامجی پستن جی وکیل ، دایر بروز هرمزد و آذر ماه ۱۲۶۹ ی.

ندگام : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، دایر بسال ۱۲۷۱ ی.

رایپور : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، دایر بسال ۱۲۷۲ ی.

هوبلی : آرامگاه ، بدهش سردینشاه مانکجی پتیت ، دایر بروز آسمان و بهمن ماه ۱۲۶۴ ی.

هوشنگ آباد : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، دایر بسال ۱۲۶۵ ی.

شاه آباد : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، دایر بسال ۱۲۶۰ ی.

ماتران : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، دایر بسال ۱۲۸۵ ی.

مهابلشور : آرامگاه ، بوسیله انجمن

پنجگانی : آرامگاه ، بوسیله انجمن .

دهلی : آرامگاه بدهش جسه واله پور جمشید جی کوورجی، دایر بسال ۱۲۳۸ ی.

هرده، استان مرکزی : آرامگاه بسیار قدیمی بدون تاریخ تاکنون دایر است .

اگره : آرامگاه ، بوسیله انجمن، دایر بسال ۱۲۵۴ ی.

بهوپال : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، دایر بسال ۱۲۶۴ ی. آتش دادگاه آن بسال ۱۲۹۲ ی بوسیله خاندان شکاری ساخته شد .

جمشید پور : آرامگاه کوچک متروک که بسال ۱۲۸۷ ی دایر شده بود . آرامگاه بزرگ بوسیله انجمن ، دایر ۱۲۹۵ ی .

پاکستان

پیشاور : آرامگاه بدهش هرمزجی کاوسجی مارکار بسال ۱۲۳۳ یزدکردی دایر گردید .

پیشاور : آرامگاه ، بکوشش دوساباهی مهته و مهربانجی شراف و هرمزجی مارکار ، گشایش بسال ۱۲۳۶ ی .

لاهور : آرامگاه بنـام گل باغ ، بدهش ایدلجی برزوجی ستنه دایر بسال ۱۲۲۴ ی .

کراچی : آرامگاه قدیمی بتوسط خورشید جی منوچهرجی گوروال بسال ۱۲۱۶ محصور گردید و پس از مدتی دخمه ساختمان گردید .

کویته : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، دایر بسال ۱۲۶۷ ی .

حیدر آباد : آرامگاه ، بوسیله انجمن دایر بسال ۱۲۱۵ی.

سکّـر : آرامگاه ، بوسیله انجمن ، گشایش ۱۲۸۷ ی .

چیته گونگ : آرامگاه ، بوسیله انجمن دایر ۱۳۲۹ ی .

سیلان

کلمبو: آرامگاه بدهش کاوسجی ایدلجی کلمبوواله، دایر بسال ۱۲۱۵ ی.

برمه

مندله: آرامگاه بدهش هیرجی نوروزجی خراس، دایر بسال ۱۲۱۵ ی.
رنگون: آرامگاه، بوسیله انجمن، دایر بسال ۱۲۴۲ ی.

چین

هانکانگ: آرامگاه، بوسیله انجمن، دایر بسال ۱۲۲۲ ی.

ایران

تهران: قصر فیروزه، آرامگاه انجمن، گشایش ۲۸ آبانماه ۱۳۰۵ی

روانشاد مانکجی لیمجی هاتریا بسال ۱۲۳۱ یزدگردی از سوی انجمن اکابر صاحبان پارسیان هند، دخمه ای برای خورشید نگرشنی مردگان زرتشتیان برکوهی نزدیکی تهران بساخت. این دخمه بمدت ۸۴ سال تا بسال ۱۳۰۵ یزدگردی مستعمل بود. موقعیت دخمه طوری بود که محوطه اندرونی بربلندی نزدیک آن کاملا بنظر میرسید. بعلاوه در آن روزگار مسلمانان بانواع گوناگون برزرتشتیان تعدی روا میداشتند. گاه و بیگاه در آهنی دخمه را کنده باندرون آن داخل میشدند و بر اموات زرتشتیان بی احترامی مینمودند. بنابراین انجمن زرتشتیان وقت برای جلوگری از این بی احترامیها درب دخمه را دیوار کشیدند و مردگان را بوسیله طناب بالا کشیده در محل ابدی میپسردند. این طرز سپردن مردگان در دخمه زشت و ناروا بود. انجمن زرتشتیان در سالهای ۱۳۰۰ یزدگردی ببعد بفکر آرامگاه افتادند تا مردگان را درآنجا دفن کنند و از شر تعدیات و بی احترامیهائی که باموات میگردید راحت

گردند. روانشاد ارباب کیخسرو شاهرخ که از سوی زرتشتیان عضو مجلس شورای ملی و هم ریاست انجمن را نیز دارا بود، بتصویب انجمن بادولت وقت در مورد خریدن روستای قصر فیروزه برای دفن اموات داخل مذاکره گردید، درگردش پانزدهم انجمن در جلسهٔ ششم منعقده بروز آدینه ۱۶ خرداد ۱۳۱۴ هجری خورشیدی تصمیم زیر در مورد ابتیاع روستای قصر فیروزه بتصویب رسید.

فقره ۱ - نخست راجع بخرید قصر فیروزه برای مدفن زرتشتیان مذاکرات مفصل بعمل آمد و چون محل آن برای منظور ازهر حیث خوب و متناسب و از طرفی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی (رضا شاه کبیر) و آقای وزیر مالیه هم از موضوع مطلع و مرحمت و مساعدت فرموده بودند، برای اینکه فرصت از دست نرود قرار شد قبلاً چند نفر حاضر شوند که محل مزبور را خریداری و بعداً جماعت دعوت و موضوع خاطر نشان و وجوه لازمه جمع آوری شود. ولی هر آینه جماعت از این حسن اقدام و پیش آمد که آمال دیرینهٔ آنها بوده استفاده ننموده و وجوه لازمه را نپردازند، در تحت شرایط معینهٔ ذیل محل مزبور بخریداران اولیه تعلق داشته باشد بنا بر این برای اینکه موضوع زودتر عملی شود، آقایان مفصل الاسامی ذیل اعضاء انجمن حاضر گردیدند که محل مذکور بهر مبلغ خریداری شود بمیزان ذیل وجوه آنرا بپردازند و برای کسری آنهم قرار شد بآقای ارباب بهرام اردشیر یگانگی و آقای ارباب گشتاسب فیروزگر مراجعه و استمداد شود و بنابراین آقای ارباب کیخسرو شاهرخ یک دانگ، آقای ارباب رستم بهمن شاهپور یک دانگ و نیم، آقای کیا منش یک دانگ، آقای سیر و سی نیم دانگ آقای فروتن ربع دانگ، آقای آرش ربع دانگ، آقای آبادیان ربع دانگ، با موافقت و تصویب شرکاء در انجمن مقرر گردید که بدواً قصر فیروزه را پس از معلوم شدن قیمت، آقای رئیس باسم خودشان خریداری و هرآینه

در ظرف مدت دو ماه وجوه آن از افراد جماعت وصول نگردد که محل مزبور باسم جماعت ثبت داده شود، پس از انقضاء دو ماه بشرکاء و خریداران منتقل ولی دوسال مهلت داده شود که اگر در ظرف این دو سال اصل و فرع وجه آن از جماعت جمع آوری گردد تقبل خریدار اولیه شرکاء محل مذکور را بجماعت منتقل نمایند و الا متعلق بشرکاء باشد.

ارباب کیخسرو شاهرخ پس از ابتیاع زمین مذکور در بالا بموجب وقف نامچه مورخه ۲۸ آبان ۱۳۱۵ شمسی که در دفتر اسناد رسمی نمره ۱۸ بثبت رسیده چون وجه آن از محل خیریه زرتشتیان داده شده آنرا وقف و تولیت آنرا بانجمن زرتشتیان واگذار مینماید دهشمندان زیر در زمانهای مختلف ساختمانهائی در قصر فیروزه ساخته و بانجمن زرتشتیان واگذار نموده‌اند

نمازگاه ـ دهش ارباب خداداد هرمزدیار سیروسی بنامگانه فرزندش داریوش گشایش ۷ بهمن ۱۳۱۲ هجری خورشیدی

راهرو پیشگاه باسه اطاق پاکشویخانه و پاشیر و آب انبار پیوسته، دهش ارباب رستم شاهپور گیو و ارباب رستم بهمن آبادیان بنامگانه بهشتی روانان شاپور گیو و بهمن رستم دینیار، گشایش ۱۳۱۶ هجری خورشیدی

ایوان با و اطاق پیوست و آب انبار. دهش ارباب مهربان جمشید پارسائی بنامگانه فرزندش جمشید پارسائی گشایش ۱۳۱۶ خورشیدی.

آشپزخانه ـ دهش ارباب اردشیر اسفندیار آذر گشسب بنامگانه اسفندیار اردشیر و پریگل فریدون، گشایش ۱۳۲۰ هجری خورشیدی.

تالار و دو اطاق پیوست برای کارهای دینی. دهش ارباب جمشید بهمن آبادیان بنامگانه همسرش بانو همایون خسرو گشایش دیماه ۱۳۲۹ هجری خورشیدی

گرمابه ـ دهش بانوی نیک نهاد دولت اسفندیار نامداران، گشایش شهریور ماه ۱۳۲۹ هجری خورشیدی.

آشپزخانه ـ دهش آقای فریدون منوچهر فریدونی بنامکانه فرزندش رشید فریدونی ،
گشایش ۱۳۳۱ خورشیدی

تالار نمازگاه در باغ جدید آرامگاه : دهش آقای مهربان داراب بنامگانه پدرش
داراب مهربان زین‌آبادی و مادرش همایون اسفندیار ، گشایش پنجم
امرداد ۱۳۳۵ی .

کرمان : آرامگاه با دو دستگاه ساختمان در ۱۲ کیلومتری شمال بشرقی شهر
کرمان ـ دهش شادروانان سروش و فریدون سروشیان ، گشایش
درحدود ۱۳۱۳ی.

آرامگاه نسبتاً کوچک در باغ و ۳ کیلومتری شمال گبر محله ، دهش
رستم سهرابی بنامگانه سهراب سهرابی

اهواز : آرامگاه درکیان‌آباد ـ دهش شرکت مزدیسنان بسال ۱۳۰۷ی. ساختمان
دیوار اطراف آن بهزینه فریدون رشیدی بسال ۱۳۱۴ی

یزد : آرامگاه انجمن ـ گشایش آذرماه ۱۳۳۴ی.

تالار ، دهش خدایار جها بخش مزدیسنا ۱۳۳۶ی.

شیراز : آرامگاه دهش رستم ماونداد ـ گشایش ۱۳۳۴ی

انگلستان

لندن : آرامگاه انجمن ـ دایر بسال ۱۲۳۲ی

دخمه های زرتشتیان

هندوستان

انکلسیر : دخمه بسیار کهنه که در سال ۸۸۶ یزدگردی بوسیله نرسنگ
دهنپل ساخته شده اینک مستعمل نیست .

دخمه از دهش پشوتن بهمن‌جی وادیا گشایش بروز فروردین و
شهریورماه ۱۱۷۹ ی .

اجمیر : دخمه بوسیله انجمن ساخته شده گشایش بروز اشتاد و شهریور
ماه ۱۲۵۷ یزدگردی .
ابورود : دخمه انجمن گشایش بروز اورمزد امشاسپند و مهرماه ۱۲۵۸ ی .
احمدآباد: دخمه انجمن برلوح آن بپارسی نوشته شده « دخمه یزدان
پرستان ۱۲۱۲ ی »
دخمه بهزینه سرجمشیدجی جی‌جی‌باهی گشایش بروز دیبدین و
آبانماه ۱۲۲۷ ی .
امرولی : دخمه انجمن ـ گشایش بروز اشتاد و شهریورماه ۱۲۲۷ ی .
احمدنگر: دخمه کهنه انجمن ـ گشایش بسال ۱۱۹۶ یزدگردی .
دخمه انجمن ـ گشایش بروز دیجهر و تیرماه ۱۲۱۱ یزدگردی .
دخمه انجمن ـ گشایش بروز رشن ایزد و شهریورماه ۱۲۳۵ ی .
اکوله : دخمه انجمن ـ گشایش بروز خرداد و شهریورماه ۱۲۶۴ ی .
الپوئی ملبار : دخمه بهزینهٔ نوروزجی کاوسجی نلیاروالـه کـه بسال
۱۱۷۶ ی . ساخته شده ولی اینک مستعمل نیست .
ایگت‌پوری : دخمه انجمن ـ گشایش بروز مهر و آذرماه ۱۲۵۴ ی .
ایندؤر : دخمه انجمن ـ گشایش بروز دیجهر و فروردینماه ۱۲۶۷ ی .
اودواده ؛ دخمه کهنه شمشت بهدین . گشایش بروز دین و مهر ماه ۱۰۶۶
یزدگردی .
دخمه بهزینه پستن جی خورشید جی مدی . گشایش بروز خیر و آذر ماه
۱۱۹۷ ی ولی مستعمل نیست .
اورن : دخمه انجمن . گشایس بروز دیبدین و تیر ماه ۱۲۷۱ ی .
ایلاو ؛ دخمه انجمن . گشایش بروز آسمان و مهر ماه ۱۲۶۸ ی .
اورنک آباد : دخمه بهزینه ویکاجی و پستن جی مهرجی . گشایش بروز
دیمهر و تیر ماه ۱۲۱۲ ی .

کرنج : دخمه بهزینه دین بائی پونجیه جی مناجی. گشایش بروز دین و خرداد ماه ۱۱۹۸ ی.

کلکته: دخمه بهزینه نوروزجی سهرابجی بنگالی ـ گشایش بروز آسمان و تیرماه ۱۱۹۱ی.

روانگاه دهش جمشیدجی رستم‌جی سکت ـ گشایش بسال ۱۳۰۴ی.

کلیان : دو دخمه کهنه یکی ساخت با آجرو دیگری با آهک هر دو مستعمل نیست.

دخمه بهزینه نواز بائی نسروانجی دادا باهی مدی ـ گشایش بسال ۱۱۵۹ی.

دخمه بهزینه نوروزجی بالا باهی ـ گشایش بروز دیمهر و ماه ۱۲۵۵ی.

گوندیان : دخمه انجمن ـ گشایش بروز خرداد و خردادماه ۱۲٦۵ی.

خیرگام : دخمه بهزینه موتی بائی بهمن‌جی جمشیدجی ملاّ ـ گشایش بروز سپندارمذ و آذرماه. ۱۲۵۱ی.

کمبایت : دخمه قدیمی ساخت آجر بسال ۹۰۳ یزد گردی مستعمل نیست.

دخمه بهزینه هیرجی آشا ـ گشایش بسال ۹۰۲ یزدگردی. در نامه ترکاباد مورخه ۹۰۴ یزدگردی بهند از او نام برده شده است.

دخمه بهزینه پستن‌جی خورشیدجی مدی ـ گشایش بروزمانتره سفند و مهرماه ۱۱۹۵ی.

گندیوی : دخمه انجمن کهنه است و بروز آدر و دیماه ۱۰۹۲ی افتتاح شده.

دخمه بهزینه جمشیدجی نانا باهی گزدر ـ گشایش بروز فروردین و مهرماه ۱۱۸٦ی

دخمه انجمن ـ گشایش بروز ورهرام و مهرماه ۱۲۳۹ی.

چیکلی : دخمه انجمن ـ گشایش بروز تیر و شهریور ماه ۱۲۴۳ی.

جلنا : دخمه اولی بهزینه مهروانجی مانکجی جلناواله ـ گشایش ۱۱٦۰ی.

دخمه دومی بهزینه مهروانجی مانکجی جلناواله ـ گشایش بسال ۱۱۹۰ی.

دخمه انجمن ـ گشایش بروز شهریور و آبانماه ۱۲۴۰ی.

تاوری : دخمه انجمن ـ گشایش بروز اشتاد و شهریور ماه ۱۲۳۲ی.

تاراپور : دخمه انجمن ـ گشایش بروز آسمان و مهرماه ۱۲۳۵ی.

تهانه : دخمه بهزینه کاوسجی و دارابجی رستم‌جی پتل ـ گشایش بسال ۱۱۵۰ی.

دخمه بهزینه رستم‌جی کاوسجی پتل ـ گشایش بسال ۱۲۱۲ی.

دمن : دخمه کهنه آجری که بسال ۱۰۶۶ یزدگردی ساخته شده.

دخمه کهنه قدیمی که بسال ۱۱۹۹ی ساخته شده.

دخمه بهزینه جمشیدجی بهرامجی لشگری ـ گشایش بروز تیر و آذرماه ۱۲۰۰ی.

دیویر : دخمه بهزنیه دارابجی فریدون جی لشکری. گشایش بروز آسمان و خرداد ماه ۱۱۵۷ ی.

دخمه انجمن. گشایش بروز تیر و تیرماه ۱۲۰۸ ی.

دیو : دخمه بهزنیه جهانگیرجی نسروان جی وادیا. گشایش بروز خیر و شهریور ماه ۱۲۰۲ ی.

نوساری : دخمه بهزنیه مانک چنگه آشا بسال ۹۰۰ ی ساخته شده از و نیز در نامه های زرتشتیان بهند نام برده شده است.

دخمه بهزنیه مانکجی نوروزجی ستنه. گشایش بروز آدر و تیر ماه ۱۱۱۶ ی برلوح بپارسی نوشته شده که:

بنا کرد مانکجی پاک دین   بهشت برینی بروی زمین
بروز مبارک خور و ماه تیر   مرتب شده این بارگاه منیر
زسال جلوس شهٔ یزد کرد   هزار و صدو شانزده یاد کرد

دخمه بهزنه هرمزجی منوچهرجی بهابه. گشایش بروز اردیبهشت و مهرماه ۱۱۹۰ ی.

دخمه بهزینه نسروانجی رتن جی تاتا. گشایش بروز ورهرام و شهریور ماه ۱۲۴۷ ی.

نارگل : دخمه بهزینه منوچهرجی خورشیدجی ستنه بسال ۱۱۳۶ یزدگردی
ساخته شده و کهنه است .

دخمه انجمن . گشایش بروز دیمبهر و آذر ماه ۱۲۵۷ ی .

نیمچ : دخمه انجمن . گشایش بروز آبان و آبانماه ۱۲٤٦ ی .

پاردی : دخمه انجمن. گشایش بروز ورهرام و آذر ماه ۱۲۵۰ ی .

پونه : دخمه بهزینه سهرابجی رتن جی پتل . گشایش بروز اشتاد و شهریور
ماه ۱۱۹۴

دخمه انجمن . گشایش بروز انارم و مهر ماه ۱۲۰۴ ی .

بدنه را : دخمه انجمن . گشایش بروز خرداد و مهرماه ۱۲٦۲ ی .

بیلیمورا : دخمه کهنه انجمن که در حدود سال ۹۰۰ یزدگردی ساخته شده .

دخمه کهنه بهزینه رستم جی بهمن جی باتـلی والا . گشایش بروز
خرداد و خرداد ماه ۱۱۷۲ ی .

دخمه انجمن . گشایش بروز آذر و مهر ماه ۱۲۴۹ ی .

بردولی : دخمه انجمن . گشایش بروز ورهرام و آبانماه ۱۲۴۵ ی .

بنگلور : دخمه انجمن بکوشش هیربد پ اونوالا کشایش بـروز ورهرام و
مهر ماه ۱۳۰۹ ی .

بهروچ : دخمه کهنه و ویران ساخت آجر و قدیمتر از دخمه پشوتن .

دخمه پشوتن که بسال ٦۷۸ یزدگردی ساخته شده و مستعمل نیست.

دخمه انجمن اینهم کهنه است . گشایش بسال ۱۰۲۳ ی .

دخمه انجمن . گشایش بروز فروردین و خرداد ماه ۱۲۰۳ ی .

بهوشاول : دخمه انجمن . گشایش بروز مانتره‌سفد و تیر ماه ۱۲۵۸ ی .

ماؤ : دخمه انجمن . گشایش بروز ماه و آبانماه ۱۲۰۹ ی .

مدرس : دخمه بهزینه هیرجی مانکجی خراس بسال ۱۱۶۵ ساخته شده ولی
تاکنون استعمال نشده است .

مهوا : دخمه بهزینه مانکجی جیناجی و دین‌بائی پونجیه جی . گشایش بروز
سفندارمذ و آبانماه ۱۲۰۲ ی .

دخمه انجمن . گشایش بروز دیمهر و خرداد ماه ۱۲۵۹ ی .

بمبئی : دخمه بهزنیه هیرجی وچامدی . قدیمترین دخمه بمبئی و لوح ندارد.
بنا بمندرجات کتاب تاریخ بمبئی بسال ۱۰۴۱ یزدکردی ساخته شده.
دخمه بهزنیه مانکجی نوروزجی ست . بسال ۱۱۱۷ یزدکردی ساخته‌شده .
دخمه انجمن . لوح پارسی بچنین عبارت برآن نصب است » بنام ایزد
بخشاینده بخشایشکر مهربان . این دادگاه یعنی دخمه را موبدان و
بهدنیان هند مرتب ساخته بروز اشتاد بماه مهر ایزد سنه ۱۱۴۷ »
دخمه فامیلی منوچهرجی جیوانجی ردیمنی در چوپاتی . گشایش بروز
اردیبهشت و بهمناه ۱۱۵۵ ی . اینک معمول نیست
این شعر فارسی برلوح آن نصب است :

منوچهر ابن جیوان آن نکو نام   شد اندر سنک همچو زر بمعدن
برضوان مرغ روحش کرد پرواز   شب اردیبهشت و ماه بهمن
هزار و پنجه و پنج و دکر صد   گذشته شد سنه از حکم ذوالمن

دخمه فامیلی داداباهی نسروانجی در چوپاتی . گشایش بروز مهر و
آبانماه ۱۱۶۷ ی .

دخمه بهزینه فراجی کاوسجی بناجی . گشایش بروز سفدارمذ و آذر
ماه ۱۲۰۱ ی .

دخمه بهزینه کاوسجی ایدلجی بیشنی . گشایش بروز ماه و آبانماه
۱۲۱۳ ی .

ماندوی : دخمه انجمن ـ گشایش بروز اورمزد و امرداد ماه ۱۱۹۸ی .
راجکوت : دخمه انجمن ـ گشایش بروز ماه و تیرماه ۱۲۷۰ی
رندال : دخمه کهنه بخرج ردیمنی و نادرشاه ـ گشایش بروز اشتاد و شهریور ماه ۱۱۵۴ی .
دخمه انجمن ـ گشایش بروز مانتره سفند و شهریور ماه ۱۲۲۱ی
لناوله : دخمه انجمن ـ گشایش بروز ورهرام و امرداد ماه ۱۲۷۲ی
بادروه : دخمه انجمن ـ گشایش بروز امرداد و آذرماه ۱۲۱۱ی.
دخمه بهزینه سر جمشیدجی جی‌جی‌باهی ـ گشایش بسال ۱۲۱۹ی.
بلسر : دخمه کهنه قدیمی بدون تاریخ ، برابر دخمه دیکر ساخته شده .
دخمه انجمن ـ بسال ۱۰۱۴ یزدگردی ساخته شده .
دخمه انجمن ـ گشایش بروز سروش وتیرماه ۱۱۳۶ی .
دخمه انجمن ـ گشایش بروز مانتره سفند و شهریور ماه ۱۲۱۶ی .
ویاره‌سوندت : دخمه انجمن ـ گشایش بروز دیبمهر و امرداد ماه ۱۲۳۲ی .
سومالی : دخمه بهزینه رستم‌جی مانکجی اندی ـ گشایش بروز مهر واردیبهشتماه ۱۱۷۳ی .
سورت : دودخمه کهنه ساخت آجر بسیار قدیم و بحال ویرانی است .
دخمه بهزینه ناناباهی بهیمجی مدی ، شعر پارسی زیر بر لوح آن نقش است :ـ

دخمه یزدان پرستان حق سرشت صورتش البرز و در معنی بهشت
سال تاریخش به است از یزدکرد یکهزار و یکصد و سه در نوشت

دخمه بهزینه ناناباهی پونجیه جی درحد در سنه سال ۱۰۱۶ یزد کردی ساخته شده.
دخمه بهزینه منوچهرجی خورشیدجی ست ، گشایش بروز ارد و آبانماه ۱۱۴۰ی. بیت زیر برلوحش نقش است.

بنـام خدا داور راست کام چه دستور و موبدچه بهدین تمام
ببسته ستودانی از راه دین که فردوس کرده بر او آفرین
بتاریخش آمد زغیب این ندا بخوبی شد انجـام این به بنا

دو دخمه قدیمی برتن که در حدود سال ۱۰۹۴ یزد کردی ساخته شده است

دخمه سومی برتن، کشایش بروز مانتره سفند و آبانماه ۱۱۳۰ ای

دخمه چهارمی برتن ، کشایش بروز اورمزد امشاسپند و امرداد ماه ۱۱۹۶ ای

سورت : دخمه انجمن ـ گشایش بروز بهمن و امرداد ماه ۱۱۹۷ ای موقعیت آن بیرون دروازه شهر است.

دخمه انجمن ـ گشایش بروز بهمن و مهرمـاه ۱۲۰۱ ی. در پیپلود قریه اومرا قرار دارد

دخمه مخصوص برای موبدان بهگریه رستم پوره ـ گشایش بروز اشتـاد و شهریور ماه ۱۲۵۳ ی.

ستاره : دخمه انجمن ـ گشایش بسال ۱۲۲۶ یزد گردی

شولاپور : دخمه بهزینه ویکاجی و پستن‌جی مهرجی ـ گشایش بروز امرداد و امرداد ماه ۱۲۱۲ ی. بیت زیر برلوح آن نقش است :

بشولاپور شد دخمه گرامی ز ویکاجی و پستن جی نامی
بماه و روز مرداد و امرداد چوفردوس برین‌این جای بنیاد
بگفتم سال ایزدجردشاهش بسا پرنور جشن دادگاهش

حیدرآباد : دخمه بهزینه ویکاجی و پستن‌جی مهرجی ـ گشایش بروز ورهرام و فروردینماه ۱۲۰۹ ی.

دخمه انجمن ـ گشایش بسال ۱۲۸۶ یزدکردی

پاکستان

کراچی : دخمه بهزینه هرمزجی داداباهی گریالی ـ گشایش بروز انارم‌وتیرماه ۱۲۱۷ی

دخمه انجمن ـ گشایش بروز فروردین و آذرماه ۱۲۴۳ی

عربستان

عدن : دخمه بهزینه مهربانجی سهرابجی خسره‌گت ـ گشایش بروز امرداد و مهرماه ۱۲۱۶ی.

دخمه انجمن ـ گشایش بروز تیرواسفند ماه ۱۲۳۵ی.

برمه

مولمیم : دخمه انجمن ـ گشایش ۱۲۳۵ی.

ایران

شهرکرمان : دو میل دور از شهر کرمان در محلی بنام « ساد » دخمه کوچک قدیمی و متروک است.

دخمه دیگر دو میل دورتر از دخمه بالا در محلی بنام چهل برج قدیمی و متروک موجود است.

کرمان شهر : دخمه قدیمی کهنه در ۹ کیلومتری شمال شهر کرمان.

دخمه جدید، دهش دارابجی فرامجی پانده بنامکانه مادرش گلستان بانو بوسیله مانکجی لیمجی بسال ۱۲۳۶ ی. ساخته شد.

قنات غسان کرمان : دخمه انجمن بمبئی، گشایش بروز خرداد و امرداد ماه ۱۲۳۵ ی. اینک زرتشتیان در آنجا سکونت ندارند.

جوپار کرمان : دخمه انجمن بحال ویرانگی است زرتشتیان از آنجا رخت بربسته اند.

باغین کرمان : دخمه قدیمی است ولی درست است.

تهران : دخمه انجمن بتوسط مانکجی هاتریا ، گشایش ۱۲۳۱ ی. آقای ارباب جمشید شهریار سروشیار در حدود سال ۱۲۷۸ ی خیلهٔ در آنجا بساخت و راه رفتن بآنجا را هموار کرد که ماشین رو باشد. سپس ارباب بهرام اردشیر بنامکانه ارباب سروشیار اردشیر درب آنرا که خراب شده بود از نوساخت. امروز دخمه را بسته اندو بکار نیست.

یزد : دخمه بسیار قدیمی که در ۲۰ سال قبل متروک گشت.

دخمه مانکجی بهزینه انجمن ، اکابر صاحبان پارسی هند گشایش بروز فروردین و آبانماه ۱۲۲۵ ی.

دخمه گلسان گشایش ۱۳۰۰ یزدگردی.

چم : دخمه ساخت ارباب جمشید بهمن جمشیدیان بنامگانه و پول منشی اش دینیار شهریار گشایش ۱۲۷۶ یزدگردی.

آقای رشید جوانمردی از یزد به آقای میرزا سروش سهراسب نماینده انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی در ایران راد مردیکه ترقی و پیشرفت بنگاههای فرهنگی زرتشتیان در یزد مدیون خدمات گرانبها و وارستگی اوست چنـــین مینویسد «شادروان ارباب جمشید بهمن بزرگ (جمشیدیان) یکنفر منشی داشته بنام دینیار شهریار وقتی فوت میکند چون اولادی نداشته و حقوقاتی هم در نزد ارباب داشته. ارباب جمشید هم بمشورت و رهبری اشخاص خـیّر و دانا از جمله روانشاد خسرو مهربان اله آبادی بپاس خدمات منشی عزیزش بشادروان ارباب رستم دینیار دستور میدهند که در چند کیلومتری چم در بالای کوه

مناسبی دخمه ای مخصوص زرتشتیان تفت و حومه ساختمان و مخارجات آن محسوب فرمایند. چون دخمه نزدیک چم و جزو اراضی چم میباشد بدادگاه چم مشهور گردیده. سپس ساختمان دخمه بمعماری و نقشه کشی استاد مهربان اردشیر خرمشاهی و استادی استاد بهمرد مهربان مبارکهٔ و بسرپرستی و نظارت شادروان مرزبان ظهراب خدا مراد باغ خندانی انجام پذیرفته است.» لوح زیر بر بالای دروازه دخمه نصب است.

بنام خداوند آفریننده و آمرزنده. بهمت دهش پیشه ارباب جمشید پور آمرزش پناه بهمن برای یادگاری روح شاد دینیار مرحوم شهریار منشی باشی این بنای دادگاه محض آسودگی زرتشتیان تفت و حوالی آنجا بنیاد شد. بماشرت بهشتی روان رستم دینیار و سرپرستی مرزبان ظهراب تفتی و استادی استاد بهمرد مهربان هرمزدیار مبارکهٔ اتمام یافت بتاریخ دادار او رمزد و آذر ماه باستانی سنه ۱۲۷۶ یزدگردی (استاد مهربان اردشیر).

شریف آباد: دخمه انجمن بوسیله مانکجی، گشایش ۱۲۲۵ ی.
دخمه انجمن، گشایش ۱۳۳۰ ی.

ترکاباد: دخمه انجمن ۳ عدد میباشد ولی مستعمل نیست زیرا که زرتشتیان از آنجا رخت بربسته اند یکی از آنها هنوز سالم و دو بحال ویرانه میباشد.

بگفته پروفسور جکس در «ایران گذشته و حال» چهار میل مانده بدنبانه یکی از روستاهای خوانسار ویرانه دخمه زرتشتیان دیده میشود باوجود برف و تگرگی که در موسم بهار یعنی ۲۵ آوریل ۱۹۰۳ میلادی برسراو میبارید برای دیدن دخمه که مسافتی بیرون از راه بود میرود و استودان را درمیان دخمه می بیند. بنابراین زرتشتیان دوسه سده پیش در آنجا زندگی میکردند.

پذیرشگاهای پارسیان

هندوستان

اجمیر : پذیرشگاه دهش منوچهر شاه نسروانجی رستم فرام . گشایش بروز سروش و تیرماه ۱۲۷۱ ی .

علی باغ : پذیرشگاه دهش هیراجی هرمزجی باریا . گشایش بروز ورهرام و بهمنماه ۱۲۴۲ ی .

احمدآباد : پذیرشگاه دهش سهرابجی جی‌جی باهی . گشایش بروز تیر و شهریور ماه ۱۲۳۵ ی.

پذیرشگاه دهش خان بهادر نوروزجی پستن جی وکیل. گشایش بروز گوش و آبانماه ۱۲۶۲ ی.

اکوله : پذیرشگاه دهش بنام کوور هال جمشید جی پستن جی دستور . گشایش بروز ورهرام و آذر ماه ۱۲۶۶ ی .

ایچچه پور : پذیرشگاه دهش کاوسجی دهنجی باهی پاؤن واله . گشایش بسال ۱۲۲۸ ی .

پذیرشگاه دهش پیروزبائی داداباهی مانکجی وچه . گشایش بروز دیبآدر و شهریور ماه ۱۲۴۵ ی .

ایندور : تالار مهمانی ، دهش هرمزجی مانکجی بمگره . گشایش بروز سروش و اسفند ماه ۱۲۴۹ ی .

اودواده : پذیرشگاه ، دهش دواجرلیدی آوان‌بائی جمشیدجی جی‌جی باهی . گشایش بسال ۱۲۳۷ ی .

پذیرشگاه ، دهش دارابجی میستری بنام فریدون باغ . گشایش بروز آسمان و تیرماه ۱۲۷۰ ی .

پذیرشگاه ، دهش جمشیدجی سهرابجی اینتی. گشایش بسال ۱۲۷۰ ی.

گلود : پذیرشگاه ، دهش پستن جی خورشیدجی کاما برای استفاده عموم. گشایش بسال ۱۲۰۵ ی.

بوردی : پذیرشگاه ، دهش جمشیدجی نسوانجی پتیت. گشایش بسال ۱۲۵۸ی

ایلاو : تالار مهمانی، دهش جمشیدجی بروزجی میستری. گشایش بروز امرداد و تیر ماه ۱۲۳۹ ی.

اولپاد : پذیرشگاه ، دهش خورشید بائی آدر هومجی. گشایش بروز ارد و دیماه ۱۲۶۴ ی.

کلکته : تالار مهمانی ، دهش رستم جی کاوسجی بناجی. گشایش بروز سروش و فروردینماه ۱۲۰۹ ی.

پذیرشگاه ، دهش مانکجی رستم جی بناجی. گشایش بروز آبان و مهر ماه ۱۲۷۸ ی.

کودیانه : پذیرشگاه ، دهش سردینشاه مانکجی پتیت. گشایش بروز آسمان و بهمنماه ۱۲۶۴ ی.

گندیوی : پذیرشگاه ، دهش نوروزجی جمشیدجی وادیا بروانشادی پسرش بهمن. گشایش بروز رشن و دیماه ۱۲۱۸ ی.

دمن کوچک : پذیرشگاه ، دهش رتن بائی هرمزجی منوچهرجی کاما- گشایش بسال ۱۱۲۴ی.

دمن بزرک : پذیرشگاه ، دهش رتن بائی هرمزجی منوچهرجی کاما- گشایش بسال ۱۲۱۵ی.

نوساری : پذیرشگاه ، دهش سرجمشیدجی جی‌جی باهی معروف بجمشید باغ- گشایش بروز امرداد و آبانماه ۱۲۱۹ی

تالار مهمانی معروف بخورشید وادی ، دهش سرجمشیدجی جی‌جی‌باهی- گشایش بروز ورهرام و شهریور ماه ۱۲۲۲ی.

پذیرشگاه معروف بسهراب باغ ، دهش کاوسجی سهرابجی بهیدوار ـ گشایش بروز گوش و امرداد ماه ۱۲۳۷ی .

پذیرشگاه ، دهش کهاردار نوازبائی‌کوورجی هرمزجی بهابا ـ گشایش بروز اورمزد و آذرماه ۱۲۲۵ی .

پذیرشگاه بنام نوشیروان باغ ، دهش نسروانجی خورشید جی کنکا ـ گشایش بروز فروردین و آبانماه ۱۲۳۷ی.

تالار مهمانی بنام کاوس باغ ، دهش کاوسجی مانکجی تاتا ـ گشایش بروز دیبآدر و شهریور ماه ۱۲۴۶ی.

تالار مهمانی در درمهر بزرگ ، دهش دینبائی جهانگیرجی رستمجی مدی ـ گشایش بروز ورهرام و اسفند ماه ۱۲۷۴ی.

پاردی : پذیرشگاه دهش هرمزجی گنده باهی ـ گشایش بروز سروش و آذرماه ۱۲۵۰ی .

پونه : پذیرشگاه ، دهش هرمزجی سهرابجی تاری‌واله ـ گشایش بروز فروردین و فروردینماه ۱۲۳۹ی.

تالار مهمانی ، دهش نسروانجی مانکجی پتیت ـ گشایش بروز خرداد و خردادماه ۱۲۶۱ی .

تالار فروردینگان ، دهش دارابجی دینشاه‌جی عدن‌واله ـ گشایش بروز شهریور و اردیبهشتماه ۱۲۷۰ی .

بردولی : پذیرشگاه ، دهش سردینشاه مانکجی پتیت ـ گشایش بروز آسمان و بهمن ماه ۱۲۶۴ی.

بیلیمورا : پذیرشگاه ، دهش رستمجی مهروانجی بیلیموریا ـ گشایش بروز مهر و دیماه ۱۲۱۳ی.

بهروچ : پذیرشگاه بنام مهروان باغ ، دهش خانبهادر برزوجی مهروانجی فریزر ـ گشایش بروز هرمزد و آبانماه ۱۲۵۰ی.

تالارمهمانی بنام جمشید باغ، دهش جمشیدجی و سهرابجی هرمزجی اکره‌واله - گشایش بروز آسمان و شهریور ماه ۱۲۵۲ی

بهیشان: پذیرشگاه، دهش آوآن‌بائی کاوسجی بیژن‌جی آل‌بلس - گشایش بروز زامیاد و شهریورماه ۱۲۵۳ی

بمبئی کرل واری: پذیرشگاه، دهش رستمجی جمشیدجی چیجکر - گشایش بسال ۱۱۹۹ی

پذیرشکاه، دهش مهروانجی فراجی پانده - گشایش بروز مهر ومهر ماه ۱۲۳۵ی

فارت: تالارمهمانی دهش مانکجی‌ست - گشایش بسال ۱۲۱۲ی

قلابه: تالارمهمانی دهش جی‌باهی داداباهی - گشایش بروز سروش و شهریور ماه ۱۲۰۵ی.

بمبئی، قلابه: آسایشکاه، دهش مهروانجی فراجی پانده. گشایش بروز تیر و تیرماه ۱۲۳۵ ی.

آسایشگاه، دهش فراجی دینشاه پتیت گشایش بسال...

کتوادی: تالار مهمانی، دهش ایدلجی رستم جی سونه واله. کشایس بروز ارد و تیرماه ۱۲۳۶ ی.

تالار مهمانی بنام کامه باغ، دهش پهالنجی خورشید جی کاما. گشایش بسال ۱۲۳۸ ی.

گیرگام: تالار مهمانی بنام آل بلس باغ، دهش ایدلجی فراجی آل بلس. گشایش بروز باد و آذر ماه ۱۲۳۴ ی.

چوپاتی: آسایشگاه درد مندان، دهش فریدونجی سهرابجی پارخ. گشایش بسال ۱۲۳۳ ی.

پذیرشگاه مخصوص زرتشتیان ایرانی، دهش خورشید جی اردشیر دادی ست و سرکاوسجی جهانگیر ردیمنی بر دو لوح آن پارسی چنین نوشته «بنام پاک یزدان بخشنده مهربان، خیرات خانه خورشید جی اردشیرجی دادی سیتهه که بجهت پرورش غربای زرتشتیان داده فی سنه ۱۲۲۲ یزدجردی مطابق ۱۸۵۳ عیسوی موافق ۱۹۰۹ بکرماجیت» و برلوح دیگر چنین آمده «این مسافرخانه را سرکاوسجی جهانگیر ردیمنی نایت سی اس آئی بیادکار روح پر فتوح جدّامجد خود سیتهه خورشیدجی اردشیر از پول خویش بنا نموده بجهت مساکن زرتشتیان ایران در سنه ۱۲۴۱ یزدجردی سنه ۱۸۷۲ عیسوی»

« پایدونی: تالار مهمانی بنام آلهی باغ، دهش سرجمشید جی جی‌جی باهی. گشایش بروز شهریور و امرداد ماه ۱۲۶۴ ی.

لکهنو: پذیرشگاه، دهش هرمزجی شاپورجی لوک بیندار. گشایش بسال ۱۲۴۱ ی و در سال ۱۲۷۰ یزدگردی بهرامجی نوروزجی آنرا تعمیر نمود و بعد نیز برآن اضافه گشت.

لناوله: تالار مهمانی، دهش کاوسجی دینشاه جی عدن واله. گشایش بسال ۱۲۷۱ ی.

باروده: پذیرشگاه، دهش بهرامجی نسروانجی سیروائی. گشایش بروز آدر و آذر ماه ۱۲۳۷ ی.

بلسر: تالار مهمانی بنام نوروز باغ، دهش نوروزجی پستن جی کاپادیا. گشایش بروز آدر و تیر ماه ۱۲۴۹ ی.

سکندرآباد: پذیرشگاه، دهش ایدلجی سهرابجی چینائی. گشایش بروز مهر و امرداد ماه ۱۲۵۸ ی.

تالار مهمانی بنام پیروزه بانو هال ، دهش ایدلجی سهرابجی چینائی. گشایش بروز مانتره سفند و آدر ماه ۱۲۶۲ ی.

شگن پور : پذیرشگاه ، دهش مانکجی رتنجی سکنپوریا . گشایش بروز هرمزد و اسفند ماه ۱۲۴۱ ی.

شولا پور ؛ پذیرشگاه بنام کامه هال دهش هرمزجی دارابجی کاما و سردینشاه مانکجی پتیت گشایش بروز هرمزد و مهرماه ۱۲۵۸ ی.

سورت ، گوپی پوره : پذیرشگاه ، دهش جهانگیرجی نسروانجی وادیا ـ گشایش بروز هرمزد و مهرماه ۱۲۱۰ی.

نان پوره : پذیرشگاه ، دهش کاوسجی رستمجی تمنا ـ گشایش بروز ارد ودیماه ۱۱۱۸ی چون کهنه و خرابشد مهروانجی هرمزجی فریزر آنرا در چوکی محله ساخت بسال ۱۲۱٤ی.

رستم پوره : پذیرشگاه ، دهش ایدلجی دادابا هی سوخیا ـ گشایش بروز امرداد و اردیبهشتماه ۱۲۳۳ی

تالارمهمانی بنام الهی باغ ، دهش سرجمشیدجی‌جی‌جی باهی ـ گشایش بروز سروش و اردیبهشتماه ۱۲۲٤ی

سیدپوره : پذیرشگاه ، دهش رتنجی مانکجی اینتی ـ گشایش بسال ۱۱۷۱ی

سندی باغ : پذیرشگاه ، دهش منوچهرجی خورشید جی ست ـ گشایش بروز خرداد و فروردینماه ۱۱۳۱ی.

دهلی : پذیرشگاه منگوسی ـ سه بخش آنرا دینشاه ب چله و سرکاوسجی جهانگیر و منوچهرشاه برزوجی بیلیموریا در سال ۱۳۱۸ یزدگردی از دهش خویش بنانموده اند.

دهنورود : آسایشگاه ، دهش کاوسجی سهرابجی عدن‌واله ـ گشایش بسال ۱۳۱۰ی

تالارمهمانی بنام کاوس هال ، دهش کاوسجی بهرامجی ایرانی تفتی - گشایش
بروز فروردین وتیرماه ۱۳۰۸ی .

مدرس : پذیرشگاه در باغ بزرگی است و شامل بخشهای مختلف که درسالهای چند بوسیله دهشمندان ساختمان شده است

از قرار زیر : ساختمان فریدونجی مژگام واله بسال ۱۲۸۲ی . ساختمان زال فیروز بسال ۱۲۸۸ی . تالار فرامجی بمگاره بسال ۱۲۸۶ی. تالار سگن پوریا بسال ۱۳۲۹ی . ساختمان مرکزی انجمن بسال ۱۳۲۱ی . تالار انجمن بنامگانه فیروز کلب واله مخصوص برای مجالس اجتماعی و بازی و اسپورت بسال ۱۲۹۷ی .

بنگلور : پذیرشگاه ب انتی کشایش ۱۳۲۷ی .

کانپور : پذیرشگاه نوجواهری گشایش ۱۵ آگست ۱۹۵۰م

آگره : پزیرشگاه رستم فرامنا کشایش در ۹ نوامبر ۱۹۱۸ میلادی ولی درسال ۱۹۵۴م ازنو بوسیله انجمن ساخته شد .

جمشیدپور : اقامتگاه در پارسی هوستل برای مسافرین موقتی از انجمن

ایران

تهران : پزیرشگاه پارسائی ، دهش ارباب مهربان جمشید پارسائی ، گشایش ۱۳۱۲ ی .

تالار خسروی ، دهش ارباب خسرو خدایار خسروی ، گشایش مهرماه ۱۳۲۹ ی ،

. الون ایرج ، همان دبستان ایرج بوده که پس از انتقال آن بدبستان گیوبخرج انجمن بسالون ایرج تغییر شکل داده ،

جشنگاه وصل بآدریان انجمن ، دهش میرزا جمشید رشید کرمانی بنامگانه برادرش رستم و خواهرش سرور گشایش ۱۲۸۶ ی.

جایگاه پذیرائی در رستم باغ ، دهش ارباب رستم گیو ، گشایش ۱۳۳۲ ی.

تالار بهمن ، دهش ارباب بهمن آبادان نرسی آباد.

زاهدان : پزیرشگاه باستانی ، دهش ارباب کیخسرو کامه باستانی. برروی پذیرشگاه مخروبه جمشید خدا رحم نرسی آبادی ساخته شده. گشایش اردیبهشتماه ۱۳۳۳ ی.

تالار جشنگاه بانو یگانگی ، دهش برادرش دکتر اسفندیار بهرام یگانگی ، گشایش ۱۳۳۵ ی.

کرمان ؛ پذیرشگاه مهرابی ، دهش ارباب خداداد مهرابی.

جشنگاه رستم سروشیان کرمانی که برزمین پزیرشگاه مخروبه جمشید خدارحم نرسی آبادی ساخته شده گشایش ۱۳۳۵ ی.

یزد : گهنبار خانه ، دهش ارباب رستم خسرو صداقت.

پذیرشگاه باستانی ، دهش کیخسرو کامه باستانی. گشایش خرداد ماه ۱۳۱۸ ی.

اهواز : پذیرشگاه زمین اهدائی فریدون رشیدی در کیان آباد بسال ۱۳۳۵ی. ولی ساختمان هنوز آغاز نگشته.

شیراز : باغ وقفی ، دهش تجارتخانه جهانیان و انجمن.

تالار جمشیدی رستم در آرامگاه ، دهش ارباب رستم ماونداد. گشایش خیر و دیماه ۱۳۲۲ ی.

پاکستان

کراچی : پذیرشگاه و تالار مهمانی بنام جهانگیر باغ ، دهش جهانگیرجی جمشیدجی راجکوت واله ، گشایش ۱۲۵۸ ی.

پذیرشگاه در باشگاه زرتشتیان موسوم بساختمان سهراب که اینک بنشیمنگاه همیشگی زرتشتیان تبدیل گردیده.

کویته : پذیرشگاه خان بهادر اردشیر مارکار.

برمه

رنگون : پذیرشگاه شاپورجی کاوسجی کپتن ، گشایش ۱۲۸۴ ی.

انجمنهای پارسیان در گیتی

هندوستان

کلکته : انجمن خیریه دینی زرتشتیان. ۱ ـ سکلت پالاس کلکته. گشایش بسال ۱۲۳۴ ی.

کنگاش زرتشتیان پارسی « « « . گشایش بسال ۱۳۰۴ ی.

کتابخانه زرتشتی دهش سردینشاه مانکجی پتیت. گشایش بسال ۱۲۵۹ ی.

اکوله ، بیرار : خیریه زرتشتیان اکوله

امرولی : انجمن پارسیان امرولی

احمدنگر : انجمن پارسیان احمد نگر

احمدآباد : احمدآباد پارسی پنچایت
انکلیسر : انکلیسر پارسی پنچایت
ابورؤد : انجمن پارسیان ابورؤد وکوه ابو
اورنگ‌آباد : انجمن پارسیان اورنگ‌آباد
اجمیر : انجمن زرتشتیان اجمیر
اداژان : انجمن پارسیان اداژان
اله‌آباد : انجمن پارسیان اله‌آباد
اگره : انجمن زرتشتیان اگره ـ رستم باغ، پرتاب پوره
بیلمورا : انجمی پارسیان بیلمورا
بلگام : انجمن پارسیان بلگام
بهروچ : بهروچ پارسی پنچایت.
بلسر : انجمن پارسیان بلسر.
بروده : بروده پارسی پنچایت، فتح گنج. بروده.
بهاؤ نگر : انجمن پارسیان بهاؤ نگر.
بردولی : انجمن پارسیان بردولی، بردولی ضلع سورت.
دؤدهن : انجمن پارسیان دؤدهن. ضلع سورت.
بهیشان : انجمن پارسیان بهَیشان. ضلع سورت.
بهوشال : انجمن پارسیان بهوشال.
امراوتی : انجمن پارسیان بدنیرا و امروتی.
بنگلور : انجمن زرتشتیان بنگلور، ۱۵، کوینس رود بنگلور ۱.
بنارس : انجمن زرتشتیان بنارس.
بهوپال : انجمن زرتشتیان بهوپال.
کمبایت : انجمن پارسیان کمبایت.
چیکلی : انجمن پارسیان چیکلی، ضلع سورت.

دیویهر : انجمن پارسیان دیویهر، ضلع بلسر.
دهنورود: انجمن پارسیان دهنو.
دمن : انجمن پارسیان دمن.
دومس : انجمن پارسیان دومس.
دولالی : انجمن پارسیان دولالی.
دهروار : انجمن پارسیان دهروار.
دهلی : انجمن پارسیان دهلی. دهلی گت، متورا رؤد، نیو دهلی ۱
دیسا : انجمن زرتشتیان دیسا.
گندیوی: انجمن پارسیان گندیوی، ضلع سورت.
گدگ : انجمن زرتشتیان کدگ، ضلع پونه.
گودره : انجمن پارسیان گودره.
هوبلی : انجمن پارسیان هوبلی، مقابل پستخانه، هوبلی.
هرده : انجمن زرتشتیان پارسی هرده
ایگت‌پوری: انجمن پارسیان ایگت پوری
ایلاو: انجمن پارسیان ایلاو، ضلع بهروچ
ایندور: انجمن پارسیان ایندور
گلود : انجمن پارسیان گلود بُردی، ضلع تهانا.
جمناگر: انجمن پارسیان جمناگر.
جمشیدپور: کنگاش پارسیان جمشیدپور. صندوق پست ۸۸ جمشید پور. بهار.
جهانسی : انجمن پارسیان جهانسی.
جود پور: انجمن پارسیان جودپور.
جبلپور : انجمن پارسیان جبلپور. نی پیر تاؤن ۴۰۶/ ۱۶۵ جبلپور.
کرنج : انجمن پارسیان کرنج.
کالیکت : انجمن پارسیان کالیکت

کلیان : انجمن پارسیان کلیان
کانپور : انجمن پارسیان کانپور
کودیانه : انجمن زرتشتیان کودیانه
خیرگام : انجمن پارسیان خیرگام
کشمیر : انجمن زرتشتیان کشمیر ، بند ، شری‌نگر
لناوله : انجمن پارسیان لناوله و خنداله ، هوتل سنترل ، لناوله
لکهنو : انجمن پارسیان لکهنو
منماد : انجمن پارسیان منماد
متران : انجمن پارسیان متران ، لرد سنترل هوتل ، متران
مهو : انجمن پارسیان مهو
مندوی : انجمن پارسیان مندوی ، ضلع سورت
ماهووه : انجمن پارسیان ماهووه
مدرس : انجمن زرتشتیان مدرس
ناکپور : انجمن پارسیان ناگپور ، کامپتی ، پلم رؤد ناکپور
نوساری : نوساری سمست پارسی انجمن ، دستورواد ، متفلیه ، نوساری
نارگل : انجمن پارسیان ، ضلع بلسر
میتاپور : انجمن پارسیان اُخا مندل ، میاپور ، سوراشترا
اولپاد : انجمن پارسیان اولپاد
نیلگیری : انجمن زرتشتیان اوتکامند
پنچگانی : انجمن زرتشتیان پنچگانی
پردی : انجمن زرتشتیان پردی
پونه : پونه پارسی پنچایت ، ۱۲ ، مهاتما گاندی رؤد پونه ۱
پوربندر : انجمن پارسیان پوربندر
راجکوت : انجمن زرتشتیان پارسی راجکوت

راجنندگاؤن : انجمن زرتشتیان راجنندگاؤن
رتلام : انجمن زرتشتیان پارسی رتلام
رایپور : انجمن زرتشتیان رایپور و دورگ
سورت : سورت پارسی پنچایت بورد
نانپوره : انجمن زرتشتیان پارسی ، سورت نانپوره
رستم پوره : انجمن زرتشتیان پارسی رستم پوره سورت
سومالی : انجمن پارسیان سومالی ، ضلع سورت
ستاره : انجمن پارسیان ستاره
شولاپور : انجمن پارسیان شولاپور ، سوکروارپت شولاپور
سرونده : انجمن پارسیان سرونده
سکندرآباد : انجمن زرتشتیان پارسی سکندرآباد و حیدرآباد ، ۱۲۵ مهاتما گاندی رود ، سکندرآباد اندهیره پرادیش
سالست : انجمن پارسیان سالست
سیمله : انجمن پارسیان سیمله
تاراپور : انجمن پارسیان تاراپور
تهانه : انجمن پارسیان تهانه
تاودی : انجمن پارسیان تاودی
اودواره : انجمن پارسیان اودواره
وسو : انجمن پارسیان وسو
ویاره : انجمن پارسیان ویاره ، ضلع سورت
سگن پور : انجمن پارسیان سگن‌پور ، ضلع سورت
بمبئی : انجمن پارسی پنچایت فندو پراپرتیز
انجمن زرتشتیان ایرانی
سازمان جوانان زرتشتی

ویمنز ورکینگ گیلد
مهرجی باهی ب کسینت چریتی ترست
پارسی چریتی اورگنیزشن سوسایتی
پهالنجی ک لکده واله چریتی ترست
دکتر مانکجی منوچهرجی جیمی ادیوکیشنل ترست
رستم‌جی پ ملا چریتی ترست
داراشاه پهالنجی (پلمبر) چری‌تیز
مانکجی کاوسجی پتیت چریتی ترست
بهرامجی ک ستنه چریتی ترست
بهمنجی ا آل بلس فند
ایدلجی فرامجی آل بلس چریتی ترست
پیروزشاه دهنجی باهی آل بلس چریتی ترست
ایدلجی آل بلس ، آل بلس باغ فند
بهمنجی ایدلجی آل بلس چریتی فند
هرمزجی ایدلجی آل بلس چریتی فند
بانو مهربانو هرمزجی ایدلجی آل بلس چریتی فند
دهنجی باهی ماما چریتی ترست
بانو پیروزه‌بائی دارابشاه کپتن چریتی فند
بانو پیروزه‌بائی ماما چریتی فند
پیروزشاه مانکجی کاکا چری‌تیز
رستمجی کپتن چریتی‌فند
م . ن سیت پالی تکنیک اینستیتیوت ، کمک تحصیلی بدانشجویان
خورشیدجی ن کامه میموریل فند ، کمک بدانشجویان و دانش آموزان زرتشتی

پستن‌جی ن کره واله ترست
پانده چریتی فند
خیریه ایچه پوریه ویژه تعاون و مدد به بنیوایان و بیچارگان زرتشتی
نوشیروان‌جی مانکجی پتیت چریتی فند
ا. س. ف. چریتی فند
خورشیدجی سهرابجی ف. چریتی فند
انجمن میانه‌روی و گیاهخواری پارسی
انجمن رادی زرتشتیان ویژه برگزاری گهنبار و مراسم دینی
خیریه ویژه کمک بدوشیزگان دانش آموز دبیرستان دستور در پونه
جمشیدجی ا. وادیا پارسی ادیوکیشنل چریتی ترست
فند خیریه بینوایان زرتشتی ایرانی
خیریه بهبودی حال گروه بهگرست بمبئی
کاوسجی مانکجی و بانوزربانو کاوسجی چریتی تیز
بنگاه خیریه ن. م. پتیت
داداباهی نوروزجی داور چریتی فند
ف. م. کامه چریتی ترست
بانومیتی‌بائی و مهروانجی دهنجی‌باهی چریتی فند
بانوهیره‌بائی و مهروانجی دهنجی‌باهی مهروانجی جی‌جی‌باهی چریتی فند
بهرامجی جی‌جی‌باهی چریتی ترست
کوکانه چریتی ثیز
بانو ائی‌مائی چریتی فند
نوروزجی کاوسجی شاعر و بانوپیروزه‌بائی چریتی ترست
دادا باهی مانکجی وچا چریتی
خیریه درمانگاه رستم جی مهتا برای بینوایان پارسی

خیریه سرجمشیدجی جی‌جی‌باهی بارون اول
س. م. ستنه چری‌تیز
سرجمشیدجی جی‌جی‌باهی بنگاه خیریه پارسیان
نسروانجی دارابجی بهادا چری‌تیز
کمیته درمانگاهی برای رسیدگی بهداشت و درمان کودکان دبستانهای خیریه پارسی
زایشگاه خیریه پارسی و کلینیک کودکان
انجمن زرتشتیان
مانکجی نوروزجی سیت چریتی
بانو آبان‌بائی کاوسجی پتیت چریتی فند
هنرستان پارسی بهرامجی ن گامادیا
هرمزجی بود چریتی ترست
بانو متلی بائی وادیا چریتی ترست، ویژه کمک بدانشجویان پارسی درهررشته تحصیل
خیریه فرهنگی یاد روانشاد دکتر بانو موتی‌بائی رستمجی کپادیا
کتوادی شهنشاهی چریتی‌فند
خیریه سردینشاه مانکجی پتیت بارون اول
سر دینشاه مانکجی پتیت بارون اول چریتی فند، مخصوص بینوایان و تجهیز و تکفین
پستن جی رستم‌جی حکیم‌جی چریتی مخصوص بیماران
نانا باهی بیژنجی چاکسی چری‌تیز
بانو هما بائی کامه چریتی
بانو مانک بائی وچا فند
فرامجی هرمزجی بهمن‌جی ستنه چری تیز

کاوسجی بهرامجی دیوچه ترست
مهروانجی پستن‌جی حکیم‌جی ترست ستلمنت ویژه کمک به بنیوایان
خانواده واقف و مراسم دینی بیچارکان زرتشتی
هرمزجی ایدلجی کامه چریتی ترست
بانومانک‌بائی وچا فند
ملگام واله چری تیز
دهنجی‌بائی کامه چریتی فند
بانو پیروزه بائی ف. بهمن‌جی چریتی فند
چیکلواری بایس بلدینی ترست فند ویژه مراسم دینی و کمک فرهنگی
جام جمشید چریتی فند یا خیریه پارسیان بینوای بیچاره
مانکجی ن پتیت و همابائی پتیت چریتی فند
لعل‌کاکا فامیلی چریتی فند ویژه کمک به بینوایان بدبخت
فراجی ب خان چریتی تیز
پستن‌جی دینشاه‌خان چریتی
خداداد کشتاسب کرمانی چریتی فند
ن. پ. کنی چریتی فند
خورشید مندل ترست
بانوهمابائی ن دادی و دادی نسروانجی ترست فند
بیکاجی دادی ست چریتی ترست
پارسی پبلیک سکول سوسایتی
پ. ا. هرمزجی چریتی فند
روئین تن باریه چریتی فند
ا. هـ. وادیا چریتی ترست
بمبئی پارسی تکستایل لیگ

بمبئی ورتمان فند
پارسی املیوریشن کمیتی
سرداراب تاتا ترست
سررتن تاتا چری تیز
انجمن بهبودی حال زرتشتیان ایران
خیریهٔ بی نام
بعلاوه انجمنهای بسیاریست با اوقاف ویژه برای هزینه و تعمیر
پرستشگاه های بخصوص که از ذکر آن خودداری شد.

عربستان ـ عدن : پارسی پنچایت ، استیمر پونت
سیلان : انجمن پارسیان سیلان ، کول پتی ، کلمبو۳
هانکانگ : انجمن خیریه زرتشتیان هانکانک ، کانتن ومکاو ، ایس هاوس استریت ۹ هانکانگ
پاکستان شرقی : انجمن پارسیان پاکستان شرقی ، سدرگت رود چیتاگانگ۲
لندن : اتحادیه انجمن پارسیان اروپا ، ۱۱ ، رسل رود ، کنسینگتن ، لندن ۱۴
پاکستان غربی : انجمن پارسیان کراچی ، پریدی‌استریت ، کراچی ۳ گشایش ۱۲۰۵ی
انجمن پارسیان لاهور ، مال ، لاهور گشایش ۱۳۰۰ی.
انجمن پارسیان کویته
انجمن پارسیان راولپندی
ملایا : انجمن پارسیان ملایا ، ۸ ناپیر رود ، سینگاپور ۱۰
افریقا ، ممباسه : انجمن پارسیان ممباسه ، صندوق پست ۱۳۰۴ ممباسه ، کنیا ، افریقای شرقی
نیروبی : انجمن پارسیان نیروبی ، صندوق پست ۷۳۵۴ نیروبی ، کنیا

انجمنهای زرتشتیان در ایران

تهران : انجمن زرتشتیان تهران ، گشایش بسال ۱۲۷۶ یزد گردی

سازمان زنان زرتشتی ، گشایش بسال ۱۳۲۹ ی. ساختمانش دهش بانو لعل جمشیدیان

سازمان فروهرجوانان زرتشتی گشایش درخانه بهمرد آبادان بروز دیبآدر وتیرماه ۱۳۳۳ی

کانون پزشکان زرتشتی گشایش ۱۳۳۱

یزد : انجمن زرتشتیـــان یزد ، گشایش بروز باد و شهریور ماه ۱۲۶۱ی.

مانکجی هاتریا در سال ۱۲۲۵ی در یزد انجمن پنچایت تشکیل داد که هرماهه مرتبا جلسه داشتند و بکارهای جماعت رسیدگی میکردند

جلسه بانوان زرتشتی یزد ، گشایش بسال ۱۲۹۳ی. اینک بروز اردو تیرماه ۱۳۳۲ی بسازمان زنان زرتشتی یزد نامور گردید

سازمان دوشیزگان زرتشتی

انجمن زرتشتیان تفت و توابع

انجمن زرتشتیان شریف‌آباد و توابع (حسن‌آباد و مزرعه کلانتر)

انجمن زرتشتیان کوچه بیک

انجمن زرتشتیان نرسی‌آباد

انجمن زرتشتیان اله‌آباد

سازمان جوانان زرتشتی

انجمن زرتشتیان مریاباد

سازمان جوانان زرتشتی نصرت‌آباد

انجمن زرتشتیان رحمت‌آباد

اهواز : انجمن زرتشتیان اهواز گشایش بروز دین ایزد و فروردینماه ۱۳۲۴ی

سازمان جوانان زرتشتی ، اهواز گشایش مهرماه ۱۳۳۱ی

اصفهان : انجمن زرتشتیان اصفهان تأسیس ۱۳۳۳ی
شیراز : انجمن زرتشتیان شیراز
زاهدان : انجمن زرتشتیان زاهدان
کرمان : انجمن زرتشتیان کرمان . گشایش بسال ۱۲۶۲ی. اما مانکجی
هاتریا درسال ۱۲۳۵ی در آنجا تشکیل پنچایت داد و نخستین جلسه
آن بروز دیبآدر و خرداد ماه بود
کمیته خیریه خداداد مهرابی
جمعیت خیریه زرتشتیان کرمان

آموزشگاهای پارسیان در هند

آموزشگاهای خیریه و نیم خیریه

دبیرستانهای پسران :

دبیرستان خیریه سرجمشیدجی جی‌جی باهی. ویژه پارسی. بمبئی
دبیرستان خیریه بهرام جی جی‌جی باهی. ویژه پارسی. بمبئی
دبیرستان خیریه شت ج. د. بمبئی
دبیرستان سرجمشید جیجی باهی. سورت
دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی. اودواده
دبیرستان خیریه شت ج. د. اودواده
دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی. بهروچ
دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی. بلسر
دبیرستان بانو آبان بائی. بلسر
دبیرستان ن. م. وادیا. نارگل

دبیرستانهای دوشیزگان :

دبیرستان خیریه سرجمشید جی جیجی باهی. بمبئی فارت

دبیرستان گامادیه وابسته بانجمن دبیرستان دوشیزگان پارسی . بمبئی چندن وادی

دبیرستان بنگالی « « « « بمبئی فارت

دبیرستان بانو رتن بائی ف . د . پانده . بمبئی ، تاردیو

دبیرستان سرکاوسجی جهانگیر . بمبئی

دبیرستان بانو رتن بانو ف پاوری . بمبئی

دبیرستان خیریه سرجمشید جی جیجی باهی . بمبئی پرنسس استریت

دبیرستان خیریه سرجمشید جی جیجی باهی . بمبئی پرل

دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی . سورت شاهپور

دبیرستان بانو نواز بائی تاتا . نوساری

دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی . نوساری

دبیرستان شت دادا باهی کاوسجی تاتا . نوساری

دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی . نوساری

مدرسه سرکاوسجی جهانگیر . نوساری

دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی بیلیمورا

دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی گندیوی

دبستان دخترانه بنام بانو دولت خداداد و دبستان پسرانه بنیاد خداداد نوشیروان بهمرد نرسی آبادی در دهنورؤد گشایش ماه مه ۱۹۲۸ میلادی . روانشاد خداداد بانی دبستان از کشاورزان بینوای نرسی آباد یزد بوده که بسال ۱۲۵۹ یزدگردی از ایران به بمبئی مهاجرت اختیار میکند و پس از یکسال نوکری در بمبئی چون کشاورز بوده به دهنورود میرود و در آنجا بااجاره زمین بکشاورزی مشغول میگردد . پس از تحصیل وجهی چهار سال بعد بسال ۱۲۶۳ ی اراضی کشاورزی میخرد و چون اطراف اراضی مذکور کم‌کم آباد و روستا

بشهر تبدیل میگردد برروی بخشی از آن دبستان نامبرده را بنا و به انجمن شهرداری بخش تقدیم مینماید. وی معتقد بود که چون در آن روستا بسر و سامانی رسیده است وظیفه وجدانی اوست که در آبادانی آن سهیم باشد اینک فرزند او مهربان نیز خدمات گرانبهائی بتصدیق دوست و دشمن و مقامات مربوطه دولتی بشهر مذکور نموده و مینماید. روانشاد خداداد برادر مهتر روانشاد بهمرد نوشیروان یزدانی است و او نخستین زرتشتی ایرانی است که در بمبئی مغازه آذوقه فروشی اروپائی تاسیس نمود و بنیاد گذار انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی است. هنگام وفاتش کلیه مغازه های آذوقه فروشی بمبئی چه هندو چه مسلمان و چه زرتشتی مغازه های خود را باحترام او تعطیل نمودند.

دبیرستان سر جمشید جی جیجی باهی. سورت، نان پوره

دبیرستان سرجمشید جی جیجی باهی. سورت، رستم پوره

دبیرستان بانو مؤتله بائی وادیا. بهروچ، گشایش بسال ۱۲۸۳ ی و دهسال بعد بساختمان باشکوه‌تر منتقل گردید.

دبیرستان یاد دهنجی جمشید جی نسروانجی پتیت بوسیله دهشمندان بهروچ، گشایش بروز نوروز جمشیدی ۱۲۷۲ ی.

دبیرستانهای شبانروز پسران

پرورشگاه ج. ن. پتیت ویژه پارسیان. پونه

پرورشگاه پسران پارسی. سورت

دبیرستان پارسیان. پنجگانی

دبیرستان نوشبانروزی پارسی. ناسیک

دبیرستان سردار دستور هوشنگ. پونه

پرورشگاه بانو دوسی بائی کوتوال. نوساری

دبیرستانهای شبانروزی دوشیزگان

پرورشگاه بانو آبان بائی پتیت ویژه پارسیان. بمبئی بندره
دبیرستان شبانروزی بهاته. پنجگانی
دبیرستان بانو دهن‌مائی کاوسجی. خندااله
دبیرستان سردار دستور نوشیروان. پونه

دبیرستانهای بازرگانی ویژه پسران

دبیرستان نوبهارده. بمبئی
دبیرستان ماستر تیوتوریال. بمبئی
دبیرستان گرنت رود، بمبئی
دبیرستان فارت و پروپریتری بمبئی
دبیرستان امپریال بمبئی
دبیرستان شت ا. ن. جین واله. انکلسر
دبیرستان س پ حکیم‌جی، بوردی گلود
دبیرستان د ا ایتالیه، چیکلی
دبیرستان نو انگلیسی، نارگل

دبیرستانهای بازرگانی ویژه دوشیزگان

دبیرستان پرنسس، بمبئی، گرنت رود
دبیرستان ج ب پتیت، بمبئی، فارت
دبیرستان انگلیسی الکساندر، بمبئی، فارت
دبیرستان ج ب وچا، بمبئی، دادر

شبانروزی پسران

دبیرستان شبانروزی زرتشتیان، دولالی
دبیرستانهای صنعتی ویژه پسران
دبیرستان صنعتی ر ه پتاک، اندری، بمبئی

هنرستان پارسی ب ن گمادیا ، بمبئی ، تردو
دبیرستان الکتریک تکنولوژی سرخسرو وادیا ، پونه .
دبیرستان تاکنیکی ف س پارخ ، سورت
بنگاه پالی تکنیک پارسی سهراب نسروانجی پارخ ، سورت
پرورشگاه ج ن پتیت ، پونه

دبیرستان صعنتی ویژه دوشیزه‌گان

پرورشگاه بانو آبان بائی قرامجی پتیت ، بمبئی ، بندره
بنگاه فرهنگی اردشیر سهرابجی پتل ویژه هنرهای خانگی بمبئی ، فارت
بنگاه فرهنگی اردشیر سهرابجی پتل ، ویژه هنرهای خانگی ، بمبئی چندن وادی .
دبیرستان صنعتی بانو ر. ف. پادری ، بمبئی کتواری .
کلاسهای بانوان ویژه هنرهای خانگی ، وابسته بدبیرستان موتله بائی وادیا ، بمبئی دادر .
بنگاه ورزشی سردینشاه مانکجی پتیت ، بمبئی دوبی تلاو .
بنگاه ورزشی پشوتن‌جی دوساباهی مارکار بمبئی مژگان .

آموزشگاهای زرتشتیان در ایران

تهران : دبستان جمشیدجم ویژه پسران ، دهش ارباب جمشید بهمن جمشیدیان. گشایش ۱۲۸۶ ی .

دبستان دخترانه در خانه موقوفه اسفندیار خداداد تفتی ، ولی بروز خیر و بهمنماه ۱۲۷۸ ی بساختمان نو بنام دبستان ایرج دهش بانوان سونابائی جهانگیر کاتلی و زربائی سهرابجی خمباتا و انجمن منتقل گردید . اما بواسطه شماره روز افزون دانش آموزان باز بساختمان بزرگتر و مدرن بنام دبستان گیو دهش وارث ارباب گیوشاهپور و انجمن منتقل گشت . کشایش بروز خرداد و اردیبهشتماه ۱۳۱۷ ی .

دبستان فیروزبهرام ویژه پسران ، دهش بهرامجی ویکاجی و انجمن گشایش بسال ۱۳۰۲ ی.

دبستان نوشیروان دادگر ویژه دوشیزگان ، دهش بانو رتن بائی بـاجی تـاتـا و انجمن ، گشایش بروز گوش و شهریورماه ۱۳۱۵ ی.

دبستان دولت نامداران در تهران کاخ ، گشایش ۱۳۳۰ ی.

کودکستان رستم آبادیان ، گشایش شهریورماه ۱۳۱۷ ی.

دبستان استاد ماسترخدابخش ویژه دوشیزگان ، دهش‌ارباب رستم گیو ، گشایش ۱۳۳۲ ی.

دبستان استادپور داود ویـژه پسران ، دهش اربـاب رستم گیو ، گشایش ۱۳۲۲ ی.

تالار ورزش بانومنور برخوردار آبادیان ، گشایش اردیبهشتماه ۱۳۳۳ی برای استفاده دانش آموزان دبستان انوشیروان دادگر ، واقع در محوطه باغ قصر فیروزه.

دبستان و دبیرستان و حمام ، دهش ارباب رستم گیو سناتور ایران برای استفاده سـاکنین مسلمان در روستـای کوهان واقع در دماوند. ثبوت فراخی حوصلـه و خدا پرستی زرتشتیان اینست که ارباب رستم گیو دهشمند خیرخواه زرتشتی حتی محل عبادت مسلمانـان را بنـام مسجد از کیسه فتوت خویش سـاخت تـا مسلمانان با راز و نیاز باخدا در آنجا مشغول شوند.

روانشاد مانکجی هاتریا بسال ۱۲۳۶ ی از سوی انجمن اکابر صاحبان بمبئی یک دبستان شبانروزی در تهران تاسیس نمود. ولی ۹ سال بعد بـواسطـه مخالفتهای زرتشتیان ایـران با او ، انجمن اکابـر صاحبان آنرا تعطیل نمودند. اما بانودینبائی نسروانجی پتیت بسال ۱۲۵۲ ی دبستان روزانه بنام نسروانجی مانکجی پتیت باز کرد و تا هشت سال ادامه داشت و باز تعطیل گردید.

دبستان در کوی زرتشتیان بنیاد مانکجی هاتریا حدود ۱۲٤۰ ی بآموزگاری استاد جوانمرد شیرمرد و سپس استاد کیزمرس و اند سالی پیش از تاسیس دبستان کیخسروی تعطیل گردید.

یزد: دبستان و دبیرستان کیخسروی، دهش ارباب کیخسرو مهربان و انجمن گشایش ۱۲۵۸ ی.

دبستان خسروی ویژه دوشیزگان دهش ارباب خسرو شاهجهان، گشایش ۱۲۷۲ ی ولی در سال ۱۲۹۷ ی با دبستان دستوران ضمیمه دبستان و دبیرستان دخترانه مارکار گردید.

دبستان خسروی ویژه پسران، دهش ارباب خسرو شاهجهان، گشایش ۱۲۷۵ ی.

پرورشگاه، دبستان و دبیرستان مارکار ویژه پسران دهش پشوتن‌جی مارکار و انجمن، گشایش ۱۲۹۱ ی.

دبستان و دبیرستان مارکار ویژه دوشیزگان، دهش پشوتن‌جی مارکار و انجمن، گشایش بهمن ماه ۱۲۹۶ ی.

دبستان دینیاری، دهش ارباب رستم خسرو صداقت، گشایش در حدود ۱۲۸٤ ی.

کودکستان رشید، دهش رشید بهرام ایدون، گشایش ۱۳۰۴ ی. این آموزشگاه شهریه نمیگیرد مگر از کسانی که خود میلا بعنوان کمک بهزینه بپردازند. وزارت فرهنگ از حسن فعالیت این کودکستان نشان درجه یک علمی را در غیاب ایدون ببانو سرور رشید ایدون دخت اردشیر اعطا کرد و همچنان بلقیس خانم مشکیان مدیر کودکستان را نیز با اعطای همان مدال سرافراز ساخت.

آموزشگاه های دیه های یزد

خرمشاه: دبستان خدادادی ویژه پسران، دهش خداداد رستم خرمشاهی کنتراکتر و انجمن، گشایش ۱۲۵۸ ی. دانش آموزان دیه های

اهرستان، خیرآباد، کوچه‌بیک، آبشاهی، قاسم‌آباد و محمدآباد در این دبستان تا ایجاد دبستان در دیه های خود شان تعلیم میگرفتند.

دبستان دوشیزگان اردشیری، دهش اردشیر کیخسرو کشتاسب و انجمن، گشایش ۱۲۶۰ ی.

کوچه‌بیک: دبستان پسرانه هرمزدیاری، دهش هرمزدیار شهریار کوچه‌بیکی، گشایش ۱۲۶۰ ی.

دبستان دوشیزگان رستمی چون ساختمانش بحال ویرانی رسید، شهریار بمان فروغی و دیگران دبستان بزرگتر و با آبرومندتری ساخته بدانجا منتقل گشت.

رحمت‌آباد: دبستان پسرانه انجمن، گشایش ۱۲۷۳ ی.

دبستان دوشیزگان جمشیدی، دهش جمشید خدارحم نرسی آبادی و انجمن، گشایش مهرماه ۱۲۹۱ ی.

قاسم‌آباد: دبستان پسرانه کشتاسپی، گشایش ۱۲۷۳ ی.

دبستان دوشیزگان ماهیاری، دهش کیخسرو خداداد اشتری، گشایش تیرماه ۱۲۹۶ ی.

مریاباد: دبستان پسرانه انجمن، گشایش ۱۲۷۶ ی.

دبستان رستمی، دهش بانو تهمینه رستم، گشایش ۱۳۰۸ ی.

شرفاباد: دبستان پسرانه خسروی دهش کیخسرو مهربان رستم بنامگانه برادرش گشایش ۱۲۶۰ ی.

دبستان دخترانه خرمنی دهش میرزا اردشیر رستم‌خان کیامنش بنامگانه والده خود خرمن گشایش ۱۲۹۸ ی.

نرسی‌آباد: دبستان خدابخشی، دهش خدابخش بهمرد و انجمن گشایش ۱۲۶۱ ی. ولی در سال ۱۲۸۴ یزدگردی رستم یزدآبادی ساختمان نو ساخت و بدانجا منتقل و بدبستان رستمی نامور گردید.

دبستان دخترانه مهر نرسی‌آبادی دهش مهربان بهرام فلاحت گشایش
۱۳۰۳ ی.

مبارکه: دبستان پسرانه، دهش اردشیردادی و مرزبان ظهراب، گشایش
۱۲۶۰ ی. دانش آموزان زین‌آباد، چم و حسینی آنجا میآموختند.

اله‌آباد: دبستان پسرانه گودرزی دهش ارباب گودرز مهربان و انجمن
گشایش ۱۲۷۰ ی.

دبستان دوشیزگان شاپوری، دهش شاپور فریدون اله‌آبادی و انجمن،
گشایش ۱۳۰۵ ی.

دبستان زرتشتی بنیاد خسرو مهر اله‌آبادی بآموزکاری استاد بهرام
نرسی‌آبادی حدود سال ۱۲۴۵ ی ولی بواسطه حمله مسلمانان
حوالی پس از اندک زمان بسته گردید.

تفت: دبستان پسرانه دهش رستم بهرام تفتی ظهراب و انجمن گشایش
۱۲۶۰ ی قبلاً این دبستان در محله بابا خندان بود سپس بمحله
راحت آباد منتقل گشت.

محله بابا خندان تفت: دبستان پسرانه شیرین، دهش فرزندان مرزبان ظهراب
تفتی، گشایش ۱۲۹۵ ی.

دبستان دوشیزگان مرواریدی دهش خدارحم مرزبان تفتی کشایش
۱۲۹۴ ی اینک در شرف تعطیل است.

اهرستان: دبستان پسرانه جاماسبی، گشایش ۱۲۸۳ ی.

دبستان دوشیزگان رستمی، دهش شهریار رستم اهرستانی، بنام رستم
خدادادبمان گشایش ۱۲۹۷ ی.

خیرآباد: دبستان دخترانه شیرین زنج، دهش کلنل مهربان ایرانی، گشایش
بسال ۱۳۰۳ ی. بدست بانو همابائی مهتا و حضور جهانگیر مهتا
و پشوتن مارکار، بهرام‌گور انکلساریا، دکتر مهرموجی و کلنل
مهربان از پارسیان هندوستان.

زین‌آباد : دبستان مختلط .

چم : دبستان پسرانه خدابخشی دهش خدابخش خداداد بهمردی چمی
گشایش ۱۲۹۰ ی .

دبستان دخترانه خدابخشی گشایش ۱۲۹۰ ی .

نصرت‌آباد : دبستان مختلط اردشیری دهش اردشیر مهربان فرهی گشایش
مهرماه ۱۲۹۱ ی .

علی‌آباد : دبستان مختلط فریدونی دهش فریدون اسفندیار کسنویه گشایش
مهرماه ۱۲۹۱ ی .

جعفرآباد : دبستان مختلط جمشیدی دهش جمشید بهرام جعفرآبادی گشایش
۱۳۰۷ یزدگردی .

مزرعه‌کلانتر : دبستان پسرانه انجمن گشایش ۱۲۷۴ ی .

حسین‌آباد : دبستان پسرانه انجمن گشایش ۱۲۷۵ ی .

کرمان : دبستانی دخترانه شهریاری ، دهش شهریار خدابخش تفتی ساکن
رنکون ، برمه گشایش شهریور ماه۱۲۸۷ی تا مدت۲۳ سال بهزینهٔ خود
بانی اداره میشد . سپس بوسیله انجمن زرتشتیان کرمان اداره میکردد.

دبیرستان دخترانه کیخسرو شاهرخ ، دهش انجمن ، گشایش ۱۳۱۹ی.

دبیرستان پسرانه ایرانشهر ، دهش ارباب گشتاسب سروشیان و انجمن
گشایش ۱۳۲۳ ی . در گذشته این دبیرستان بدبستان کاویانی نامور
بوده . بواسطه فرسودگی ساختمانش بساختمان تازه منتقل و دبستان
ایرانشهر نامیده شد . دبستان کاویانی در سال ۱۲۶۰ یزدگردی
بوسیله انجمن اکابر صاحبان بمبئی دایر شد و نیز دبستانی در
همانسال در جوپار و پنج سال بعدتر دبستانی در اسمعیل‌آباد
دایرشد اما ، این دو دبستان پس از چندی تعطیل گردید .

کودکستان اردشیر همتی کرمانی دهش ارباب اردشیر خسرو همتی
گشایش ۱۳۱۸ ی .

سالون سرپوشیده ورزشی بااستادیوم ورزشی دهش ارباب اردشیر همتی
گشایش آذر ماه ۱۳۳۲ ی بدست والا حضرت شاپور غلامرضا پهلوی

آموزشگاهای پارسیان در پاکستان

کراچی : دبیرستان پسرانه بنام بانو ویربائی جی سوپاری واله گشایش ۱۲۲۹ی.
دبیرستان دوشیزگان بنام ماما دهش خان بهادر اردشیر هرمزجی ماما گشایش ۱۲۸٦ ی.

رسم ستایش آتش بین گروههای گوناگون

ژهن ریچردسن دانشمند اروپائی در مورد آئین زرتشتی مینویسد «جشنهائی که در ماه آذر گرفته میشود بسیار دلکش، زیبا، نشاط آور و روح انگیز میباشد. آتشکدها تمام روشن و موبدان و بهدنیان با جامه های سفید در آن پرستشگاهای شادی بخش در برابر زبانه های فروزان و درخشان آذر ببندگی اهورامزدا میپردازند.

اکبر شاه گورگانی در سال ۱۵۵۵ میلادی برتخت پادشاهی هند نشست و بنیاد دین آلهی گذاشت. در اوایل سلطنت در عبادتخانه خود پیشوایان جمیع مذاهب را دعوت و آنها را بمباحثه و مکالمه و مجادله وامیداشت. در آن موقع دستور مهرجی رانا از طرف پارسیان در پایتخت حاضر بود و حقایق دین زرتشتی را بشاهنشاه فهمانید. شاهنشاه بنا بقول تاریخنویسان وقت بسوی دین زرتشتی متمایل و آتشکده‌ای در قصر خود بنانهاد و جشنها و تقویم زرتشتیان و نوروز و جشن مهرگان را در هند معمول ساخت. تقویم و اعیاد اسلامی را از نقطه نظر دولتی از رسمیت انداخت. (شرح این واقعه در بخش اول فرزانگان زرتشتی تالیف نگارنده مشروحاً

آمده است .) صاحب دبستان المذاهب ماظرات و مباحثات دینی در عبادتخانه اکبر شاه و نتایج حاصله از آن که تبلیغ دین آلهی بود در تعلیم دهم کتاب خویش بتفصیل نوشته است .

رومیان معتقدند رب النوع ویستا بر آتش حاکم و اینیوس Inius کشتی‌گیر تراژان سالها پیش از میلاد و بعد از جنگ تراو رسم ستایش آتش را میان رومیان معمول ساخت . سپس پادشاه روم نیما Niyama پادشاه روم ساختمانی در دامنه کوه فلسطین بنا نمود و آتش را در آن جایداد و تا یکهزار سال همواره فروزان بود . نیما دختران باکره را بجای مردان برای خدمت آتشبانی برمیگزید . در اوایل فقط چهار نفر دختر درخدمت آتش قیام میکردند و بعدها دو نفر دیکر برآن افزودند و شس نفر شدند . دخترانی که برای خدمت آتش انتخاب میشدند شش ساله الی دهساله بودندو سالها در زیرنظر استادان ورزیده روش و تشریفات آتشبانی را یاد میگرفتند . پس از پایان دوره آموزش تا مدت دهسال درخدمت آتش ویستا قیام داشتند و باز بعد از پایان مدت بتعلیم دختران آتشبان جدید میپرداختند . خدمتکاران ویستا از روز شروع بخدمت سرخویش را بکلی میتراشیدند . مردان در محوطه آتش مقدس ویستا راه نداشتند . دختران آتشبان بایستی آتش درخشان را همیشه فروزان نگاهدارند . اگر خطائی از آنها دراین مورد سرمیزد با ضرب شلاق تنبیه میشدند . زیرا اگر آتش خاموش میکشت معتقد بودند بلا و آسیبی برکشور وارد خواهد آمد . برای روشن کردن آتش ویستا چوب را بایستی با حرارت آفتاب بوسیله ذره بین بسوزانند . لباس دختران آتشبان جامه های سفید میبود که تامچ پای آنها را میپوشانید و بالای آن ردائی بلند میپوشیدند و کلاه مناسب بسر میکذاشتند . پرستش آتش ویستا در قرن چهارم میلاد بوسیله امپرا تور تئودوسیوس Theodocious ممنوع گردید .

دریونان و رم قدیم نیزاینگونه راهبه های ویستا موجود بود . شخصی بنام انیش آتشی باخود از شهر تراژان آورد که همیشه فروزان بود . افسران

و قاضیان پیش از شروع بکار بذر و نیاز و تشریفات دینی آتش میپرداختند. مردم رم آتش را در وسط منازل خود نگاه میداشتند و بدور آن می نشستند و خوراک میخوردند و عقیده داشتند بدینطریق دلهای آنان پاک و روابط مهر و مودت بین آنها ایجاد میگردد. چنین مینماید که آتشکده کوچکی در همه خانه ها موجود بوده. هنگام جشنهای بزرگ تمام مردم شهر مانند عضو یک خانواده دوستانه زندگی میکردند و باهم دمساز بودند. بت در آتشکده نمیگذاشتند. آتش همیشه در زیر گنبد مقام داشت و فروزان بود و راهبه ها درخدمت آن قیام میکردند.

مردم بلغارستان حتی در این روزگار نیز از ادای احترام بآتش کوتاهی نمینمایند. نوروز را آنها جشن آفتاب مینامند. مردم سربستان آتش را سورژا یا سوروا مینامند. که شباهت بواژه سوریا (هندوان) یعنی خورشید دارد. آتشکده مرکزی رومیان در شهر البالگا Albalega مقام داشت وسی شهر دیگر آتش خودرا از آنجا میبردند.

درکشور یونان در شهر اتنش Athnash معبدی بود مشهور بقصر آتنی و بنام می نروانو Minarvanu آتش مقدس همیشه در آن روشن بود. از روزگاران قدیم مردم به پرستش و احترام آتش خوگرفته اند و ثبوت آن گروه مخصوصی میباشند که در روم نیز مانند مردم اوستا و ویدا بآذربانی مشغول بوده اند.

باوری مردم قدیم توتونیک Tutonic ، بوهمی Bohemi و تاتار براین بود که شخص آلوده و ناپاک را در وسط چندین توده های آتش فروزان بنشانند و یا بگرد آن طواف دهند پاک میگردد.

تشریفات گروه فراماسیون برای ارتقا بمقام مارک ماستر از اینقرار است. آفرینگان آتش میآورند و کاندیدای مقام باید در جلو آذر زانو بزند

و تعظیم نماید و بوی خوش برآن بگذارد . پیشوای بزرگشان مامور بجاآوردن این تشریفات میباشد . فراماسیون معتقدند چون بوی خوش بر آتش گذارند خداوند خشنود میگردد

کلیمی ها چون برای عبادت بکنیسا میروند اول درود برآتش میفرستند حتی در یکی از دعاهای آنان آمده است که فرشتگان بیکدیگر تعلیم میدهند که نگذارند آتش خاموش شود . و اینکه خداوند راست و مانند آذر فروزان است . یهودیان را باوری بر این است که هنگام شالوده ریزی دینشان در عهد باستان آتش مقدس از آسمان برزمین فرود آمد و آنها تا مدت درازی در نگهداری آن کوشیدند. موسی معبدی ساخت و شمعدانی در آنجا گذاشت که بشمعدان مقدس نامور گردید و روزانه هنگام پسین آنرا روشن میساختند. در معبد سلیمان ده شمعدان زرین موجود بود و تمام شب با روغن زیتون میسوخت . یهودیان معتقدند که آتش نباید در منازل آنها خاموش و سرد شود والا ببدختی عظیمی دچار میشوند زیرا در تورات آمده که « آتش گناهکاران سرد میگردد .

تاطی روزگاران درازی نگاهداری آتش در منازل و فروزان نگاهداشتن مشعل در جایگاههای عمومی نزد یونانیان و رومیان عمل پرهیزکاری محسوب میشد. در کلیسای سن پطرس در روم و نقـــاط دیگر آتش شبانروز فروزان است .

بنا بمندرجات انجیل ، از وسط آذر رخشان فرمان از طرف خدا بموسی ، حزقیل و دانیال رسید . یهودیها معتقدند که عیسی هنگام ظهور از میان آذر فروزان برخواهد خاست و اینکه خدا نور و زندگانی این گیتی است .

کتب مقدس هنود نیز ستایشهای زیادی در باره آتش دارد . در سده پنجم پیش از میلاد کتیایانه و دانشمندان دیگر هند تفسیرات زیادی در مورد

ریک ویدای قدیم که بزرگترین همه ویدا هاست نوشته اند. ریک ویدا بده بخش قسمت شده است. نخستین سرود بخش هشتم آن در ستایش آتش میباشد. آنرا چنین میستاید: در همه کاینات حاضر است. میزبان دلسوز، مهربان و گرامی است. نیروی خداوندیست. مقام اندرا بعد از مقام آذر است. کریشنا در گیتا بارجون میآموزد که خدا در وسط آذر فروزان منزل دارد. بقول برنوف Bernuff پیشوایان و صاحبدلان هنود هنگام بجا آوردن تشریفات یجنا Yajna (مراسم ستایش آتش) دو تکه چوب خشک بهم میمالند تا جرقه آتش از آن بجهد و روشن گردد. ایی دو تکه چوب را سواستیک میکویند یعنی صلیب شکسته. چون جزء اول را از آن برادریم واستیک میماند که شبیه واژه واسدیو میباشد یعنی آتش و آن تلفظی است که مردم این روزگار دارند. بعضی از پیشوایان مسیحی معتقدند که اگنساده بمعنی بره مظهر خداوند اگنی هندوان یعنی آتش میباشد. چنانکه مسیحیان آتش را بره خدا میدانند زرتشتیان آتش را به پسر خدا تعریف کرده اند.

گروه هندیهای سرخ امریکا معروف به آری ژهن در بخش دور افتادهٔ از امریکا در غار مقدس خویش آتش پاک را فروزان نکاهمیدارند پیشوایان آنها هنکام طلوع آفتاب در حالیکه جامه مهتری و سروری میپوشند از غار بیرون میآیند و خورشید را میستایند.

کتابهائیکه از آن استفاده شد

کتاب گجراتی ناموران بینام و نشان گروه. تالیف ر پ ولاتی

کتاب گجراتی آتشکده های قدیم تالیف هیربد دادا باهی خورشیدجی دوردی ۱۲۵۶ی

کتاب گجراتی بنگاههای دینی پارسی تالیف ب پ پتل

تاریخ یزد یا آتشکده یزدان تالیف عبدالحسین آیتی

آثارالباقیه تالیف ابوریحان بیرونی

دبستان‌المذاهب تالیف موبد کیخسرو

شارستان تالیف بهرام فرهاد

ملل و نحل شهرستانی

سکندرنامه نظامی

شاهنامه فردوسی

جامع مفیدی تالیف محمد مفید مستوفی بن نجم‌الدین باقفی

تاریخ تبرستان پس از اسلام تالیف اردشیر بزرگر تهران ۱۳۴۴ خورشیدی

تمدن ایرانی تالیف عیسی بهنام تهران ۱۱۳۳خ

تاریخ منتظم ناصری تالیف محمد حسن صنیع‌الدوله

انجیل عهد عتیق و جدید

فرزانگان زرتشتی تالیف رشید شهردان

پاسارگاد نگارش علی سامی ۱۳۳۸خ

تمدن ساسانی جلد اول نگارش علی سامی ۱۳۴۲خ

تاریخ گیلان تالیف آ شودزکو ترجمه محمد علی گیلکی

فرهنگ بهدینان تالیف جمشید سروش سروشیان ۱۳۳۵خ

گزارش انجمن بهبودی حال زرتشتیان سالهای ۱۹۱۲ - ۱۸۸۸ میلادی

آئین دین زرتشتی موبد مهرگان..

آثار عجم - تالیف فرصت‌الدوله شیرازی

سالنامه آموزشگاهای زرتشتیان تهران ، ۱۳۳۰خ

تاریخ کشاف تالیف تیمور پاشا بن حسینخان کرد بنشانی R158 محفوظ در کتابخانه خاور شناسی کاما

تاریخ اکراد دنبلی تالیف فقیر بن حسینعلی دنبلی بنشانی HP. ms 144 محفوظ در کتابخانه خاور شناسی کاما

ایران نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر ساسانی اثر پروفسور عباس شوشتری (مهرین) تهران

گشته دبیره از محمد صادق کیا جزوه پنجم ایران کوده

وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان تالیف آرتور کریستنسن ترجمه مجتبی مینوی تهران ۱۳۱۴

اقلیم پارس تالیف سید محمد تقی مصطفوی، نشریه انجمن آثار ملی ایران تهران ۱۳۴۳ خورشیدی

خاتون هفت قلعه تالیف باستانی پاریزی

قصه سنجان از دستور بهمن سنجانا

مجلـــه بررسی های تاریخی شماره ۱ـ۲ سال ۱۳۴۵ نشریه ستاد بزرگ ارتشتاران ، تهران

A Brief Revier of Afghanistan (Ancient Aryana)
Persia, past and present. by Willium Jackson
The Madras Parsi Zarthoshti Anjuman, Clubwala Daremehr golden Jubillee Volume

Acta Orientalia x x x Munksgaard, Copenhagen 1966
Vivid glimpses of India, by J.J. Sheppard Calcutta 1924
The Zoroastrian Period of Indian History by D. B. spooner, Journal of Royal Asiatic Society, January July 1915
કોમના થોડાક છુપા વીરલઓ, by R. B. Velati
પુરાતન આ તારાખાનો by Irvad Dadabhai Khorshetji Dordi
પારસી ધર્મસ્થળો by B. R. Patel
Asiatic Papers Vol II by Dr. J. J. Mody 1917
The Kabul Times, Vol V. No. 197 Nov. 30, 1966
Shiraz, Published by the Ministry of Information of the Imperial Iranian Government.

سازمان جوانان زرتشتی بمبئی